

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بَابُ التَّفْوِيضِ إِلَى اللَّهِ وَ التَّوَكُّلِ عَلَيْهِ

واگذاردن امر بخدا و توکل بر او

۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ مُفَضَّلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَى دَاوُدَ ع مَا اغْتَصَمَ بِِي عَبْدٌ مِنْ عِبَادِي^۱ دُونَ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِي عَرَفْتُ ذَلِكَ مِنْ نَبِيِّهِ^۲ ثُمَّ تَكِيدُهُ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ وَ مَنْ فِيهِنَّ إِلَّا جَعَلْتُ لَهُ الْمَخْرَجَ مِنْ بَيْنَهُنَّ وَ مَا اغْتَصَمَ عَبْدٌ مِنْ عِبَادِي بِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِي عَرَفْتُ ذَلِكَ مِنْ نَبِيِّهِ إِلَّا قَطَعْتُ أَسْبَابَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ مِنْ يَدَيْهِ وَ أَسَخْتُ الْأَرْضَ مِنْ تَحْتِهِ^۳ وَ لَمْ أَبَالِ بِأَيِّ وَادٍ هَلَكَ^۴. امام صادق عليه السلام فرمود: خدای عز و جل بداود علیه السلام وحی فرستاد که: هیچ يك از بندگاتم.

بدون توجه باحدی از مخلوق بمن پناهنده نشود که من بدانم نیت و قصد او همین است، سپس آسمانها و زمین و هر که در آنهاست با او نیرنگ بازند، جز آنکه راه چاره از میان آنها را برایش فراهم آورم و هیچ يك از بندگاتم بیکی از مخلوق پناه نبرد که بدانم قصدش همانست، جز آنکه اسباب و وسائل آسمانها و زمین را از دستش ببرم و زمین زیر پایش را فرو برم و بحر وادی هلاکتی افتد باک ندارم.

۲- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجُبَّارِ عَنِ ابْنِ مَجْبُوبٍ عَنْ أَبِي حَفْصٍ الْأَعَشِيِّ عَنْ عَمْرِو [عَمْرٍ] بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ الثَّمَالِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ص قَالَ: خَرَجْتُ حَتَّى انْتَهَيْتُ إِلَى هَذَا الْحَائِطِ فَاتَّكَأْتُ عَلَيْهِ فَإِذَا رَجُلٌ عَلَيْهِ ثَوْبَانِ أبيضَانِ^۵ يَنْظُرُ فِي بُحَاةِ وَجْهِي^۶ ثُمَّ قَالَ يَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ مَا لِي أَرَاكَ كَثِيبًا حَزِينًا أَعَلَى الدُّنْيَا فَرِزْقُ اللَّهِ حَاضِرٌ لِلْبَرِّ وَ الْفَاجِرِ قُلْتُ مَا عَلَيَّ هَذَا أَحْزَنُ وَ إِنَّهُ لَكَمَا تَقُولُ قَالَ فَعَلَى الْآخِرَةِ فَوَعْدٌ صَادِقٌ يَخْكُمُ فِيهِ مَلِكٌ فَاهِرٌ أَوْ قَالَ قَادِرٌ قُلْتُ مَا عَلَيَّ هَذَا أَحْزَنُ وَ إِنَّهُ لَكَمَا تَقُولُ فَقَالَ مِمَّ حُزْنُكَ- قُلْتُ بِمَا تَتَخَوَّفُ مِنْ فِتْنَةِ ابْنِ الزُّبَيْرِ^۷ وَ مَا فِيهِ النَّاسُ قَالَ فَصَحِّحْكَ ثُمَّ قَالَ يَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ هَلْ رَأَيْتَ أَحَدًا دَعَا اللَّهَ فَلَمْ

^۱ (۱) «عبد من عبادي» أي مؤمن.

^۲ (۲) «عرفت ذلك» نعت للعبد.

^۳ (۳) أي خسفتها من الاساحة (في).

^۴ (۴) في بعض النسخ [تمالك].

^۵ (۵) لعل الرجل كان هو الخضر على نبينا و آله و عليه السلام.

^۶ (۶) في القاموس وجاهك و تجاهك مثلثين: تلقاء وجهك.

^۷ (۷) ابن الزبير هو عبد الله و كان أعدى عدو أهل البيت و قد صار سببا لعدول الزبير عن ناحية أمير المؤمنين (ع) حيث قال عليه السلام: لا زال الزبير معنا حتى أدرك فرجه. و المشهور أنه بويع له بالخلافة بعد شهادة الحسين (ع) لسبع بقين من رجب سنة أربع و ستين في أيام يزيد و قيل لما استشهد الحسين عليه السلام في سنة ستين من الهجرة دعا ابن الزبير بمكة إلى نفسه، و عاب يزيد بالفسوق و المعاصي و شرب الخمر فباعه أهل حماة و الحجاز فلما بلغ يزيد ذلك ندب له الحصين بن نمير و روح بن زبياع و ضم إلى كل واحد جيشا و استعمل على الجميع مسلم بن عقبة، و جعله أمير الامراء، و لما ودعهم قال: يا مسلم لا ترد أهل الشام عن شيء يريدونه لعدوهم، و اجعل طريقتك على المدينة فان حاروك فحاربهم فان ظفرت بهم فاجهم ثلاثا. فسار مسلم حتى نزل

يُجِبُّهُ قُلْتُ لَا قَالَ فَهَلْ رَأَيْتَ أَحَدًا تَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ فَلَمْ يَكْفِهِ قُلْتُ لَا قَالَ فَهَلْ رَأَيْتَ أَحَدًا سَأَلَ اللَّهَ فَلَمْ يُعْطِهِ قُلْتُ لَا ثُمَّ غَاب عَنِّي.
علی بن الحسین صلوات الله علیهما فرمود: روزی بیرون شدم تا باین دیوار رسیدم و بر آن تکیه دادم. ناگاه مردی که دو جامه سفید بر تن داشت پیدا شد و در رویم نگریست. سپس گفت: ای علی ابن الحسین! چه شده که ترا اندوهگین و محزون ببینم؟ آیا اندوهت برای دنیاست که روزی خدا برای نیکوکار و بدکردار آماده است.

گفتم برای دنیا اندوهگین نیستم، زیرا چنانست که تو گوئی، گفت: پس برای آخرتست؟ که وعده‌ایست درست و سلطانی قاهر - قادر - نسبت بآن حکم میفرماید.

گفتم: برای آنهم اندوه ندارم، زیرا چنانست که میگوئی.

گفت: اندوهت برای چیست؟

گفتم: از فتنه ابن زبیر و وضعی که مردم دارند میترسم.

او خندید و گفت: ای علی بن الحسین! آیا دیده‌ئی کسی بدرگاه خدا دعا کند و مستجاب نشود؟

گفتم: نه.

گفت: آیا دیده کسی بر خدا توکل کند و خدا کارگزاریش نکند؟ گفتم: نه.

گفت: آیا کسی را دیده‌ئی که چیزی از خدا بخواهد و باو ندهد؟ گفتم: نه. سپس از نظرم غایب شد.

شرح

- ابن زبیر همان عبد الله بن زبیر است که دشمن ترین مردم بود نسبت بخاندان پیغمبر و گویند علت دشمنی پدرش با امیر المؤمنین و همدستی با طلحه و پیا کردن جنگ جمل هم او بود، و روایت است که امیر المؤمنین علیه السلام فرمود:

الحرّة، فخرج أهل المدينة فمضوا بها وأميرهم عبد الله بن حنظلة الراهب غسل الملائكة فدعاهم مسلم ثلاثاً فلم يجيبوا فقاتلهم، فغلب أهل الشام و قتل عبد الله و سبعائة من المهاجرين و الأنصار و دخل مسلم المدينة و أباحها ثلاثة أيام ثم شخص بالجيش إلى مكة و كتب إلى يزيد بما صنع بالمدينة و مات مسلم لعنة الله في الطريق فتولى أمر الجيش الحصين بن نمير حتى وافي مكة فتحصن منه ابن الزبير في المسجد الحرام في جميع من كان معه و نصب الحصين المنحنيق على أبي قبيس و رمى به الكعبة فبينما هم كذلك إذ ورد الخبر على الحصين بموت يزيد لعنة الله عليهما، فأرسل إلى ابن الزبير يسأله المواعدة، فأجابته إلى ذلك و فتح الأبواب و اختلط العسكران يطوفون بالبيت، فبينما الحصين يطوف ليلة بعد العشاء إذ استقبله ابن الزبير فأخذ الحصين بيده و قال له سرا: هل لك في الخروج معي إلى الشام فأدعو الناس إلى بيعتك فان أمرهم قد مرج و لا أدري أحدا أحق بما اليوم منك و لست أعصى هناك فاجتذب ابن الزبير يده من يده و هو يجهر: دون أن أقتل بكل واحد من أهل الحجاز عشرة من الشام، فقال الحصين: لقد كذب الذي زعم أنك من دهاة العرب، أكلمك سرا و تكلمني علانية و أدعوك إلى الخلافة و تدعوني إلى الحرب، ثم انصرف بمن معه إلى الشام و قالوا: بايعه أهل العراق و أهل مصر و بعض أهل الشام إلى أن بايعوا مروان بعد حروب و استمر له العراق إلى سنة إحدى و سبعين و هي التي قتل فيها عبد الملك بن مروان أخاه مصعب بن الزبير و هدم قصر الامارة بالكوفة، و لما قتل مصعب أئتم أصحابه فاستدعى بهم عبد الملك فبايعوه و سار إلى الكوفة و دخلها و استقر له الامر بالعراق و الشام و مصر ثم جهز الحجا في سنة ثلاث و سبعين إلى عبد الله بن الزبير فحصره بمكة و رمى البيت بالمنحنيق ثم ظفر به و قتله و اجتر الحجاج رأسه و صلبه منكسا ثم أنزله و دفنه في مقابر اليهود و كانت خلافته بالحجاز و العراق تسع سنين و اثنين و عشرين يوما و له من العمر ثلاث و سبعون سنة و قيل اثنان و سبعون سنة و كانت أمه أسماء بنت أبي بكر (آت).

«زبير همیشه با ما بود تا آنکه جوجه‌اش بزرگ شد» (و او را از ما منحرف کرد) و چون پدرش در جنگ جمل کشته شده بود، می‌خواست از شیعیان امیر المؤمنین علیه السلام انتقام گیرد تا عاقبت حجاج بن یوسف بدستور عبد الملك بن مروان او را در مکه بکشت و سرش را وارونه بدار آویخت و سپس فرود آورد و در گورستان یهودیان بخاک سپرد، چنان‌که داستانش در تواریخ مذکور است، و ظاهراً شخصی که با امام سخن گفته فرشته‌ئی بوده که بصورت انسان مجسم گشته و یا از جنس بشر بوده مانند خضر و الیاس، و گفته‌اند که آن حضرت میخواست بر ابن زبیر نفرین کند، ولی نمی‌کرد، چون این شخص را دید و سخنان او را که عنوان تذکر از جانب خدا داشت شنید بر او نفرین کرد.

و فرق میان دعا و سؤال از خدا اینست که: دعا برای دفع زیان است، چنان‌که در کتاب دعاء، در جلد چهارم ان شاء الله بیان می‌شود، ولی سؤال برای جلب منفعت و سود است.

- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ مُحَمَّدٍ مِثْلَهُ.

۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ عَمِّهِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ كَثِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ الْغِيَّ وَ الْعِزَّ يَجُولَانِ فَإِذَا ظَفِرًا بِمَوْضِعِ التَّوَكُّلِ أَوْطَنَا. امام صادق علیه السلام فرمود: بی‌نیازی و عزت بفر طرف در گردشند تا چون بمحل توکل برسند وطن گیرند.

شرح

- استعاره تمثیله بسیار جالبی است، برای مجسم ساختن بی‌نیازی و عزتی که همواره برای شخص متوکل حاصل است، که گویا بی‌نیازی و عزت را مانند همای سعادت و شرف در جستجوی هدف و مقصودی در گردش دانسته. و هدف و مقصود آنها را توکل معرفی فرموده و فرودگاهی جز توکل برای آنها مناسب ندانسته است، پس هرگاه شخص متوکلی را جستند، بر سر او مقام گیرند و همواره همراه او باشند از این رو شخص متوکل همواره بی‌نیاز و عزیز است، اگر چه ثروتمند و مالدار نباشد، اما مناعت طبع و علو همتش هرگز اجازه نمیدهد که در برابر مخلوق برای ثروت و مقام تملق و چاپلوسی کند یا خواهش و تقاضا نماید.

و توکل را محقق طوسی در کتاب «اوصاف الاشراف» چنین تعریف کرده است: مقصود از توکل اینست که بنده هر کاری که میکند و برای او پیش می‌آید بخدا تعالی واگذارد، زیرا که میداند خدا از خود او تواناتر و قویتر است و بنحو احسن انجام میدهد، و سپس بقضاء خدا راضی باشد، و با وجود این در اموری که خدا باو واگذار فرموده است کوشش و جدیت کند و خود را با کوشش و قدرت و اراده خویش از اسباب و شروطی بداند که موجب تعلق اراده و قدرت خدا بامر او می‌شود، و معنی

لا حیر و لا تفویض بل امر بین امرین

هم از این بیان ظاهر میگردد.

مرحوم حاج ملا هادی سبزواری هم قریب باین مضمون گفته است:

توکل ان تدع الامر الی
مقدر الامور جل و علا
و لیس هذا ان تکف عن عمل
اذ رب امر بوسائط حصل

- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ مِثْلَهُ.

۴- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنِ ابْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: أَيُّمَا عَبْدٍ أُقْبِلَ قَبِلَ مَا يُحِبُّ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أُقْبِلَ اللَّهُ قَبِلَ مَا يُحِبُّ وَ مَنْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ عَصَمَهُ اللَّهُ وَ مَنْ أُقْبِلَ اللَّهُ قَبِلَهُ وَ عَصَمَهُ لَمْ يُبَالِ لَوْ سَقَطَتِ السَّمَاءُ عَلَى الْأَرْضِ أَوْ كَانَتْ نَارًا نَزَلَتْ عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ فَشَمِلَتْهُمْ بَلِيَّةٌ كَانَتْ فِي حِزْبِ اللَّهِ بِالتَّقْوَى مِنْ كُلِّ بَلِيَّةٍ أَلَيْسَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ - إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ^۱. امام صادق علیه السلام فرمود: هر بنده‌ای که بآنچه خدای عز و جل دوست دارد، روی آورد، خدا بآنچه او دوست دارد روی آورد، و هر که در پناه خدا رود، خدایش پناه دهد. و کسی که خدا باو رو آورده و او را پناه داده است، باک ندارد، و اگر آسمان بر زمین افتد یا بلائی بر اهل زمین نازل شود و همه را فراگیرد، او بسبب تقوایش در زمره حزب خداست (که فرماید: أَلَا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْعَالَمُونَ «یعنی حزب خدا پیروزند» و از هر بلا محفوظ است، مگر نه اینست که خدای عز و جل میفرماید:

«مردم با تقوی در جایگاه امنی هستند. ۵۱ سوره ۴۴» (که حوادث و آفات بآنها نرسد).

۵- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَصْبَاطٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَمْرٍو الْحَلَّالِ^۲ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سُؤَيْدٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ - وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ^۳ فَقَالَ التَّوَكُّلُ عَلَى اللَّهِ دَرَجَاتٌ مِنْهَا أَنْ تَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ فِي أُمُورِكَ كُلِّهَا فَمَا فَعَلَ بِكَ كُنْتَ عَنْهُ رَاضِيًا تَعْلَمُ أَنَّهُ لَا يَأْلُوكَ خَيْرًا وَ فَضْلًا وَ تَعْلَمُ أَنَّ الْحُكْمَ فِي ذَلِكَ لَهُ فَتَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ بِتَفْوِضِ ذَلِكَ إِلَيْهِ وَ ثِقْ بِهِ فِيهَا وَ فِي غَيْرِهَا. علی بن سوید گوید: از موسی بن جعفر علیه السلام، قول خدای عز و جل را پرسیدم: «هر که بر خدا توکل کند، خدا او را بس است، ۳ سوره ۶۵» فرمود: توکل بر خدا درجاتی دارد: بعضی از آن درجات اینست که: در همه امورت بر خدا توکل کنی و هر چه در باره تو کند راضی باشی و بدانی که او از هیچ خیر و فضلی در باره تو کوتاهی نکند و بدانی که حکم و فرمان در این جهت با اوست، پس با واگذاری امورت بخدا بر او توکل نما و باو اعتماد داشته باش، در امور خودت و غیر آن (امور فامیل و پیروان و دوستانت که بتو ارتباط دارد).

^۱ (۱) الدخان: ۵۱.

^۲ (۲) الحلال بالتشديد بیاع الحل بالفتح و هو دهن السمسم.

^۳ (۳) الطلاق: ۳.

٦- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ يَحْيَى بْنِ الْمُبَارَكِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ أُعْطِيَ ثَلَاثًا لَمْ يُمْنَعْ ثَلَاثًا مِنْ أُعْطِيَ الدُّعَاءَ الإِجَابَةَ^١ وَ مَنْ أُعْطِيَ الشُّكْرَ أُعْطِيَ الرِّيَازَةَ وَ مَنْ أُعْطِيَ التَّوَكُّلَ أُعْطِيَ الْكِفَايَةَ^٢ ثُمَّ قَالَ أ تَلَوْتُ كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ - وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ^٣ وَ قَالَ لَكُنْ شَاكِرًا لَأَزِيدَنَّكُمْ^٤ وَ قَالَ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ^٥. امام صادق عليه السلام فرمود: بھر که سه چیز دادند، از سه چیزش باز نگرفتند: بھر که دعا دادند اجابت دادند، بھر که سپاسگزاری دادند، افزونی بخشیدند، بھر که توکل دادند، کارگزاری دادند، سپس فرمود: آیا کتاب خدای عز و جل را خوانده‌ای: «بھر که بر خدا توکل کند، او را بس است» ۳ سوره ۶۵ و فرماید: «اگر سپاسگزاری، شما را افزونی دهد، ۷ سوره ۱۴» و فرماید «مرا بخوانید تا برای شما مستجاب کنم، ۶۰ سوره ۴۰».

٧- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي عَلِيٍّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلْوَانَ قَالَ: كُنَّا فِي مَجْلِسٍ نَطْلُبُ فِيهِ الْعِلْمَ وَ قَدْ نَفَدَتْ نَفَقَتِي فِي بَعْضِ الْأَسْفَارِ فَقَالَ لِي بَعْضُ أَصْحَابِنَا مَنْ تُؤْمَلُ لِمَا قَدْ نَزَلَ بِكَ فَقُلْتُ فَلَنَا فَقَالَ إِذَا وَ اللَّهُ لَا تُسَعَفُ^١ حَاجَتُكَ وَ لَا يَبْلُغُكَ أَمْلُكَ وَ لَا تُنْحَجَ طَلِبَتُكَ قُلْتُ وَ مَا عَلِمَكَ رَحِمَكَ اللَّهُ قَالَ إِنَّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع حَدَّثَنِي أَنَّهُ قَرَأَ فِي بَعْضِ الْكُتُبِ أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَقُولُ وَ عَزَّتِي وَ جَلَالِي وَ مَجْدِي وَ اِرْتِفَاعِي عَلَى عَرْشِي لَأَقْطَعَنَّ أَمَلَ كُلِّ مُؤْمِلٍ [مِنَ النَّاسِ] عَزِيرِي بِالْيَأْسِ وَ لَأَكْشُوْنَهُ نَوْبَ الْمَدَلَّةِ عِنْدَ النَّاسِ وَ لَأُحَيِّنَهُ^٢ مِنْ قُرْبِي وَ لَأُبْعِدَنَّهُ مِنْ فَضْلِي أ يَوْمَلُ عَزِيرِي فِي الشَّدَائِدِ وَ الشَّدَائِدُ بِيَدِي^٣ وَ يَرْجُو عَزِيرِي وَ يَفْرَعُ بِالْفِكْرِ بَابَ عَزِيرِي^٤ وَ بِيَدِي مَفَاتِيحَ الْأَبْوَابِ وَ هِيَ مُعَلَّقَةٌ وَ بَابِي مَفْتُوحٌ لِمَنْ دَعَانِي فَمَنْ دَا الَّذِي أَمَلَنِي لِنَوَائِبِهِ فَقَطَعْتُهُ دُونَهَا وَ مَنْ دَا الَّذِي رَجَانِي لِعَظِيمَةِ فَقَطَعْتُ رِجَاءَهُ مِنِّي جَعَلْتُ أَمَالَ عِبَادِي عِنْدِي مَحْفُوظَةً فَلَمْ يَرْضَوْا بِحَفْظِي وَ مَلَأْتُ سَمَاوَاتِي مِمَّنْ لَا يَمَلُّ مِنْ تَسْبِيحِي وَ أَمَرْتُهُمْ أَنْ لَا يُغْلِقُوا الْأَبْوَابَ بَيْنِي وَ بَيْنَ عِبَادِي فَلَمْ يَتَّبِعُوا بِقَوْلِي^٥ أ لَمْ يَعْلَمَ [أَنَّ] مَنْ طَرَفْتُهُ نَائِبَةً مِنْ نَوَائِبِي أَنَّهُ لَا يَمَلُّكَ كَشَفَهَا أَحَدٌ عَزِيرِي إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِي - فَمَا لِي أَرَاهُ لَاهِيًا عَنِّي أَعْطَيْتُهُ بِجُودِي مَا لَمْ يَسْأَلْنِي ثُمَّ انْتَرَعْتُهُ عَنْهُ فَلَمْ يَسْأَلْنِي رَدَّهُ وَ سَأَلَ عَزِيرِي أ فَيَرَانِي^٦ أ بَدَأُ بِالْعَطَاءِ قَبْلَ الْمَسْأَلَةِ ثُمَّ أَسْأَلُ فَلَا أُجِيبُ سَائِلِي أ بَخِيلٌ أَنَا فَيُبْحَلُنِي عِبْدِي^٧ أ وَ لَيْسَ الْجُودَ وَ الْكُرْمَ لِي أ وَ لَيْسَ الْعَفْوُ وَ الرَّحْمَةُ بِيَدِي أ وَ لَيْسَ أَنَا حَلَّ الْأَمَالِ فَمَنْ يَقْطَعُهَا دُونِي أ فَلَا يَخْشَى الْمُؤْمِلُونَ أَنْ يُؤْمَلُوا عَزِيرِي فَلَوْ أَنَّ أَهْلَ سَمَاوَاتِي وَ أَهْلَ أَرْضِي أَمَلُوا جَمِيعاً ثُمَّ أُعْطِيَتْ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ مِثْلَ مَا أَمَلَ الْجَمِيعُ مَا انْتَقَصَ مِنْ مُلْكِي مِثْلَ عُضْوٍ

^١ (٤) في بعض النسخ [لم يمنع الإجابة].

^٢ (٥) المراد بالاعطاء توفيق الإتيان به.

^٣ (٣) الطلاق: ٣.

^٤ (٦) إبراهيم: ٧.

^٥ (٧) المؤمن: ٦٠.

^٦ (١) أسعف حاجته أي قضاها له و في بعض النسخ. [لا يسعف] و في أكثرها [لا تسعف] و كذا [و لا تنحج] فهما بالتاء على بناء المفعول و بالياء على بناء الفاعل، و النجاح: الفوز و في بعض النسخ [لا يبلغ أملك].

^٧ (٢) أي لأبعدنه و أزيله.

^٨ (٣) أي تحت قدرتي.

^٩ (٤) تشبيه الفكر باليد مكنية و إثبات القرع له تخيلية و ذكر الباب ترشيع.

^{١٠} (٥) أي وعدى الإجابة لهم.

^{١١} (٦) في بعض النسخ [أ فتراني].

^{١٢} (٧) بخله بالتشديد أي نسبه إلى البخل.

ذَرَّةً وَ كَيْفَ يَنْقُصُ مُلْكُ أُنَا قَيْمُهُ فَيَا بُؤْسًا^۱ لِلْقَانِطِينَ مِنْ رَحْمَتِي وَ يَا بُؤْسًا لِمَنْ عَصَانِي وَ لَمْ يُرَاقِبْنِي. حسین بن علوان گوید: در مجلسی نشسته بودیم که دانش می‌آموختیم و هزینه سفر من تمام شده بود، یکی از رفقا بمن گفت: برای این گرفتاریت بکه امیدواری؟ گفتیم: بفلائی، گفت: پس بخدا که حاجتت برآورده نشود و بآرزویت نرسی، و مرادت حاصل نشود، گفتیم: تو از کجا دانستی خدایت رحمت کناد؟.

گفت: امام صادق علیه السلام بمن حدیث فرمود که: در یکی از کتابها خوانده است که خدای تبارک و تعالی میفرماید: بعزت و جلال و بزرگواری و رفعتم بر عرشم سوگند که آرزوی هر کس را که بغیر من امید بندد، بنومیدی قطع میکنم. و نزد مردم بر او جامه خواری میپوشم، و او را از تقرب خود میرانم و از فضلم دور میکنم، او در گرفتاریها بغیر من آرزو می‌بندد، در صورتی که گرفتاریها بدست من است؟ و بغیر من امیدوار می‌شود و در فکر خود در خانه جز مرا میکوبد؟ با آنکه کلیدهای همه درهای بسته نزد من است و در خانه من برای کسی که مرا بخواند باز است.

کیست که در گرفتاریهایش بمن امید بسته و من امیدش را قطع کرده باشم؟ کیست که در کارهای بزرگش بمن امیدوار گشته و من امیدش را از خود بریده باشم، من آرزوهای بندگام را نزد خود محفوظ داشته و آنها بحفظ و نگهداری من راضی نگشتند و آسمانهایم را از کسانی که از تسبیحم خسته نشوند (فرشتگان) پر کردم و بآنها دستور دادم که درهای میان من و بندگام را نبندند. ولی آنها بقول من اعتماد نکردند، مگر آن بنده نمیداند که چون حادثه‌ای از حوادث من او را بکوبد، کسی جز باذن من آن را از او برندارد، پس چرا از من روی گردانست، من با وجود و بخشش خود آنچه را از من نخواست باو میدهم سپس آن را از او میگیرم، و او برگشتش را از من نمیخواهد و از غیر من میخواهد؟ او در باره من فکر میکند که ابتدا و پیش از خواستن او عطا میکنم، ولی چون از من بخواد بسائل خود جواب نمیگویم؟ مگر من بخیلیم که بنده‌ام مرا بخیل میداند؟ مگر هر جود و کرمی از من نیست؟ مگر عفو و رحمت دست من نیست؟.

مگر من محل آرزوها نیستم؟ پس که میتواند آرزوها را پیش از رسیدن بمن قطع کند [که میتواند آرزوها را جز من قطع کند] آیا آنها که بغیر من امید دارند نمیترسند؟ (از عذام یا از بریدن آرزویشان یا از مقام قریم یا از قطع نعمتهایم از آنها) اگر همه اهل آسمانها و زمین بمن امید بندند، و بھر يك از آنها باندازه امیدواری همه دهم، بقدر عضو مورچه‌ای از ملکم کاسته نشود، چگونه کاسته شود از ملکی که من سرپرست او هستم؟ پس بدا بحال آنها که از رحمت نومیدند، و بدا بحال آنها که نافرمانیم کنند و از من پروا نکنند.

۸ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ^۲ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ عَبَّادِ بْنِ يَعْقُوبَ الرَّوَاحِيِّ عَنْ سَعِيدِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ قَالَ: كُنْتُ
كُنْتُ مَعَ مُوسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ^۳ - يَبْنَعُ وَ قَدْ نَفَدَتْ نَفَقَتِي فِي بَعْضِ الْأَسْفَارِ فَقَالَ لِي بَعْضُ وُلْدِ الْحُسَيْنِ مَنْ تُؤْمَلُ لِمَا قَدْ نَزَلَ بِكَ

^۱ (۱) البؤس و البأساء: الشدة و الفقر و الحزن.

^۲ (۲) في بعض النسخ [محمد بن الحسين].

^۳ (۳) قد مر بعض أحوال موسى بن عبد الله بن الحسن في المجلد الأول ص ۳۵۸ إلى ۳۶۶. و في القاموس «ينع»: كينصر حصن له عيون و نخيل و زرع بطريق حاج مصر.

فَقُلْتُ مُوسَىٰ بَنَ عَبْدَ اللَّهِ فَقَالَ إِذَا لَا تُفْضَىٰ حَاجَتُكَ ثُمَّ لَا تُنْحَجَّ طَلِبَتُكَ قُلْتُ وَ لَمْ ذَاكَ قَالَ لِأَبِي قَدْ وَجَدْتُ فِي بَعْضِ كُتُبِ آبَائِي أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ ثُمَّ ذَكَرَ مِثْلَهُ فَقُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَمَلِ عَلَيَّ فَأَمْلَاهُ عَلَيَّ فَقُلْتُ لَا وَاللَّهِ مَا أَسْأَلُهُ حَاجَةً بَعْدَهَا^١ سعيد بن عبد الرحمن گوید: با موسی بن عبد الله (بن حسن) در بینع بودم و هزینه سفرم تمام شده بود، یکی از فرزندان حسین علیه السلام بمن گفت: در این گرفتاریت بکه امیدواری؟ گفتم: بموسی بن عبد الله، گفت: بنا بر این حاجتت روا نشود و بمقصودت نرسی. گفتم: برای چه؟ گفت: زیرا در یکی از کتابهای پدرم دیدم که خدای عز و جل میفرماید: - سپس مانند حدیث سابق را ذکر نمود- من گفتم:

پسر پیغمبر! برایم املا کن. برایم املا فرمود. من گفتم: نه بخدا بعد از این از او حاجتی نخواهم

خوف و رحا

١- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَلِيدٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ يُونُسَ عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغِيرَةِ أَوْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قُلْتُ لَهُ مَا كَانَ فِي وَصِيَّةِ لُقْمَانَ قَالَ كَانَ فِيهَا الْأَعَاجِيبُ وَ كَانَ أَعْجَبَ مَا كَانَ فِيهَا أَنْ قَالَ لِإِنِّي خَفِ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ خِيفَةً لَوْ جِئْتُهُ بِبِرِّ الثَّقَلَيْنِ لَعَدَبْتُكَ وَ أَرِجُ اللَّهُ رَجَاءً لَوْ جِئْتُهُ بِذُنُوبِ الثَّقَلَيْنِ لَرَحِمْتُكَ^٢ ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع كَانَ أَبِي يَقُولُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ إِلَّا [و] فِي قَلْبِهِ نُورَانِ نُورٌ خِيفَةٍ وَ نُورٌ رَجَاءٍ لَوْ وَزَنَ هَذَا لَمْ يَزِدْ عَلَى هَذَا وَ لَوْ وَزَنَ هَذَا لَمْ يَزِدْ عَلَى هَذَا. حارث یا پدرش مغیره بامام صادق علیه السلام عرض کرد: وصیت لقمان پسرش چه بود؟ فرمود در آن وصیت مطالب شگفتی بود و شگفت تر از همه این بود که پسرش گفت: از خدای عز و جل چنان بترس که اگر نیکی جن و انس را بیاوری ترا عذاب کند، و بخدا چنان امیدوار باش که اگر گناه جن و انس را بیاوری بتو ترحم کند.

سپس امام صادق علیه السلام فرمود: پدرم میفرمود: هیچ بنده مؤمنی نیست، جز آنکه در دلش دو نور است: نور خوف و نور رجاء که اگر این وزن شود از آن بیش نباشد و اگر آن وزن شود، از این بیش نباشد.

٢- مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ الْمُبَارِكِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع يَا إِسْحَاقُ خَفِ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ وَ إِنْ كُنْتَ لَا تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ^٣ فَإِنْ كُنْتَ تَرَى أَنَّهُ لَا يَرَاكَ فَقَدْ كَفَرْتَ وَ إِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّهُ يَرَاكَ ثُمَّ

^١ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامية) - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق.

^٢ (٤) بدل علی أنه ينبغي أن يكون الخوف و الرجاء كلاهما كاملين في النفس و لا تاتى بينهما فان ملاحظة سعة رحمة الله و غنائه وجوده و لطفه على عباده سبب الرجاء و النظر إلى شدة بأس الله و بطشه و ما أوعد العاصين من عباده موجب للخوف مع أن أسباب الخوف ترجع إلى نقص العبد و تقصيره و سوء أعماله عن الوصول إلى مراتب القرب و الوصال و احتمالاً كما فيما يوجب الخسران و الوبال و أسباب الرجاء تؤول إلى لطف الله و رحمته و عفوه و غفرانه و وفور إحسانه. و كل منهما في أعلى مدارج الكمال (آت).

^٣ (١) اعلم أن الرؤية تطلق على الرؤية بالبصر و على الرؤية القلبية و هي كناية عن غاية الانكشاف و الظهور و المعنى الأول هنا أنسب أي خف الله خوف من يشاهد بعينه و إن كان محلاً. و يحتمل الثاني أيضاً، فان المخاطب لما لم يكن من أهل الرؤية القلبية و لم يرتق إلى تلك الدرجة العلية - فانها مخصوصة بالأنبياء و الأوصياء عليهم السلام - قال: «كأنك تراه» و هذه مرتبة عين اليقين و أعلى مراتب السالكين. و قوله: «فان لم تكن تراه» أي إن لم تحصل. لك هذه المرتبة من الانكشاف و العيان فكن بحيث تتذكر دائماً أنه يراك. و هذه مقام المراقبة كما قال تعالى: «إِنَّمَا أَقْبَلُ هُوَ قَائِمٌ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ» E\i\ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمٌ رَقِيبًا\ E\ و المراقبة مراعاة القلب باشتغاله به و المتمر لها تذكر أن الله تعالى مطلع على كل نفس بما كسبت و انه سبحانه عالم بسرائر القلوب و خطراتها فإذا استقر هذا العلم في القلب جذبته إلى مراقبة الله سبحانه دائماً و ترك معاصيه خوفاً و حياءً و المواظبة على طاعته و خدمته دائماً. و قوله: «إن كنت ترى» تعليم لطريق جعل

بَرَزْتُ لَهُ بِالْمَعْصِيَةِ فَقَدْ جَعَلْتَهُ مِنْ أَهْوَنِ النَّاطِرِينَ عَلَيْكَ^١. اسحاق بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: ای اسحاق! چنان از خدا بترس که گویا ترا میبیند، و اگر تو او را نبینی، او ترا میبیند، و اگر معتقد باشی او ترا نمی بیند، کافر شوی و اگر بدانی او ترا میبیند و سپس نافرمانی او آشکار کنی [با گناهکاری مبارزه او روی] او را پست ترین بینندگان خود دانسته‌ئی (زیرا هیچ بندئی در برابر چشم آقای خویش چنین نافرمانی نکند).

٣- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مَخْبُوبٍ عَنِ اَهْتِشَمِ بْنِ وَاقِدٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ مَنْ خَافَ اللَّهَ أَخَافَ اللَّهُ مِنْهُ كُلَّ شَيْءٍ وَ مَنْ لَمْ يَخَفِ اللَّهَ أَخَافَهُ اللَّهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ. امام صادق علیه السلام میفرمود: هر که از خدا بترسد، خدا همه چیز را از او بترساند و هر که از خدا نترسد، خدا او را از همه چیز بترساند.

٤- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ أَبِيهِ عَنْ حَمَزَةَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْجَعْفَرِيِّ عَنِ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ أَبِي حَمَزَةَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع مَنْ عَرَفَ اللَّهَ خَافَ اللَّهَ وَ مَنْ خَافَ اللَّهَ سَخَتْ نَفْسُهُ عَنِ الدُّنْيَا^٢. و فرمود: هر که خدا را شناخت، از او بترسد و هر که از خدا بترسد دل از دنیا برکند.

٥- عَنْهُ عَنِ ابْنِ أَبِي بَجْرَانَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قُلْتُ لَهُ قَوْمٌ يَعْمَلُونَ بِالْمَعْصِيَةِ وَ يَقُولُونَ نَرْجُو فَلَا يَزَالُونَ كَذِبًا حَتَّى يَأْتِيَهُمُ الْمَوْتُ فَقَالَ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ يَتَرَجَّحُونَ^٣ فِي الْأَمَانِيِّ كَذَبُوا لَيْسُوا بِرَاجِحِينَ إِنَّ مَنْ رَجَا شَيْئًا طَلَبَهُ وَ مَنْ خَافَ مِنْ شَيْءٍ هَرَبَ مِنْهُ. یکی از اصحاب گوید: بامام صادق علیه السلام عرض کردم: مردمی هستند که گناه میکنند و میگویند ما امیدواریم (برحمت خدا) و همواره چنینند تا مرگشان فرا میرسد (یعنی توبه هم نمیکنند) فرمود:

اینها مردمی باشند که در میان آرزوها میلولند، دروغ گویند، اینها امیدوار نیستند، هر که بچیزی امیدوار باشد آن را طلب کند، و هر که از چیزی بترسد از آن بگریزد (اینها میگویند: بخدا امیدوار و از عذابش میترسیم، ولی بخدا پشت کرده و بموجبات عذابش که گناهانست رو می‌آورند).

٦ وَ رَوَاهُ- عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ رَفَعَهُ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع إِنَّ قَوْمًا مِنْ مَوَالِكَ يَلْمُونَ بِالْمَعْصِيَةِ^٤ وَ يَقُولُونَ نَرْجُو فَقَالَ كَذَبُوا لَيْسُوا لَنَا بِمَوَالٍ أَوْلَيْكَ قَوْمٌ تَرَجَّحَتْ بِهِمُ الْأَمَانِيُّ مِنْ رَجَا شَيْئًا عَمِلَ لَهُ وَ مَنْ خَافَ مِنْ شَيْءٍ هَرَبَ مِنْهُ^٥. مردی گوید بامام صادق

المراقبة ملكة للنفس فتصير سببا لترك المعاصي. و الحق أن هذه شبهة عظيمة للحكم بكفر أرباب المعاصي و لا يمكن التفتي عنها الا بالاتكال على عفوه و كرمه سبحانه و من هنا يظهر أنه لا يجمع الايمان الحقيقي مع الاصرار على المعاصي كما مرت الإشارة إليه (آت).

^١ (٢) في بعض النسخ [إليك].

^٢ (٣) أي تركها.

^٣ (٤) الترجح: الميل، يعني مالت بهم عن الاستقامة أمانيم الكاذبة (في).

^٤ (٥) في القاموس أمم: باشر اللمم و به نزل كلمه و التمم، و اللمم: صغار الذنوب.

^٥ (١) اعلم أن الأحاديث الواردة في سعة عفو الله سبحانه و جزيل رحمته و وفور مغفرته كثيرة جدا و لكن لا بد لمن يرجوها و يتوقعها من العمل الخالص المعد لحصولها و ترك الانهماك في المعاصي المفوت لهذا الاستعداد، فاحذر أن يغرك الشيطان و يثبطك عن العمل و يقنعك بمحض الرجاء و الامله. و انظر الى حال الأنبياء و الأولياء و اجتهادهم في الطاعات و صرفهم العمر في العبادات ليلا و نهارا. أما كانوا يرجون عفو الله و رحمته، بل و الله اعلم كانوا اعلم بسعة رحمته و أرجأ بما منك و من كل أحد و لكن علموا أن رجاء الرحمة من دون العمل غرور محض و سفه بحت، فصرفوا في العبادات اعمارهم و قصروا على الطاعات ليلهم و نهارهم (آت - ملخصا).

عليه السلام عرضكردم: گروهی از دوستان شما مرتکب گناهان میشوند و میگویند- ما امیدواریم، فرمود: دروغ گویند. دوست ما نیستند، آنها مردمی باشند که آرزوها ایشان را باین سو و آن سو برد، هر که بچیزی امیدوار باشد، در راه رسیدن بآن کار کند، و هر که از چیزی ترسد از آن بگریزد.

۷- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنِ صَالِحِ بْنِ حَمَزَةَ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِنَّ مِنْ الْعِبَادَةِ شِدَّةَ الْخَوْفِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ اللَّهُ- إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ^۱ وَ قَالَ جَلَّ ثَنَاؤُهُ- فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَ اخْشَوْنِ^۲ وَ قَالَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى- وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا^۳ قَالَ وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِنَّ حُبَّ الشَّرْفِ وَ الذِّكْرِ لَا يَكُونَانِ فِي قَلْبِ الْخَائِفِ الرَّاهِبِ. امام صادق عليه السلام فرمود: همانا قسمتی از عبادت ترس از خدای عز و جل است، خدا میفرماید «تنها بندگان دانشمند خدا از او میترسند، ۲۸ سوره ۳۵» و نیز خدای- جل ثناؤه- فرماید: «از مردم نترسید و از من بترسید، ۴۴ سوره ۵» و باز خدای تبارک و تعالی- فرماید: «هر که از خدا پروا کند، برایش راه نجاتی مقرر دارد، ۲ سوره ۶۵» و امام صادق علیه السلام فرمود: حب جاه و شهرت در دل ترسان و بیمناک نباشد (پس کسی که از خدا ترسد، حب ریاست و شهرت ندارد).

۸- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْمُكَارِيِّ عَنْ أَبِي حَمَزَةَ الثَّمَالِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ص [قَالَ]: قَالَ: إِنَّ رَجُلًا رَكِبَ الْبَحْرَ بِأَهْلِهِ فُكِّسَ بِهِمْ فَلَمْ يَنْجُ مِنْ كَانِ فِي السَّفِينَةِ إِلَّا امْرَأَةً الرَّجُلِ فَإِنَّهَا بَحَّتْ عَلَى لَوْحٍ مِنْ أَلْوَابِ السَّفِينَةِ حَتَّى أَجَلَّتْ عَلَى جَزِيرَةٍ مِنْ جَزَائِرِ الْبَحْرِ وَ كَانِ فِي تِلْكَ الْجَزِيرَةِ رَجُلٌ يَقَطُّعُ الطَّرِيقَ وَ لَمْ يَدْعُ لِلَّهِ حُرْمَةً إِلَّا ائْتَهَكَهَا فَلَمْ يَعْلَمْ إِلَّا وَ الْمَرْأَةُ قَائِمَةٌ عَلَى رَأْسِهِ فَرَفَعَ رَأْسَهُ إِلَيْهَا فَقَالَ إِنْسِيَّةٌ أَمْ جِنِّيَّةٌ فَقَالَتْ إِنْسِيَّةٌ فَلَمْ يُكَلِّمَهَا كَلِمَةً حَتَّى جَلَسَ مِنْهَا مَجْلِسَ الرَّجُلِ مِنْ أَهْلِهِ فَلَمَّا أَنْ هَمَّ بِهَا اضْطَرَّتْ فَقَالَ لَهَا مَا لِكَ تَضْطَرِينَ فَقَالَتْ أَفْرَقُ مِنْ هَذَا^۴ وَ أَوْمَأَتْ بِيَدَيْهَا إِلَى السَّمَاءِ قَالَ فَصَنَعَتْ مِنْ هَذَا شَيْئًا قَالَتْ لَا وَ عَرَّبْتَهُ قَالَ فَأَنْتِ تَفْرَقِينَ مِنْهُ هَذَا الْفَرْقُ وَ لَمْ تَصْنَعِي مِنْ هَذَا شَيْئًا وَ إِنَّمَا اسْتَكْرَهْتَ اسْتِكْرَاهًا فَأَنَا وَ اللَّهُ أَوْلَى بِهَذَا الْفَرْقِ وَ الْخَوْفِ وَ أَحَقُّ مِنْكَ قَالَ فَقَامَ وَ لَمْ يُحَدِّثْ شَيْئًا وَ رَجَعَ إِلَى أَهْلِهِ وَ لَيْسَتْ لَهُ هِمَّةٌ إِلَّا التَّوْبَةُ وَ الْمُرَاجَعَةُ فَبَيْنَمَا هُوَ يَمْشِي إِذْ صَادَفَهُ رَاهِبٌ يَمْشِي فِي الطَّرِيقِ فَحَمِيَتْ عَلَيْهِمَا الشَّمْسُ فَقَالَ الرَّاهِبُ لِلشَّابِّ ادْعُ اللَّهَ يُظِلَّنَا بِعِمَامَةٍ فَقَدْ حَمَيْتْ عَلَيْنَا الشَّمْسُ فَقَالَ الشَّابُّ مَا أَعْلَمُ أَنَّ لِي عِنْدَ رَبِّي حَسَنَةٌ فَأَجَسَرَ عَلَى أَنْ أَسْأَلَهُ شَيْئًا قَالَ فَأَدْعُوا أَنَا وَ تَوَّمُنْ أَنْتَ قَالَ نَعَمْ فَأَقْبَلَ الرَّاهِبُ يَدْعُو وَ الشَّابُّ يُؤْمِنُ فَمَا كَانَ بِأَسْرَعٍ مِنْ أَنْ أَظَلَّتْهُمَا عِمَامَةٌ فَمَشِيَا تَحْتَهَا مَلِيًّا مِنَ النَّهَارِ^۵ ثُمَّ تَفَرَّقَتِ الْجَادَّةُ جَادَتَيْنِ فَأَخَذَ الشَّابُّ فِي وَاحِدَةٍ وَ أَخَذَ الرَّاهِبُ فِي وَاحِدَةٍ فَإِذَا السَّحَابَةُ مَعَ الشَّابِّ فَقَالَ الرَّاهِبُ أَنْتَ خَيْرٌ مِنِّي لَكَ اسْتُجِيبَ وَ لَمْ يُسْتَجَبْ

^۱ (۲) قال المحقق الطوسي في أوصاف الاشراف ما حاصله: إن الخوف والخشية وإن كانا بمعنى واحد في اللغة إلا أن بينهما فرقا بين أرباب القلوب وهو أن الخوف تألم النفس من المكروه المنتظر و العقاب المتوقع بسبب احتمال فعل المنهيات و ترك الطاعات و هو يحصل لأكثر الخلق و إن كانت مراتبه متفاوتة جدا و المرتبة العليا لا تحصل إلا للقليل و الخشية حالة نفسانية تنشأ من الشعور بعظمة الرب و هيئته و خوف المحجب عنه و هذه الحالة لا تحصل إلا لمن اطلع على جلال الكبرياء و ذاق لذة القرب و لذلك قال سبحانه: «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ» (سورة الفاطر: ۲۸) و الخشية خوف خاص و قد يطلقون عليها الخوف أيضا، انتهى (آت).

^۲ (۳) المائدة: ۴۴.

^۳ (۴) الطلاق: ۲.

^۴ (۵) أي حب الجاه و الرئاسة و المدح و الشهرة (آت).

^۵ (۱) الفرق بالتحريك: الخوف.

^۶ (۲) مليا من النهار أي ساعة طويلة.

لِي فَأَخْبِرْنِي مَا قِصَّتْكَ فَأَخْبَرَهُ بِخَيْرِ الْمَرْأَةِ فَقَالَ غَفِرَ لَكَ مَا مَضَى حَيْثُ دَخَلْتَ الْخَوْفُ فَأَنْظُرْ كَيْفَ تَكُونُ فِيمَا تَسْتَقْبِلُ. علی بن الحسین صلوات الله علیهما فرمود: مردی با خانواده‌اش مسافرت دریا کرد، کشتی آنها شکست و از کسانی که در کشتی بودند، جز زن آن مرد نجات نیافت، او بر تخته پاره‌ئی از الواح کشتی نشست تا یکی از جزیره‌های آن دریا پناهنده شد، در آن جزیره مردی راهزن بود که همه پرده‌های حرمت خدا را دریده بود، ناگاه دید آن زن بالای سرش ایستاده است، سر بسوی او بلند کرد و گفت:

تو انسانی یا جنی؟ گفت: انسام، بی‌آنکه با او سخنی گوید، با او چنان نشست که مرد با همسرش مینشیند، چون آماده نزدیکی با او شد، زن لرزان و پریشان گشت، باو گفت: چرا پریشان گشتی؟

زن گفت: از این میترسم- و با دست اشاره باآسمان کرد- مرد گفت: مگر چنین کاری کرده‌ئی؟ (زنا داده‌ئی؟) زن گفت: نه، بعزت خدا سوگند. مرد گفت: تو از خدا چنین میترسی، در صورتی که چنین کاری نکرده‌ئی و من ترا مجبور میکنم، بخدا که من پریشانی و ترس از تو سزاوارترم، سپس کاری نکرده برخاست و بسوی خانواده‌اش رفت و همواره بفکر توبه و بازگشت بود.

روزی در اثناء راه براهی برخورد و آفتاب داغ بر سر آنها میتابید، راهب بجوان گفت: دعا کن تا خدا ابری بر سر ما آرد که آفتاب ما را میسوزاند، جوان گفت: من برای خود نزد خدا کار نیکی نمی‌بینم تا جرأت کنم. چیزی از او بخواهم. راهب گفت: پس من دعا میکنم و تو آمین بگو. گفت: آری خوبست، راهب دعا میکرد و جوان آمین میگفت بزودی ابری بر سر آنها سایه انداخت. هر دو پاره‌ئی از روز را زیرش راه رفتند تا سر دو راهی رسیدند جوان از يك راه و راهب از راه دیگر رفت، و ابر همراه جوان شد.

راهب گفت: تو بهتر از منی. دعا بخاطر تو مستجاب شد نه بخاطر من، گزارش خود را بمن بگو، جوان داستان آن زن را بیان کرد. راهب گفت چون ترس از خدا ترا گرفت، گناهان گذشته‌ات آمرزیده شد، اکنون مواظب باش که در آینده چگونه باشی.

۹- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ حَمْرَةَ بْنِ حُمْرَانَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ إِنَّ مِمَّا حُفِظَ مِنْ حُطْبِ النَّبِيِّ ص أَنَّهُ قَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ لَكُمْ مَعَالِمَ فَاذْكُرُوا إِلَى مَعَالِمِكُمْ وَ إِنَّ لَكُمْ نَهْيَةً فَاذْكُرُوا إِلَى نَهْيِكُمْ أَلَا إِنَّ الْمُؤْمِنَ يَعْمَلُ بَيْنَ مَخَافَتَيْنِ بَيْنَ أَجَلٍ قَدْ مَضَى لَا يَدْرِي مَا اللَّهُ صَانِعٌ فِيهِ وَ بَيْنَ أَجَلٍ قَدْ بَقِيَ لَا يَدْرِي مَا اللَّهُ قَاضٍ فِيهِ فَلْيَأْخُذِ الْعَبْدُ الْمُؤْمِنُ مِنْ نَفْسِهِ لِنَفْسِهِ وَ مِنْ دُنْيَاهُ لِآخِرَتِهِ وَ فِي الشَّيْبَةِ قَبْلَ الْكِبَرِ وَ فِي الْحَيَاةِ قَبْلَ الْمَمَاتِ فَوَ الَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ مَا بَعْدَ الدُّنْيَا مِنْ مُسْتَعْتَبٍ^۱ وَ مَا بَعْدَهَا مِنْ دَارٍ إِلَّا الْجَنَّةُ أَوْ النَّارُ. امام صادق علیه السلام میفرمود: آنچه از خطبه‌های پیغمبر حفظ شده اینست که فرمود: ای مردم شما نشانه‌هائی دارید (از قرآن و سنت و عقل) به نشانه‌های خود رسید، و شما را پایانی است (و آن کمال استعداد و قابلیت شما و رسیدن ببهشت و رضوان خداست) پایان خود برسید، همانا مؤمن در میان دو ترس کار میکند: میان زمانی که از عمرش گذشته، و نمیداند خدا با او چه میکند (آمرزیده است یا معاقب) و میان زمانی که از عمرش باقی مانده و نمیداند، خدا در باره او چه حکم میکند (کی میمیرد و چه پیش آمدی برایش میکند).

^۱ (۳) المستعتب موضع الاستعاب أي طلب الرضا.

پس بنده مؤمن باید از خود برای خود (یعنی باید خود را در طاعت و عبادت بزحمت اندازد تا سودش در آخرت عاید خود او گردد) و از دنیا برای آخرت خود کسب کند و در جوانیش پیش از سالخوردگی و در زندگیش پیش از مرگ. سوگند بآن که جان محمد در دست اوست. که پس از گذشت از دنیا عذر خواهی و توبه ممکن نیست و بعد از دنیا خانه‌ئی جز بهشت و دوزخ نباشد.

۱۰- عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ عَنِ ابْنِ مَجْبُوبٍ عَنْ دَاوُدَ الرَّقِّيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ- وَ لِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ ۙ قَالَ مَنْ عَلِمَ أَنَّ اللَّهَ يَرَاهُ وَ يَسْمَعُ مَا يَقُولُ وَ يَعْلَمُ مَا يَعْمَلُهُ مِنْ خَيْرٍ أَوْ شَرٍّ فَيَحْجُزُهُ ذَلِكَ عَنِ الْقَبِيحِ مِنَ الْأَعْمَالِ فَذَلِكَ الَّذِي خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَ نَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَى. امام صادق علیه السلام در باره قول خدای عز و جل: «و برای آنکه از مقام پروردگارش ترسد دو بهشت است، ۴۶ سوره ۵۵» فرمود: کسی که بداند خدا او را می‌بیند و آنچه گوید می‌شنود و هر کار نیک و بدی که کند میداند، و همین دانستن او را از کارهای زشت باز دارد، کسی است که از مقام پروردگارش ترسیده و ضمیر خویش از هوس باز داشته است.

۱۱- عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبِي سَارَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ لَا يَكُونُ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِنًا حَتَّى يَكُونَ خَائِفًا رَاجِعًا وَ لَا يَكُونُ خَائِفًا رَاجِعًا حَتَّى يَكُونَ عَامِلًا لِمَا يَخَافُ وَ يَرْجُو. امام صادق علیه السلام می‌فرمود: مؤمن مؤمن نباشد تا آنکه ترسان و امیدوار باشد، و ترسان و امیدوار نباشد تا برای آنچه می‌ترسد و امیدوار است عمل کند.

۱۲- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ يُونُسَ عَنِ فَضَيْلِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ أَبِي عُبَيْدَةَ الْحَدَّاءِ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الْمُؤْمِنُ بَيْنَ مَخَافَتَيْنِ ذَنْبٍ قَدْ مَضَى لَا يَدْرِي مَا صَنَعَ اللَّهُ فِيهِ وَ عُمْرٍ قَدْ بَقِيَ لَا يَدْرِي مَا يَكْتَسِبُ فِيهِ مِنَ الْمَهَالِكِ فَهُوَ لَا يُصْبِحُ إِلَّا خَائِفًا وَ لَا يُصَلِّحُهُ إِلَّا الْخَوْفُ. امام صادق علیه السلام فرمود: مؤمن میان دو ترس قرار دارد: ۱- گناهی که انجام داده و نمیداند خدا در باره او چه میکند ۲- عمری که باقی مانده و نمیداند چه مهالکی (گناهانی که مایه هلاک او است) مرتکب می‌شود، پس هر صبح (و هر دم) ترسانست و جز ترس اصلاحش نکند. (زیرا ترس موجب شود که از گناهان گذشته توبه کند و در آینده بیشتر بطاعت و عبادت پردازد).

۱۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنِ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ كَانَ أَبِي ع يَقُولُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَ فِي قَلْبِهِ نُورَانِ نُورٌ خَيْفَةٌ وَ نُورٌ رَجَاءٌ لَوْ وُزِنَ هَذَا لَمْ يَزِدْ عَلَى هَذَا وَ لَوْ وُزِنَ هَذَا لَمْ يَزِدْ عَلَى هَذَا. امام صادق علیه السلام فرمود: پدرم می‌فرمود: هیچ بنده مؤمنی نیست، جز آنکه در دلش دو نور است: نور ترس و نور امید، اگر این وزن شود از آن افزون نباشد و اگر آن وزن شود از این افزون نباشد.

بَابُ حُسْنِ الظَّنِّ بِاللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ

- حسن ظن بمعنی خوشبینی و گمان نیک است در برابر سوء ظن که بمعنی بد بینی و بدگمانی است، خداوند متعال برای تحریک نور امید در دل بندگان بآنها تذکر میدهد که بمن حسن ظن داشته باشید یعنی چون توبه و استغفار میکنید، دعا و مسألت مینمائید، بر من توکل و اعتماد میکنید، بدانید که چون مقرون بشرائط باشد، حاجت شما اجابت شود و اگر مأیوس و بدگمان باشید، گناه کبیره‌ئی مرتکب شده‌اید، زیرا در صحت علم وجود و حکمت خدا خدشه کرده‌اید.

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ دَاوُدَ بْنِ كَثِيرٍ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ الْحَدَّاءِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَا يَتَكَلَّمُ الْعَامِلُونَ عَلَى أَعْمَالِهِمُ الَّتِي يَعْمَلُونَهَا لِتَوَابِي فَإِنَّهُمْ لَوْ اجْتَهَدُوا وَ اتَّعَبُوا أَنْفُسَهُمْ أَعْمَارَهُمْ فِي عِبَادَتِي كَانُوا مُقَصِّرِينَ غَيْرَ بِالْغَيْرِ فِي عِبَادَتِهِمْ كُنْهَ عِبَادَتِي فِيمَا يَطْلُبُونَ عِنْدِي مِنْ كَرَامَتِي وَ النَّعِيمِ فِي جَنَاتِي وَ رَفِيعِ الدَّرَجَاتِ الْعُلَى فِي جَوَارِي وَ لَكِنْ بِرَحْمَتِي فَلْيَتَّقُوا وَ فَضْلِي فَلْيَرْجُوا وَ إِلَى حُسْنِ الظَّنِّ بِي فَلْيَطْمَئِنُّوا فَإِنَّ رَحْمَتِي عِنْدَ ذَلِكَ تُدْرِكُهُمْ وَ مَنِّي يُبَلِّغُهُمْ رِضْوَانِي وَ مَعْفِرَتِي تُلْبِسُهُمْ عَفْوِي فَإِنِّي أَنَا اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ وَ بِذَلِكَ تَسَمَّيْتُ. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خدای تبارک و تعالی فرماید: آنها که برای ثواب من عملی میکنند، نباید باعمالی که انجام میدهند تکیه کنند، زیرا ایشان اگر در تمام عمر خویش کوشش کنند و در راه عبادتم خود را بزحمت اندازند، باز مقصر باشند و در عبادت خود بکنه بندگیم نرسند نسبت بآنچه از من طلب میکنند، که کرامت و نعمت در بهشت و رفعت بدرجات عالی در جوارم باشد، ولی تنها برحمتم باید اعتماد کنند و بفضلم امیدوار باشند و بحسن ظن بمن اطمینان کنند. آنگاه است که رحمت ایشان را دریابد و رضوانم بآنها برسد، و آمرزشم بر آنها لباس گذشت پوشاند، زیرا من خدای رحمان و رحیمم و بدین نامیده شده‌ام.

۲- ابْنُ مَحْبُوبٍ عَنْ حَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ بُرَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: وَجَدْنَا فِي كِتَابِ عَلِيِّ ع أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ وَ هُوَ عَلَى مَنْبَرِهِ وَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ مَا أُعْطِيَ مُؤْمِنٌ قَطُّ خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ إِلَّا بِحُسْنِ ظَنِّهِ بِاللَّهِ وَ رَجَائِهِ لَهُ وَ حُسْنِ خُلُقِهِ وَ الْكَفِّ عَنِ اغْتِيَابِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَا يُعَدِّبُ اللَّهُ مُؤْمِنًا بَعْدَ التَّوْبَةِ وَ الْاسْتِغْفَارِ إِلَّا بِسُوءِ ظَنِّهِ بِاللَّهِ وَ تَقْصِيرِهِ مِنْ رَجَائِهِ وَ سُوءِ خُلُقِهِ وَ اغْتِيَابِهِ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَا يَحْسُنُ ظَنُّ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ بِاللَّهِ إِلَّا كَانَ اللَّهُ عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِهِ الْمُؤْمِنِ لِأَنَّ اللَّهَ كَرِيمٌ بِيَدِهِ الْخَيْرَاتُ يَسْتَحْيِي أَنْ يَكُونَ عَبْدُهُ الْمُؤْمِنُ قَدْ أَحْسَنَ بِهِ الظَّنُّ ثُمَّ يُخْلِفُ ظَنَّهُ وَ رَجَاءَهُ فَأَحْسِنُوا بِاللَّهِ الظَّنَّ وَ ارْجَبُوا إِلَيْهِ. امام باقر علیه السلام فرمود: در کتاب علی علیه السلام دیدم که رسول خدا صلی الله علیه و آله بالای منبر خویش فرموده: سوگند بخدائی که جز او شایسته پرستشی نیست، هیچ مؤمنی هرگز خیر دنیا و آخرت داده نشد، جز بسبب خوشبینیش بخدا و امیداریش باو و حسن خلقش و باز ایستادن از غیبت مؤمنین و بخدائی که جز او شایان پرستشی نیست، خدا هیچ مؤمنی را بعد از توبه و استغفار عذاب نکند، مگر بسبب بدگمانیش بخدا و کوتاهی کردن نسبت بامیدواری باو و بدخلقیش و غیبت نمودنش مؤمنین را، و بخدائی که جز او شایان پرستشی نیست، گمان هیچ بنده‌ئی نسبت بخدا نیکو نشود، جز اینکه خدا همراه گمان بنده مؤمن خود

باشد (هر گونه باو گمان برد، خدا با او رفتار کند) زیرا خدا کریم است و همه خیرات بدست اوست، او حیا میکند از اینکه بنده مؤمنش بدو گمان نیک برد و او خلاف گمان و امید بنده رفتار کند، پس بخدا خوشبین باشید و بسویش رغبت کنید.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَرِيْعٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَا ع قَالَ: أَحْسِنِ الظَّنَّ بِاللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ أَنَا عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ بِي إِنَّ خَيْرًا فَخَيْرًا وَإِنْ شَرًّا فَشَرًّا^۱. امام رضا علیه السلام فرمود: بخدا خوش گمان باشید. زیرا خدای عز و جل میفرماید: من نزد گمان بنده مؤمن خویشم، اگر گمان او خوبست، رفتار من خوب و اگر بد است، رفتار من هم بد باشد.

۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْمُنْقَرِيِّ عَنْ سُفْيَانَ بْنِ عُيَيْنَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ حُسْنُ الظَّنِّ بِاللَّهِ أَنْ لَا تَرْجُو إِلَّا اللَّهَ وَ لَا تَخَافَ إِلَّا ذَنْبَكَ^۲. سفیان بن عیینة گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام فرمود: حسن ظن بخدا اینست که: بغیر خدا امیدوار نباشی و جز از گناهت نترسی.

بَابُ الإِعْتِرَافِ بِالتَّقْصِيرِ

اعتراف بتقصیر

۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ سَعْدِ بْنِ أَبِي خَلْفٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى ع قَالَ قَالَ لِعُضِّ وُلْدِهِ يَا بُنَيَّ عَلَيْكَ بِالْجِدِّ لَا تُخْرِجَنَّ نَفْسَكَ مِنْ حَدِّ التَّقْصِيرِ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ طَاعَتِهِ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُعْبُدُ حَقَّ عِبَادَتِهِ. موسی بن جعفر علیه السلام بیکى از فرزندان فرمود: پسر جانم؟ همواره کوشش کن، مبدا خودت را در عبادت و طاعت خدای عز و جل بی تقصیر دانی، زیرا خدا چنان که شایسته است، پرستش نشود،

۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ بَعْضِ الْعِرَاقِيِّينَ^۳ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُثَنَّى الْحَضْرَمِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ عُثْمَانَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ جَابِرٍ قَالَ قَالَ لِي^۴. جابر گوید: امام باقر علیه السلام بمن فرمود: ای جابر! خدا ترا از کاستی و تقصیر بیرون نبرد.

شرح

- بیکى از علماء کوفه گوید: یعنی خدا توفیقت دهد که همیشه عبادتت را ناقص و خود را مقصر دانی.

^۱ (۱) هذا الخبر مروى من طرق العامة أيضا وقال الخطابي: معناه أنا عند ظنّ عبدى في حسن عمله و سوء عمله، لان من حسن عمله حسن ظنه و من ساء عمله ساء ظنه (آت).

^۲ (۲) فيه إشارة إلى أن حسن الظنّ بالله ليس معناه و مقتضاه ترك العمل و الاجترار على المعاصى اتكالا على رحمة الله بل معناه انه مع العمل لا يتكل على عمله و إنما يرجو قبوله من فضله و كرمه و يكون خوفه من ذنبه و قصور عمله لا من ربه. فحسن الظنّ لا ينافي الخوف بل لا بدّ من الخوف و ضمه مع الرجاء و حسن الظنّ كما مر (آت).

^۳ (۳) أي علماء الكوفة (آت).

^۴ (۱) أي وفقك الله لان تعد عبادتك ناقصة و نفسك مقصرة أبدا (آت).

۳- عَنْهُ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْجُهْمِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ ع يَقُولُ إِنَّ رَجُلًا فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ عَبَدَ اللَّهَ أَرْبَعِينَ سَنَةً ثُمَّ قَرَّبَ قُرْبَانًا فَلَمْ يُقْبَلْ مِنْهُ فَقَالَ لِنَفْسِهِ مَا أَتَيْتُ^۱ إِلَّا مِنْكَ وَ مَا الذَّنْبُ إِلَّا لَكَ قَالَ فَأَوْحَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِلَيْهِ ذَمُّكَ لِنَفْسِكَ أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَتِكَ أَرْبَعِينَ سَنَةً. حضرت ابو الحسن عليه السلام فرمود: مردی در بنی اسرائیل چهل سال عبادت خدا کرد و سپس قربانی نمود و از او پذیرفته نشد، با خود گفت: این وضع از خودت پیش آمد و غیر از تو گناهکار نیست.

امام فرمود: خدای تبارک و تعالی با و وحی نمود که: نکوهشی که از خود کردی از عبادت چهل سالت بهتر بود.

۴- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ عِيسَى بْنِ أَيُّوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْرَبَارٍ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ يُونُسَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ ع قَالَ قَالَ: أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تَقُولَ- اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلَنِي مِنَ الْمُعَارِينَ^۲ وَ لَا تُخْرِجَنِي مِنَ التَّقْصِيرِ- قَالَ قُلْتُ أَمَا الْمُعَارُونَ فَقَدْ عَرَفْتُ أَنَّ الرَّجُلَ يُعَارُ الدِّينَ ثُمَّ يُخْرِجُ مِنْهُ فَمَا مَعْنَى لَا تُخْرِجَنِي مِنَ التَّقْصِيرِ فَقَالَ كُلُّ عَمَلٍ تُرِيدُ بِهِ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَكُنْ فِيهِ مُقَصِّرًا عِنْدَ نَفْسِكَ فَإِنَّ النَّاسَ كُلَّهُمْ فِي أَعْمَالِهِمْ فِيَمَا بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ اللَّهِ مُقَصَّرُونَ إِلَّا مَنْ عَصَمَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ. فضل بن یونس گوید: حضرت ابو الحسن علیه السلام فرمود: بسیار بگو: بار خدایا مرا از عاریه داران ایمان قرار مده و از تقصیر بیرون مبر.

عرض کردم: معنی عاریه داران را میدانم که مردی دین را بطور عاریه میگیرد و سپس از آن خارج می شود (چون دینش مستقر و ثابت نبوده، پس از اندکی کافر و بیدین شود) معنی «مرا از تقصیر بیرون مبر» چیست؟ فرمود: هر عملی که بمقصد خدای عز و جل می کنی، خود را در آن مقصرشناس، زیرا مردم همگی در اعمال خویش میان خود و خدا مقصرند، جز آنکه را خدای عز و جل نگهداری کند. (که انبیاء و ائمه باشند، زیرا ایشان در شرایط عبادت باندازه امکان کوتاهی نکنند، اگر چه برای اظهار عجز و نقصان خود را مقصر دانند)

بَابُ الطَّاعَةِ وَ التَّقْوَى

طاعت و تقوی

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ مُحَمَّدٍ أَخِي عُرَامٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: لَا تَذْهَبْ بِكُمْ الْمَذَاهِبُ^۳ فَوَ اللَّهُ مَا شِيعْتُنَا إِلَّا مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ. امام باقر علیه السلام فرمود: هر مذهبی شما را براهی نبرد، بخدا که شیعه ما نیست، جز آنکه خدای عز و جل را اطاعت کند.

شرح

^۱ (۲) «ما أتيت الامنك» على البناء للمفعول أي ما دخل على البلاء الا من جهنك (ق).

^۲ (۳) المعار على البناء للمفعول من الاعارة، یعنی بجم الذين يكون الايمان عارية عندهم غير مستقر في قلوبهم و لا ثابت في صدورهم كما فسرہ الراوي (ق).

^۳ (۴) «لا تذهب بكم المذاهب» على بناء المعلوم و الباء للتعدية و إسناد الاذهاب إلى المذاهب على الجواز فإن فاعله النفس أو الشيطان، أي لا يذهبكم المذاهب الباطلة إلى الضلال و الوبال. أو على بناء المجهول، أي لا يذهب بكم الشيطان في المذاهب الباطلة من الايمان الكاذبة و العقائد الفاسدة بأن تجتروا على المعاصي اتكالا على دعوى التشيع و الحية و الولاية من غير حقيقة، فانه ليس شيعتهم الا من شايعهم في الأقوال و الافعال لا من ادعى التشيع بمحض المقال (آت).

- در زمان امام باقر علیه السلام، بدعتگزاران و دین‌سازان گمراه، عقاید و افکار باطلی در میان مسلمین انتشار میدادند، که نمونه‌ئی از آنها در این زمان هم در میان عوام مسلمین دیده می‌شود، مانند عقیده باینکه تنها قبول تشیع یا محبت امیر المؤمنین علیه السلام یا امیدواری بخدا یا گریه برای امام حسین علیه السلام بدون هیچ طاعت و عبادت دیگر موجب سعادت و نجات است، امام باقر علیه السلام با يك جمله کوتاه، تمام رشته‌های اوهام و خرافات ایشان را بر باد داد، شیعیان خود را بیدار و هوشیار میکند و شاهراه حقیقت را پیش پای آنها میگذارد و میفرماید: افکار و عقاید باطل، شما را منحرف نسازد، بدانید یگانه راه سعادت و نجات اطاعت خداست و بس و بقیه احادیث این باب نیز شاهد این مدعاست.

۲- **عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ الثَّمَالِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: خَطَبَ رَسُولُ اللَّهِ ع فِي حَجَّةِ الْوَدَاعِ فَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ وَاللَّهِ مَا مِنْ شَيْءٍ يُقَرِّبُكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ وَ يُبَاعِدُكُمْ مِنَ النَّارِ إِلَّا وَ قَدْ أَمَرْتُكُمْ بِهِ وَ مَا مِنْ شَيْءٍ يُقَرِّبُكُمْ مِنَ النَّارِ وَ يُبَاعِدُكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ إِلَّا وَ قَدْ نَهَيْتُكُمْ عَنْهُ أَلَا وَ إِنَّ الرُّوحَ الْأَمِينَ نَفَثَ فِي رُوعِي أَنَّهُ لَنْ تَمُوتَ نَفْسٌ حَتَّى تَسْتَكْمِلَ رِزْقَهَا فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَجْمَلُوا فِي الطَّلَبِ وَ لَا يَحْمِلَنَّ أَحَدُكُمْ اسْتِبْطَاءَ شَيْءٍ مِنَ الرِّزْقِ أَنْ يَطْلُبَهُ بِغَيْرِ حِلِّهِ فَإِنَّهُ لَا يُدْرِكُ مَا عِنْدَ اللَّهِ إِلَّا بِطَاعَتِهِ.** امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در حجة الوداع سخنرانی کرد و فرمود: ای مردم! بخدا چیزی نبود که شما را بدوزخ نزدیک و از دوزخ دور کند، جز آنکه بدان دستورتان دادم، و چیزی نبود که شما را بهشت نزدیک و از بهشت دور کند، جز آنکه از آن نهیتمان کردم.

همانا جبرئیل در دلم افکند که هیچ کس نمیرد تا روزیش را کامل گیرد، از خدا بپرهیزید و در طلب روزی آرام باشید (حریص نباشید و خود را بزحمت نیفکنید) و دیر رسیدن روزی شما را وادار نکند که آن را از راه حرام جوئید، زیرا آنچه نزد خداست جز بوسیله اطاعتش بدست نیاید،

۳- **أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ وَ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ قَالَ لِي يَا جَابِرُ أَ يَكْتَفِي مَنِ انْتَحَلَ التَّشْيِعَ^۱ أَنْ يَقُولَ بِحُبِّنا أَهْلَ الْبَيْتِ فَوَ اللَّهُ مَا شِيعْتُنَا إِلَّا مَنْ اتَّقَى اللَّهَ وَ أَطَاعَهُ وَ مَا كَانُوا يُعْرَفُونَ يَا جَابِرُ إِلَّا بِالتَّوَّاضُعِ وَ التَّخَشُّعِ وَ الْأَمَانَةِ وَ كَثْرَةِ ذِكْرِ اللَّهِ وَ الصَّوْمِ وَ الصَّلَاةِ وَ الْبِرِّ بِالْوَالِدَيْنِ وَ التَّعَاهُدِ لِلْجِيرَانِ مِنَ الْفُقَرَاءِ وَ أَهْلِ الْمَسْكَنَةِ وَ الْعَارِمِينَ وَ الْأَيْتَامِ وَ صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ تِلَاوَةِ الْقُرْآنِ وَ كَفِّ الْأَلْسُنِ عَنِ النَّاسِ إِلَّا مِنْ خَيْرٍ وَ كَانُوا أُمَّتَاءَ عَشَائِرِهِمْ فِي الْأَشْيَاءِ قَالَ جَابِرٌ فَقُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَا نَعْرِفُ الْيَوْمَ أَحَدًا يَهْدِيهِ الصِّفَةَ فَقَالَ يَا جَابِرُ لَا تَذْهَبَنَّ بِكَ الْمَذَاهِبُ حَسْبُ الرَّجُلِ أَنْ يَقُولَ أَحِبُّ عَلِيًّا وَ اتَّوَلَّاهُ ثُمَّ لَا يَكُونَ مَعَ ذَلِكَ فَعَالًا فَلَوْ قَالَ إِنِّي أَحِبُّ رَسُولَ اللَّهِ - فَرَسُولُ اللَّهِ ص خَيْرٌ مِنْ عَلِيٍّ ع ثُمَّ لَا يَتَّبِعُ سِيرَتَهُ وَ لَا يَعْمَلُ بِسُنَّتِهِ مَا نَفَعَهُ حُبُّهُ إِيَّاهُ شَيْئًا فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْمَلُوا لِمَا عِنْدَ اللَّهِ لَيْسَ بَيْنَ اللَّهِ وَ بَيْنَ أَحَدٍ قَرَابَةٌ^۲ أَحَبُّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَكْرَمُهُمْ عَلَيْهِ أَتْقَاهُمْ وَ أَعْمَلُهُمْ بِطَاعَتِهِ يَا جَابِرُ وَ اللَّهُ مَا يُتَّقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِلَّا**

^۱ (۱) أي لا يعينكم استبطاء الرزق على طلبه من غير حله.

^۲ (۲) انتحال الشيء: ادعاؤه.

^۳ (۳) أي ليس بين الله و بين الشيعة قرابة حتى يسامحكم و لا يسامح مخالفينكم مع كونكم مشتركين معهم في مخالفته تعالى. أو ليس بينه و بين علي قرابة حتى يسامح شيعة علي و لا يسامح شيعة الرسول.

و الحاصل أن جهة القرب بين العبد و بين الله إنما هي بالطاعة و التقوى و لذا صار أمتكم أحب الخلق إلى الله فلو لم تكن هذه الجهة فيكم لم ينفعكم شيء (آت).

بِالطَّاعَةِ وَ مَا مَعَنَا بَرَاءَةٌ مِنَ النَّارِ^۱ وَ لَا عَلَى اللَّهِ لِأَحَدٍ مِنْ حُجَّةٍ مَنْ كَانَ لِلَّهِ مُطِيعاً فَهُوَ لَنَا وَلِيٌّ وَ مَنْ كَانَ لِلَّهِ عَاصِياً فَهُوَ لَنَا عَدُوٌّ وَ مَا تُنَالُ وَلَا يُتَنَّا إِلَّا بِالْعَمَلِ وَ الْوَرَعِ. جابر گوید: امام باقر علیه السلام بمن فرمود: ای جابر! آیا کسی که ادعای تشیع میکند، او را بس است که از محبت ما خانواده دم زند؟ بخدا شیعه ما نیست، جز آنکه از خدا پروا کند و او را اطاعت نماید، ای جابر! ایشان شناخته نشوند، جز با فروتنی و خشوع و امانت و بسیاری یاد خدا و روزه و نماز و نیکی پدر و مادر و مراعات همسایگان فقیر و مستمند و قرضداران و یتیمان و راستی گفتار و تلاوت قرآن و بازداشتن زبان از مردم، جز از نیکی آنها، و آنها امانت نگهدار فامیل خویش باشند.

جابر گوید عرض کردم: یا ابن رسول الله! ما امروز کسی را دارای این صفات نمیشناسیم، فرمود: ای جابر! براههای مختلف مرو، آیا برای مرد کافی است که بگوید، من علی را دوست دارم و از او پیروی میکنم، و با وجود این فعالیت دینی نکنند؟! پس اگر بگوید: من رسول خدا صلی الله علیه و آله را دوست دارم- رسول خدا صلی الله علیه و آله که بهتر از علی علیه السلام است- سپس از رفتار او پیروی نکند و بستنش عمل ننماید، محبتش بیغمیر باو هیچ سودی ندهد، پس از خدا پروا کنید و برای آنچه نزد خداست عمل کنید، خدا با هیچکس خویشی ندارد، دوست ترین بندگان خدای عز و جل [و گرامیتریشان نزد او] با تقواترین و مطیع ترین آنهاست.

ای جابر! بخدا جز با اطاعت بخدای تبارک و تعالی تقرب نمیتوان جست. و همراه ما برات آزادی از دوزخ نیست و هیچ کس بر خدا حجت ندارد، هر که مطیع خدا باشد دوست ما و هر که نافرمانی خدا کند دشمن ماست، ولایت ما جز با عمل کردن بوع بدست نیاید.

۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ حَمِيْعاً عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَقُومُ عُنُقٌ مِنَ النَّاسِ^۲ فَيَأْتُونَ بَابَ الْجَنَّةِ فَيَضْرِبُونَهُ فَيَقَالُ لَهُمْ مَنْ أَنْتُمْ فَيَقُولُونَ نَحْنُ أَهْلُ الصَّبْرِ فَيَقَالُ لَهُمْ عَلَى مَا صَبَرْتُمْ فَيَقُولُونَ كُنَّا نَصْبِرُ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ وَ نَصْبِرُ عَنْ مَعْاصِي اللَّهِ فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ صَدَقُوا أَذْجَلُوهُمْ الْجَنَّةَ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ- إِنَّمَا يُؤْتِي الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ^۳. امام صادق علیه السلام فرمود: چون روز قیامت شود، دسته‌ئی از مردم برخیزند و بیایند و در بهشت را بکوبند، بآنها گویند: شما کیستید؟ گویند: ما اهل صبریم، بآنها گویند: بر چه صبر کردید؟ گویند:

^۱ (۱) أي ليس معنا صك و حكم ببراءتنا و براءة شيعتنا من النار و ان عملوا بعمل الفجار. «و لا على الله لاحد من حجة» أي ليس لاحد على الله حجة إذا لم يغفر له بأن يقول كنت من شيعة على فلم لم تغفر لي، لان الله تعالى لم يحتم بغفران من ادعى التشيع بلا عمل. أو المعنى ليس لنا على الله حجة في انقاذ من ادعى التشيع من العذاب، و يؤيده أن في مجالس ابن الشيخ «و ما لنا على الله حجة».

«من كان لله مطيعاً» كأنه جواب عما يتوهم في هذا المقام انهم عليهم السلام حكموا بان شيعتهم و اوليائهم لا يدخلون النار فاجاب عليه السلام بان العاصي لله ليس بولي لنا و لا تدرک ولا يتنا إلا بالعمل بالطاعات و الورع عن المعاصي (آت).

^۲ (۲) أي جماعة من الناس و الرؤساء.

^۳ (۳) الزمر: ۱۰.

بر اطاعت خدا و از نافرمانی او صبر کردیم، خدای عز و جل فرماید: راست گویند: ایشان را ببهشت در آورید و همین است قول خدای عز و جل: «همانا صابران اجر خود را بدون حساب بدست آورند، ۱۰ سوره ۳۹».

۵- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ فَضِيلِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ص يَقُولُ لَا يَقُولُ عَمَلٌ مَعَ تَقْوَى وَ كَيْفَ يَقُولُ مَا يُتَقَبَّلُ. امام باقر علیه السلام فرمود: امیر المؤمنین صلوات الله علیه میفرمود: علمی که با تقوی همراه باشد کم نیست، چگونه عمل پذیرفته کم است؟ (با آنکه خدای تعالی فرماید: إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ یعنی خدا فقط عمل مردم با تقوا را میپذیرد).

۶- مُحَمَّدُ بْنُ زَيْدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبَانَ عَنْ عَمْرِو بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: يَا مَعْشَرَ الشَّيْعَةِ شِيعَةَ آلِ مُحَمَّدٍ كُونُوا التَّمَرَّةَ الْوُسْطَى^۱ يَرْجِعُ إِلَيْكُمْ الْعَالِي وَ يَلْحَقُ بِكُمْ التَّالِي فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ يُقَالُ لَهُ سَعْدٌ جَعَلْتُ فِدَاكَ مَا الْعَالِي قَالَ قَوْمٌ يَقُولُونَ فِينَا مَا لَا نَقُولُهُ فِي أَنْفُسِنَا فَلَيْسَ أَوْلَيْكَ مِنَّا وَ لَسْنَا مِنْهُمْ قَالَ فَمَا التَّالِي قَالَ الْمُرْتَادُ يُرِيدُ الْخَيْرَ يُبَلِّغُهُ الْخَيْرَ يُوجِزُ عَلَيْهِ^۲ ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَيْنَا فَقَالَ وَ اللَّهُ مَا مَعَنَا مِنَ اللَّهِ بَرَاءَةٌ وَ لَا بَيْنَنَا وَ بَيْنَ اللَّهِ قَرَابَةٌ وَ لَا لَنَا عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ وَ لَا نَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ إِلَّا بِالطَّاعَةِ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مُطِيعاً لِلَّهِ تَنَفَّعَهُ وَ لَا يَتَنَا وَ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ عَاصِياً لِلَّهِ لَمْ تَنْفَعَهُ وَ لَا يَتَنَا وَ يَحْكُمُ لَا تَعْتَرُوا. امام باقر علیه السلام فرمود: ای گروه شیعه- شیعه آل محمد! شما تکیه گاه میانه باشید (یعنی روشی داشته باشید خارج از حد افراط و تفریط تا دیگران بشما تکیه کنند) و آنکه غلو کرده (و از حد وسط خارج شده) بسوی شما برگردد و آنکه عقب مانده خود را بشما رساند.

مردی از انصار بنام سعد عرضکرد: قربانت، غلوکننده کدامست؟ فرمود: مردمی که در باره ما گویند آنچه در باره خود نگوئیم، اینها از ما نیستند و ما از آنها نباشیم.

گفت: عقب مانده کدامست؟ فرمود: کسی که طالب خیر (دین حق یا عمل صالح) است: خیر باو میرسد (زیرا عاقبت جوینده یابنده بود) و بهمان مقدار نیتش پاداش دارد.

سپس رو بما کرد و فرمود: بخدا ما از جانب خدا براتی نداریم، و میان ما و خدا قرباتی نیست و بر خدا حجتی نداریم و جز با اطاعت بسوی خدا تقرب نجوئیم، پس هر کس از شما که مطیع خدا باشد دوستی ما سودش دهد و هر کس از شما نافرمانی خدا کند دوستی ما سودش ندهد، وای بر شما! مبادا فریفته شوید. وای بر شما مبادا فریفته شوید.

۷- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ مُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فَذَكَرْنَا الْأَعْمَالَ فَقُلْتُ أَنَا مَا أَضْعَفَ عَمَلِي فَقَالَ مَهْ اسْتَعْفِرِ اللَّهَ ثُمَّ قَالَ لِي إِنَّ قَلِيلَ الْعَمَلِ مَعَ التَّقْوَى خَيْرٌ مِنْ كَثِيرِ الْعَمَلِ بِلَا تَقْوَى

^۱ (۴) التمرقة: الوسادة الصغيرة. و التشبيه باعتبار أنها محل الاعتماد.

^۲ (۵) أي التالى هو الذي يريد الخير و شيعتنا من يبلغه الخير و يوجر لذلك.

قُلْتُ كَيْفَ يَكُونُ كَثِيرٌ بِلَا تَقْوَى قَالَ نَعَمْ مِثْلُ الرَّجُلِ يُطْعَمُ طَعَامَهُ وَ يَزْفُقُ حَبْرَانَهُ وَ يُوْطِئُ رَحْلَهُ^١ فَإِذَا ارْتَفَعَ لَهُ الْبَابُ مِنَ الْحَرَامِ دَخَلَ فِيهِ فَهَذَا الْعَمَلُ بِلَا تَقْوَى وَ يَكُونُ الْآخِرُ لَيْسَ عِنْدَهُ فَإِذَا ارْتَفَعَ لَهُ الْبَابُ مِنَ الْحَرَامِ لَمْ يَدْخُلْ فِيهِ. مفضل بن عمر گوید: خدمت امام صادق علیه السلام بودم که موضوع اعمال مطرح شد، من گفتم: عمل من چه اندازه کم و ضعیف است؟! حضرت فرمود: خاموش باش، از خدا آمرزش بخواه، آنگاه فرمود: عمل کم با تقوی بهتر از عمل بسیار بی تقوی است.

عرضکردم: چگونه عمل بسیار، بی تقوی میباشد؟ فرمود: آری مانند مردیکه از غذای خود بمردم میخوراند و با همسایگانش مهربانی میکند و در خانه‌اش باز است، ولی چون دردی از حرام بنظرش رسد بدان درآید، اینست عمل بدون تقوی، و دیگری هست که اینها را ندارد، ولی چون در حرامی بنظرش رسد، بدان وارد نشود.

٨- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي دَاوُدَ الْمُسْتَرِقِّ عَنْ مُحْسِنِ الْمِثَمِيِّ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ مَا نَقَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَبْدًا مِنْ ذُلِّ الْمَعَاصِي إِلَى عِزِّ التَّقْوَى إِلَّا أَغْنَاهُ مِنْ غَيْرِ مَالٍ وَ أَعَزَّهُ مِنْ غَيْرِ عَشِيرَةٍ وَ أَنَسَهُ مِنْ غَيْرِ بَشَرٍ.^٢ یعقوب بن شعیب گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام میفرمود: خدای عز و جل بنده‌ای را از خواری گناه بعزت تقوی نبرد، جز آنکه بی نیازش کند، بدون مال و عزیزش کند بدون فامیل و مأنوسش کند بدون آدمی زاد (یعنی با خود مأنوسش سازد).

بَابُ الْوَرَعِ

باب ورع

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي الْمُعْزَاءِ عَنْ زَيْدِ الشَّحَامِ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدِ بْنِ هَلَالٍ التَّقَفِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قُلْتُ لَهُ إِيَّيَّ لَا أَلْعَاكَ إِلَّا فِي السَّنِينَ فَأَخْبَرَنِي بِشَيْءٍ أَخَذُ بِهِ فَقَالَ أَوْصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ الْوَرَعِ وَ الْاجْتِهَادِ^٣ وَ اعْلَمْ أَنَّهُ لَا يَنْفَعُ اجْتِهَادٌ لَا وَرَعٍ فِيهِ. عمرو بن سعید گوید: بامام صادق علیه السلام عرضکردم: من جز چند سال يك بار شما را ملاقات نکنم، بمن چیزی بفرما که آن را داشته باشم، فرمود: ترا سفارش میکنم بتقوای خدا و ورع و کوشش و بدان که کوششی که در آن ورع نباشد سود ندهد.

شرح

- تقوی ترك محرمات است و ورع ترك شبهات و اجتهاد «کوشش» سعی در طاعات و عبادات.

^١ (١) کنایه عن كثرة الضيافة و قضاء حوائج المؤمنين بكثرة الوردین إلى منزله (ح)

^٢ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامية) - تهران، چاپ: چهارم، ١٤٠٧ ق.

^٣ (٢) الورع: كفف النفس عن المعاصی و منعها عما لا ينبغي. و الاجتهاد: تحمل المشقة في العبادة او بذل الوسع في طلب الامر و المراد هنا المبالغة في الطاعة.

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ حَبِيبِ بْنِ حَكِيمٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ اتَّقُوا اللَّهَ وَ صُوتُوا دِينَكُمْ بِالْوَرَعِ. امام صادق عليه السلام میفرمود: تقوای خدا پیشه کنید و دین خود را با ورع نگهدارید.

۳- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجُبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ يَزِيدَ بْنِ خَلِيفَةَ قَالَ: وَعَظَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع فَأَمَرَ وَ زَهَدَ ثُمَّ قَالَ عَلَيْكُمْ بِالْوَرَعِ فَإِنَّهُ لَا يُنَالُ مَا عِنْدَ اللَّهِ إِلَّا بِالْوَرَعِ. يزيد بن خلیفه گوید: امام صادق علیه السلام ما را موعظه فرمود و دستور داد و امر بزهت نمود سپس فرمود: بر شما باد بورع، زیرا بدان چه نزد خدا هست جز با ورع نتوان رسید.

۴- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنِ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَا يَنْفَعُ اجْتِهَادُكَ لَا وَرَعٍ فِيهِ. امام صادق علیه السلام فرمود: کوشش بدون ورع سود نبخشد.

۵- عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ زِيَادِ الصَّيْقَلِيِّ عَنْ فَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع إِنَّ أَشَدَّ الْعِبَادَةِ الْوَرَعُ. امام باقر علیه السلام فرمود: سخت ترین عبادت ورع است.

۶- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَرِيعٍ عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ قَالَ: قَالَ أَبُو الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيُّ- لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع مَا نَلَقَى مِنَ النَّاسِ فِيكَ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع وَ مَا الَّذِي تَلَقَى مِنَ النَّاسِ فِيَّ فَقَالَ لَا يَزَالُ يَكُونُ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ الرَّجُلِ الْكَلَامُ فَيَقُولُ جَعْفَرِيُّ خَبِيثٌ فَقَالَ يُعَيِّرُكُمُ النَّاسُ بِِي فَقَالَ لَهُ أَبُو الصَّبَّاحِ نَعَمْ قَالَ فَقَالَ مَا أَقَلَّ وَ اللَّهُ مَنْ يَتَّبِعْ جَعْفَرًا مِنْكُمْ إِنَّمَا أَصْحَابِي مَنْ أَشَدَّ وَرَعُهُ وَ عَمِلَ لِحَالِقِهِ وَ رَجَا نَوَابَهُ فَهَوْلَاءِ أَصْحَابِي^۱. ابو الصباح کنانی بامام صادق علیه السلام عرض کرد: در باره شما از مردم چهها ببینیم (چه زخم زانها بشنویم؟) امام فرمود: مگر در باره من از مردم چه میبینی؟ گفت: هر گاه میان من و مردی سخنی در میگیرد؟ بمن میگوید: جعفری خبیث، فرمود: شما را بمن سرزنش میکنند؟ ابو الصباح گفت:

آری، فرمود: بخدا کسانی که از شما پیروی جعفر میکنند، چه اندازه کمند!! تنها اصحاب من کسی است که ورعش شدید باشد و برای خالقش عمل کند و ثواب او را امیدوار باشد. اینها اصحاب منند.

۷- حَنَانُ بْنُ سَدِيرٍ عَنْ أَبِي سَارَةَ الْعَزَّالِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ ابْنُ آدَمَ اجْتَنِبْ مَا حَرَّمْتُ عَلَيْكَ تَكُنْ مِنْ أَوْرَعِ النَّاسِ. امام باقر علیه السلام فرمود: خدای عز و جل فرماید: از آنچه بر تو حرام شده اجتناب کن تا باورعترین مردم باشی.

۸- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سُلَيْمَانَ الْمِنْقَرِيِّ عَنْ حَفْصِ بْنِ غِيَاثٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ الْوَرَعِ مِنَ النَّاسِ فَقَالَ الَّذِي يَتَوَرَّعُ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ. حفص بن غیاث گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم، مرد با ورع کیست؟ فرمود: آنکه از حرامهای خدای عز و جل دوری گزیند.

^۱ (۱) في ذكر الرجاء بعد العمل و الورع تنبيه على انهما سبب لرجاء الثواب لا للثواب و على أنه لا ينبغي لاحد أن يتكل بعمله، غاية ما في الباب له أن يجعله وسيلة للرجاء لان الرجاء بدوئها غرور و حيق. و فيه دلالة على أنه كره ما قاله أبو الصباح لما فيه من الخشونة و سوء الأدب (لح).

۹- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ أَبِي أُسَامَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ عَلَيْكَ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ الْوَرَعِ وَ الْاجْتِهَادِ وَ صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ وَ حُسْنِ الْخُلُقِ وَ حُسْنِ الْجَوَارِ وَ كَوْنُوا دُعَاةً إِلَى أَنْفُسِكُمْ بِغَيْرِ أَلْسِنَتِكُمْ وَ كَوْنُوا زِينًا وَ لَا تَكُونُوا شَيْنًا وَ عَلَيْكُمْ بِطُولِ الرَّكُوعِ وَ السُّجُودِ فَإِنَّ أَحَدَكُمْ إِذَا أَطَالَ الرَّكُوعَ وَ السُّجُودَ هَتَفَ إِنْ لَيْسَ مِنْ خَلْفِهِ وَ قَالَ يَا وَيْلَهُ أَطَاعَ وَ عَصَيْتُ وَ سَجَدَ وَ أَبَيْتُ. ابو اسامه گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام میفرمود: بر تو باد به تقوای خدا و ورع و کوشش و راستی گفتار و اداء امانت و حسن خلق و نیکی با همسایه. و مردم را با غیر زبان بمذهب خود دعوت کنید (یعنی رفتار شما شیعیان باید طوری باشد که مخالفینتان بگرویدن مذهب شما مایل شوند) و زینت ما باشید و ننگ ما نباشید.

و بر شما باد بطول دادن رکوع و سجود، زیرا چون یکی از شما رکوع و سجود را طول دهد، شیطان از پشت سرش بانگ زند و بگوید: ای وای، که این اطاعت کرد و من نافرمانی و این سجده کرد و من سرپیچی (هنگامی که بسجده در برابر آدم مأمور گشتم).

۱۰- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي زَيْدٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فَدَخَلَ عِيْسَى بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْقُمِّيُّ فَرَحَّبَ بِهِ وَ قَرَّبَ مِنْ مَجْلِسِهِ ثُمَّ قَالَ يَا عِيْسَى بْنُ عَبْدِ اللَّهِ لَيْسَ مِنَّا وَ لَا كِرَامَةً مَن كَانَ فِي مِصْرٍ فِيهِ مِائَةٌ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ وَ كَانَ فِي ذَلِكَ الْمِصْرِ أَحَدٌ أَوْرَعَ مِنْهُ^۱. ابو زيد گوید. خدمت امام صادق علیه السلام بودم که عیسی بن عبد الله قمی وارد شد، حضرت باو خوشامد گفت: و نزدیک خودش نشانید، سپس فرمود: ای عیسی بن عبد الله! از ما نیست و شرافتی ندارد- کسی که در شهری باشد که ۱۰۰ هزار تن و بیشتر در آن باشند، و در آن شهر شخصی پارساتر از او بوده باشد.

۱۱- عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ أَبِي كَهْمَسٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدِ بْنِ هَلَالٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَوْصِيَنِي قَالَ أَوْصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ الْوَرَعِ وَ الْاجْتِهَادِ^۲ وَ اعْلَمْ أَنَّهُ لَا يَنْفَعُ اجْتِهَادٌ لَا وَرَعَ فِيهِ. عمرو بن سعید بن هلال گوید: بامام صادق علیه السلام عرض کردم: مرا سفارشی کن. فرمود:

ترا سفارش میکنم بتقوای خدا و ورع و کوشش، و بدان که کوشش بدون ورع سود نبخشد.

۱۲- عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: أَعِينُونَا بِالْوَرَعِ فَإِنَّهُ مَنْ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْكُمْ بِالْوَرَعِ كَانَ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ فَرْجًا وَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ- مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَ الرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصَّادِقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا^۳ فَمِنَّا النَّبِيُّ وَ مِنَّا الصَّادِقُ وَ الشُّهَدَاءُ وَ الصَّالِحُونَ. ابو الصباح کنانی گوید، امام باقر علیه السلام فرمود: ما را با ورع یاری کنید، زیرا هر کس از شما خدای عز و جل را با ورع ملاقات کند، برای او نزد خدا گشایشی باشد و خدای عز و جل میفرماید: «آنها که خدا و رسولش را اطاعت کنند، همدم

^۱ (۱) المراد أن يكون في المخالفين أحد أروع منه وذلك لان أصحابنا بعضهم أروع من بعض فيلزم أن لا يكون منهم إلا الفرد الأعلى خاصة (ق).

^۲ (۲) الاجتهاد تحمل المشقة في العبادة (ق).

^۳ (۳) في سورة النساء- ۶۹ و فيها «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ» و كانه نقل بالمعنى، أو سهو من السناخ.

^۴ (۱) آیه شریفه در قرآن کریم بجای رسوله کلمه الرسول دارد، و گویا نقل بمعنی شده است.

پیغمبران و صدیقان و شهیدان و نیکانی باشند که خدا نعمتشان داده، و چه خوب رفیقانی هستند: ۶۹ سوره ۴» و پیغمبر از ماست و صدیق از ماست و نیکان از ما هستند.

۱۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ رَبَّابٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّا لَا نَعُدُّ الرَّجُلَ مُؤْمِنًا حَتَّى يَكُونَ لِحَمِيحِ أَمْرِنَا مُتَّبِعًا مُرِيدًا أَلَا وَ إِنَّ مِنْ اتِّبَاعِ أَمْرِنَا وَ إِزَادَتِهِ الْوَرَعَ فَتَزَيَّنُوا بِهِ يَرْحَمَكُمُ اللَّهُ وَ كَبِدُوا أَعْدَاءَنَا بِهِ يَنْعَشِكُمْ اللَّهُ^۱. امام صادق علیه السلام فرمود: ما شخصی را مؤمن ندانیم تا آنکه از همه امر ما پیروی کند و خواهان آن باشد، همانا ورع از جمله پیروی امر ما و خواستن آنست، پس خود را بآن زینت دهید. خدا شما را بیامرزد و بوسیله ورع بر دشمنان ما غلبه کنید [آنها را در تنگنا گذارید] خدا بشما رفعت بخشد.

۱۴- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَجَّالِ عَنِ الْعَلَاءِ عَنِ ابْنِ أَبِي يَعْقُورٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع كُونُوا دُعَاءَ لِلنَّاسِ بِغَيْرِ أَلْسِنَتِكُمْ لِيَرَوْا مِنْكُمْ الْوَرَعَ وَ الْإِحْتِهَادَ وَ الصَّلَاةَ وَ الْحَيْرَ فَإِنَّ ذَلِكَ دَاعِيَةٌ. امام صادق علیه السلام فرمود: با غیر زبان خویش مردم را (بکیش و مذهب خود) دعوت کنید، مردم باید ورع و کوشش و نماز و خیر شما را ببینند، اینها خود دعوت کننده باشند.

۱۵- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَمْرَةَ الْعَلَوِيِّ قَالَ أَخْبَرَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَلِيٍّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ ع قَالَ: كَثِيرًا مَا كُنْتُ أَسْمَعُ أَبِي يَقُولُ لَيْسَ مِنْ شِيعَتِنَا مَنْ لَا تَتَحَدَّثُ الْمُخَدَّرَاتُ بِوَرَعِهِ فِي خُدُورِهِنَّ وَ لَيْسَ مِنْ أَوْلِيَانِنَا مَنْ هُوَ فِي قَرِيْبَةٍ فِيهَا عَشْرَةُ آلَافٍ رَجُلٍ فِيهِمْ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ أَوْرَعُ مِنْهُ. موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: من از پدرم بسیار میشنیدم که میفرمود از شیعیان ما نیست کسی که (در پارسائی و ورع بدرجی شهرت نیابد که) زنان پرده‌نشین در میان پرده خویش از ورع او سخن گویند و از دوستان ما نباشد کسی که در شهری باشد که ده هزار مرد در آن باشند و پارساتر از او میان آنها خدا خلق کرده باشد [مخلوقی پارساتر از او برای خدا باشد].

بَابُ الْعِفَّةِ

باب عفت

. توضیح

- عفت بمعنی خودداری از غلبه مطلق شهوت است، ولی در اخبار و روایات غالباً در خصوص خودداری از شهوت شکم و فرج بکار رفته است که در فارسی از آن به پاکدامنی تعبیر می‌شود.

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ حَمَّادِ بْنِ عِيْسَى عَنْ حَرِيْزِ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: مَا عُيِدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ عِفَّةِ بَطْنِ وَ فَرْجِ. امام باقر علیه السلام فرمود: خدا بچیزی بهتر از عفت شکم و فرج عبادت نشده است.

^۱ (۴) التکید بالباء الموحدة من الکید بمعنى الشدة و المشقة أي أوقعوهم في الالم و المشقة لانه يصعب عليهم ورعكم و في بعض النسخ [کیدوا أعداءنا] أي حاربوهم بالورع يصير سببا لكف ألسنتهم عنكم و ترك ذمهم لكم، أو احتالوا بالورع يرغبوا في دينكم. و العش: الرفع و الإقامة.

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع إِنَّ أَفْضَلَ الْعِبَادَةِ عِقَّةَ الْبَطْنِ وَ الْفَرْجِ. و فرمود: بهترین عبادت عفت شکم و فرج است.

۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ص يَقُولُ أَفْضَلَ الْعِبَادَةِ الْعَفَافُ. امام صادق علیه السلام فرماید: امیر المؤمنین صلوات الله علیه میفرمود: بهترین عبادت عفت است.

۴- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْحُلَيْبِيِّ عَنْ مُعَلَّى أَبِي عَثْمَانَ^۱ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قَالَ رَجُلٌ لِأَبِي جَعْفَرٍ ع إِنِّي ضَعِيفُ الْعَمَلِ قَلِيلُ الصِّيَامِ وَ لَكِنِّي أَرْجُو أَنْ لَا آكُلَ إِلَّا حَلَالًا قَالَ فَقَالَ لَهُ أَيُّ الْإِجْتِهَادِ أَفْضَلُ مِنْ عِقَّةِ بَطْنٍ وَ فَرْجٍ. مردی بامام باقر علیه السلام عرض کرد: من عملم ضعیف و روزهام اندک است، ولی امیدوارم جز حلال نخورم، امام فرمود: چه کوششی از عفت شکم و فرج بهتر است.

۵- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَكْثَرُ مَا تَلِيحُ بِهِ أُمَّتِي النَّارَ الْأَجْوَفَانِ الْبَطْنُ وَ الْفَرْجُ. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بیشتر چیزی که اتم را بدوزخ در آرد، دو میان خالی است، یعنی شکم و فرج.

۶- وَ بِإِسْنَادِهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص ثَلَاثٌ أَحَافُهُنَّ عَلَيَّ مِنْ بَعْدِي الصَّلَاةُ بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ وَ مَضَلَّتِ الْفِتْنُ^۲ وَ شَهْوَةُ الْبَطْنِ وَ الْفَرْجِ. میمون قداح گوید: شنیدم امام باقر علیه السلام میفرمود: هیچ عبادتی بهتر از عفت شکم و فرج نیست.

۷- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجُبَّارِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ مَيْمُونِ الْقَدَّاحِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع يَقُولُ مَا مِنْ عِبَادَةٍ أَفْضَلَ مِنْ عِقَّةِ بَطْنٍ وَ فَرْجٍ.

۸- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: مَا مِنْ عِبَادَةٍ أَفْضَلَ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ عِقَّةِ بَطْنٍ وَ فَرْجٍ. امام باقر علیه السلام فرمود: هیچ عبادتی نزد خدا بهتر از عفت شکم و فرج نیست.

بَابُ اجْتِنَابِ الْمَحَارِمِ

اجتناب از محرّمات

^۱ (۱) في بعض النسخ [أحمد بن محمد]. و في بعضها [أحمد بن محمد أبي عبد الله] و الكل واحد يعني البرقي.

^۲ (۲) في بعض النسخ [معلی بن عثمان] و كلاهما رجل واحد.

^۳ (۳) أريد بمضلات الفتن الامتحانات التي تصير سببا للضلالة (في).

۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ دَاوُدَ بْنِ كَثِيرٍ الرَّقِّيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ- وَ لِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ^۱ قَالَ مَنْ عَلِمَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَرَاهُ وَ يَسْمَعُ مَا يَقُولُهُ وَ يَفْعَلُهُ مِنْ خَيْرٍ أَوْ شَرٍّ فَيُحِزُّهُ ذَلِكَ عَنِ الْقَبِيحِ مِنَ الْأَعْمَالِ فَذَلِكَ الَّذِي خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَ نَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَى. امام صادق عليه السلام در باره قول خدای عز و جل «و برای آنکه از مقام پروردگارش ترسد دو بهشت است، ۴۶ سوره ۵۵» فرمود: هر که بداند خدای عز و جل او را میبیند و هر چه میگوید و میکند از خیر و شر میشوند (و آگاهست) و همین دانش او را از کارهای زشت باز دارد، کسی است که از مقام پروردگارش ترسیده و خود را از هوس باز داشته است.

۲- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُمَرَ الْيَمَازِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: كُلُّ عَيْنٍ بَاكِيَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عِزْرٌ ثَلَاثٌ عَيْنٌ سَهْرَتْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ عَيْنٌ فَاضَتْ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ^۲ وَ عَيْنٌ غُضَّتْ^۳ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ. امام باقر عليه السلام فرمود: هر چشمی روز قیامت گریانست، جز سه چشم: چشمی که در راه خدا شب

را بیدار باشد و چشمی که از ترس خدا گریان شود و چشمی که از محرمات خدا بسته شود.

۳- عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: فِيمَا نَاجَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ مُوسَى ع يَا مُوسَى مَا تَقَرَّبَ إِلَيَّ الْمُتَقَرَّبُونَ بِمِثْلِ الْوَرَعِ عَنْ مَحَارِمِي فَإِنِّي أُبِيحُهُمْ جَنَاتٍ عَدْنٍ لَا أُشْرِكُ مَعَهُمْ أَحَدًا. امام صادق عليه السلام فرمود: در ضمن آنچه خدای عز و جل با موسی علیه السلام مناجات فرمود، این بود که: ای موسی! تقرب جویندگان بمن بچیزی مانند پرهیز از محرماتم تقرب نجسته‌اند. همانا من اقامت در بهشتهای جاودان را بآنها اجازه دهم و دیگری را با آنها شریک نسازم (یعنی بهشتهای عدن مختص پرهیزگاران از محرماتست).

۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عُيَيْدَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ أَشَدَّ مَا فَرَضَ اللَّهُ عَلَى خَلْقِهِ ذِكْرَ اللَّهِ كَثِيرًا ثُمَّ قَالَ لَا أَعْنِي سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ وَ إِنْ كَانَ مِنْهُ وَ لَكِنْ ذَكَرَ اللَّهُ عِنْدَ مَا أَحَلَّ وَ حَرَّمَ فَإِنْ كَانَ طَاعَةً عَمِلَ بِهَا وَ إِنْ كَانَ مَعْصِيَةً تَرَكَهَا. امام صادق عليه السلام فرمود، سخت‌تر چیزی که خدا بر خلقش واجب ساخته، ذکر بسیار خداست، مقصودم گفتن

سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله أكبر

نیست، اگر چه این هم از جمله ذکر است، بلکه مقصود یاد آوردن خداست در آنچه حلال و حرام فرموده که اگر طاعت خداست عمل کند و اگر مصیبت است ترک نماید.

^۱ (۱) الرحمن: ۴۶. و قد مر الخبر في باب الخوف و الرجاء.

^۲ (۲) اسناد الفيض إلى العين مجاز و فاض الماء و الدمع فيضا: كثر حتى سال

^۳ (۳) علی بناء المفعول يقال غض طرفه أي كسره و أطرق و لم يفتح عينه.

۵- ابنُ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع- عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ- وَ قَدِمْنَا إِلَى مَا عَمَلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَنْثُورًا قَالَ أَمَا وَ اللَّهُ إِنْ كَانَتْ أَعْمَالُهُمْ أَشَدَّ بَيَاضًا مِنَ الْقَبَاطِيِّ ١ وَ لَكِنْ كَانُوا إِذَا عَرَضَ لَهُمُ الْحَرَامُ لَمْ يَدْعُوهُ. سليمان بن خالد گوید: از امام صادق علیه السلام این قول خدای عز و جل را پرسیدم: «و بکردارهایی که انجام داده‌اند پردازیم و آنها را غباری پراکنده کنیم، ۲۳ سوره ۲۵» فرمود: هان بخدا سوگند کردارهای ایشان سفیدتر از پارچه‌های نازک مصری بود، ولی چون بجرامی برمیخوردند، از آن دست برنمیداشتند.

شرح

- مفسرین قرآن ذیل آیه شریفه و شارحین اصول کافی ذیل این حدیث، مطالبی مفصل راجع به احباط و تکفیر و عقاید فرق اسلامی در آن باره ذکر نموده‌اند، ولی خلاصه و عصاره آنها که مناسب این مختصر است، اینست که:

مقصود از کردارهای سفیدتر از آن پارچه‌ها، مانند مهمان‌نوازی و صلح رحم و فریادرسی گرفتارانست که همه آنها اعمالی است محبوب و مطلوب شارع و بهمین جهت آنها را بسیار سفید دانسته است و مقصود از غبار پراکنده، ذرات ریز و کوچکی است که در شعاع آفتاب از روزنه اتاق دیده می‌شود و کنایه از اینست که این کردار و اعمال پسندیده و مطلوب بواسطه عدم پرهیز از حرام بی‌اثر و نتیجه می‌گردد، و اجر و ثوابی را که خدای متعال در برابر اعمال وعده فرموده است، بچنین شخصی عطا نمی‌فرماید.

۶- عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ تَرَكَ مَعْصِيَةَ اللَّهِ لِحَافَةِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَرْضَاهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. امام صادق علیه السلام از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله فرماید: هر که گناهی را بواسطه ترس از خدای تبارک و تعالی ترک کند، خدا او را در روز قیامت خوشنود گرداند

بَابُ أَذَاءِ الْفَرَائِضِ

انجام واجبات

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي حَمَزَةَ الثَّمَالِيِّ قَالَ قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ص مَنْ عَمِلَ بِمَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ فَهُوَ مِنْ خَيْرِ النَّاسِ. علی بن الحسین صلوات الله علیهما فرمود: هر که بدان چه خدا بر او واجب ساخته عمل کند، از جمله بهترین مردمست

١ (۱) الفرقان: ۲۳. «وَ قَدِمْنَا» ای قصدنا و عمدنا «إِلَى مَا عَمَلُوا مِنْ عَمَلٍ» E\كفرى الضيف و صلة الرحم و اغائة. الملهوف و غيرها «i\» فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَنْثُورًا» E\ فلم يبق له أثر. و الهباء: غبار یرى فی شعاع الشمس الطالع من الكوة من الهبوة و هي الغبار (آت).
٢ (۲) القباطی- بالفتح- الثياب البيض الرقاق المصرية و القبط بالكسر يقال لاهل مصر.

۲- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي يَعْقُوبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ- **اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا** قَالَ اصْبِرُوا عَلَى الْفَرَائِضِ. امام صادق عليه السلام در باره قول خدای عز و جل: «صبر کنید و با صبر غلبه جوئید و مرزداری کنید، آخر سوره ۳» فرمود: بر واجبات صبر کنید (یعنی واجباتی را که انجامش کلفت و مشقت دارد تحمل کنید).

۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نُجْرَانَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ أَبِي السَّفَاتِجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ- **اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا قَالَ اصْبِرُوا عَلَى الْفَرَائِضِ وَ صَابِرُوا عَلَى الْمَصَائِبِ وَ رَابِطُوا عَلَى الْأَيْمَةِ** ع^۲. امام صادق عليه السلام در باره قول خدای عز و جل «صبر کنید و با صبر غلبه جوئید و مرزداری کنید» فرمود: صبر کنید بر واجبات و با صبر غلبه جوئید بر مصیبتها و دست بدامن ائمه عليهم السلام باشید (زیرا حدود و ثغور اسلام و ایمان بوسیله ایشان از دستبرد بدعتگزاران و دین تراشان محفوظ ماند).

- وَ فِي رِوَايَةِ ابْنِ مَجْبُوبٍ عَنْ أَبِي السَّفَاتِجِ وَ زَادَ فِيهِ فَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ فِيمَا افْتَرَضَ عَلَيْكُمْ. و بر روایت ابی السفاتج در این حدیث زیاد شده است: پس از خدای پروردگار خویش نسبت بآنچه بر شما واجب کرده پروا کنید.

۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص **اعْمَلْ بِفَرَائِضِ اللَّهِ تَكُنْ أَتَقَى النَّاسِ**. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بواجبات خدا عمل کن تا پرهیزگارترین مردم باشی.

۵- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى **مَا تَحَبَّبَ إِلَيَّ عَبْدِي بِأَحَبِّ مِمَّا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ**. امام صادق عليه السلام فرمود: خدای تبارک و تعالی فرماید: بنده من با چیزی محبوبتر از انجام آنچه بر او واجب کرده‌ام، بدوستی من نگراید.

بَابُ اسْتِوَاءِ الْعَمَلِ وَ الْمُدَاوَمَةِ عَلَيْهِ

استواری عمل و مداومت بر آن

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ الْحَلْبِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِذَا كَانَ الرَّجُلُ عَلَى عَمَلٍ فَلْيُدْمِ عَلَيْهِ سَنَةً ثُمَّ يَتَحَوَّلْ عَنْهُ إِنْ شَاءَ إِلَى غَيْرِهِ وَ ذَلِكَ أَنَّ لَيْلَةَ الْقَدْرِ يَكُونُ فِيهَا فِي عَامِهِ ذَلِكَ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ يَكُونَ. امام صادق عليه

^۱ (۳) آل عمران: ۲۰۰.

^۲ (۴) المراد به ربط النفس على طاعتهم و انقيادهم و انتظار فرجهم.

^۳ (۱) التحجب: جلب المحبة أو إظهارها و الأول أنسب (آت).

^۴ (۲) في بعض النسخ [عامه].

^۵ (۳) «يكون» خبر إن و «فيها» خبر يكون و الضمير راجع الى الليلة. و قوله: «ما شاء الله أن يكون» اسم يكون و قوله: «في عامه» متعلق ببيكون أو حال عن الليلة، و الحاصل أنه إذا دام سنة يصادف ليلة القدر التي يكون فيها ما شاء الله كونه من البركات و الخيرات و المضاعفات فيصير له هذا العمل مضاعفا مقبولا. و يحتمل أن يكون الكون بمعنى التقدير أو يقدر مضاف في ما شاء الله (آت).

السلام فرمود: هر گاه مردی عملی انجام میدهد، تا يك سال ادامه دهد، سپس اگر خواهد بعمل دیگری منتقل شود، زیرا شب قدری که آنچه خدا میخواهد (از خیرات و برکات) در آنست در يك سال میباشد.

۲- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيزِ بْنِ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ قَالَ: أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَا دَاوَمَ عَلَيْهِ الْعَبْدُ وَ إِنْ قَلَّ. امام باقر علیه السلام فرمود: دوست ترین اعمال نزد خدای عز و جل عملی است که بنده آن را ادامه دهد، اگر چه اندک باشد (یعنی اگر چه کوچک باشد یا از لحاظ شماره کم باشد).

۳- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ عَيْسَى بْنِ أَيُّوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْرَبَارٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ بَجَبَةَ^۱ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: مَا مِنْ شَيْءٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ عَمَلٍ يُدَاوَمُ عَلَيْهِ وَ إِنْ قَلَّ. امام باقر علیه السلام فرمود: چیزی نزد خدای عز و جل دوست تر از عملی که ادامه داشته باشد نیست، اگر چه اندک باشد.

۴- عَنْهُ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ص يَقُولُ إِنِّي لِأَحِبُّ أَنْ أُدَاوَمَ عَلَى الْعَمَلِ وَ إِنْ قَلَّ. علی بن الحسین صلوات الله علیهما میفرمود: من دوست دارم که عمل را ادامه دهم اگر چه کم باشد.

۵- عَنْهُ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ص يَقُولُ إِنِّي لِأَحِبُّ أَنْ أَقْدَمَ عَلَى رَبِّي وَ عَمَلِي مُسْتَوًّا^۲. علی بن الحسین صلوات الله علیهما میفرمود: من دوست دارم که بر پروردگارم وارد شوم، در حالی که عملم برابر باشد (و هر روزش از روز پیش کمتر نباشد).

۶- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِيَّاكَ أَنْ تَفْرَضَ عَلَى نَفْسِكَ فَرِيضَةً فَتُقَارِقَهَا اثْنَيْ عَشَرَ هَلَالًا^۳. امام صادق علیه السلام فرمود: مبادا عملی را بر خود واجب گردانی و تا ۱۲ ماه از آن دست برداری.

شرح

- مقصود اینست که انجام عملی را پیش خود تصمیم گیری و بدان ملتزم شوی، نه آنکه از راه نذر و عهد و عین بر خود واجب گردانی، زیرا شکستن و برهم زدن این امور جایز نیست و هر يك کفاره مخصوصی دارد.

بَابُ الْعِبَادَةِ

باب عبادت

^۱ (۴) «نجبة» بالنون والجميم المفتوحين و الباء الموحدة.

^۲ (۱) يعني لا يزيد و لا ينقص على حسب الأزمنة بافراط و تفریط (ق).

^۳ كليني، محمد بن يعقوب، الكافي (ط - الإسلامية) - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق.

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَجْبُوبٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَرِيدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: فِي التَّوْرَةِ مَكْتُوبٌ يَا ابْنَ آدَمَ تَقَرَّغْ لِعِبَادَتِي أَمَلًا قَلْبِكَ غَيًّا وَلَا أَكَلِكَ إِلَى طَلْبِكَ وَ عَلَيَّ أَنْ أَسُدَّ فَاقَتَكَ وَأَمَلًا قَلْبِكَ خَوْفًا مِنِّي وَإِنْ لَا تَقَرَّغْ لِعِبَادَتِي أَمَلًا قَلْبِكَ شُعْلًا بِالدُّنْيَا ثُمَّ لَا أَسُدَّ فَاقَتَكَ وَأَكَلِكَ إِلَى طَلْبِكَ. امام صادق علیه السلام فرمود: در تورات نوشته است: ای آدمی زاد! تنها بعبادت من پرداز تا دلت را از بی نیازی پر کنم و نسبت بخواستت ترا بخودت وانگذارم، و بر من است که نیاز را از تو بردارم و دلت را از ترس خود پرکنم، و اگر برای عبادت خود را فارغ نسازی: دلت را از گرفتاری دنیا پرکنم، سپس در نیاز را برویت نبندم و ترا با خواستت واگذارم

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَا عِبَادِي الصَّادِقِينَ تَنَعَّمُوا بِعِبَادَتِي فِي الدُّنْيَا فَإِنَّكُمْ تَتَعَمَّوْنَ بِهَا فِي الْآخِرَةِ. امام صادق علیه السلام فرمود: خدای تبارک و تعالی فرماید: ای بندگان راستی پیشه من! در دنیا از نعمت عبادتم برخوردار باشید که در آخرت از آن برخوردار خواهید بود.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ عَمْرِو بْنِ جُمَيْعٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَفْضَلُ النَّاسِ مَنْ عَشِقَ الْعِبَادَةَ فَعَانَقَهَا وَ أَحَبَّهَا بِقَلْبِهِ وَ بَاشَرَهَا بِجَسَدِهِ وَ تَقَرَّغَ هَا فَهُوَ لَا يُبَالِي عَلَى مَا أَصْبَحَ مِنَ الدُّنْيَا عَلَى عُمُرٍ أَمْ عَلَى يُسْرٍ. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بهترین مردم کسی است که عاشق عبادت شود، با عبادت دست بگردن شود و آن را از دل دوست دارد و با تن خود انجام دهد و برای آن فارغ شود (بکار دیگر دل مشغول ندارد) چنین شخصی باک ندارد که زندگی دنیایش بسختی گذارد یا باسانی.

۴- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ شَادَانَ بْنِ الْحَلِيلِ قَالَ وَ كَتَبْتُ مِنْ كِتَابِهِ بِإِسْنَادٍ لَهُ يَرْفَعُهُ إِلَى عَيْسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: قَالَ عَيْسَى بْنُ عَبْدِ اللَّهِ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا الْعِبَادَةُ قَالَ حُسْنُ النِّيَّةِ بِالطَّاعَةِ مِنَ الْوُجُوهِ الَّتِي يُطَاعُ اللَّهُ مِنْهَا أَمَّا إِنَّكَ يَا عَيْسَى لَا تَكُونُ مُؤْمِنًا حَتَّى تَعْرِفَ النَّاسِخَ مِنَ الْمَنْسُوخِ قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَ مَا مَعْرِفَةُ النَّاسِخِ مِنَ الْمَنْسُوخِ قَالَ فَقَالَ أَلَيْسَ تَكُونُ مَعَ الْإِمَامِ مُوْطِنًا نَفْسَكَ عَلَى حُسْنِ النِّيَّةِ فِي طَاعَتِهِ فِيمُضِي ذَلِكَ الْإِمَامُ وَ يَأْتِي إِمَامٌ آخَرَ فَتُوطِنُ نَفْسَكَ عَلَى حُسْنِ النِّيَّةِ فِي طَاعَتِهِ قَالَ قُلْتُ نَعَمْ قَالَ هَذَا مَعْرِفَةُ النَّاسِخِ مِنَ الْمَنْسُوخِ. عيسى بن عبد الله بامام صادق علیه السلام عرضکرد: قربانت، عبادت چیست؟ فرمود: نیت خوب داشتن بعبادت از راهی که خدا از آن راه اطاعت شود، همانا ای عیسی! مؤمن نباشی تا آنکه ناسخ را از منسوخ تشخیص دهی (تا بناسخ عمل کنی و منسوخ را کنار گذاری).

عرضکردم: قربانت تشخیص دادن ناسخ از منسوخ چیست؟ فرمود: مگر نه اینست که با امامی هستی و با حس نیت باطاعتش تصمیم میگیری، سپس آن امام در میگذرد و امام دیگر می آید و تو با حسن نیت باطاعت او تصمیم میگیری؟ عرضکردم: چرا، فرمود: همین تشخیص ناسخ از منسوخست.

^۱ (۲) إن الباء صلة، فان الصديقين والمقربين يتلذذون بعبادتهم. و قيل: الباء سببية.

۵- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ الْعِبَادَ ثَلَاثَةٌ قَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ خَوْفًا فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ وَ قَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى طَلَبَ الثَّوَابِ فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَجْرَاءِ وَ قَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ حُبًّا لَهُ فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ وَ هِيَ أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ. امام صادق عليه السلام فرمود: عبادت کنندگان سه دسته‌اند: ۱- گروهی که خدای عز و جل را از ترس عبادت کنند و این عبادت بردگانست، ۲- مردمی که خدای تبارک و تعالی را بطمع ثواب عبادت کنند و این عبادت مزدورانست، ۳- دسته‌ای که خدای عز و جل را برای دوستیش عبادت کنند و این عبادت آزادگان و بهترین عبادتست.

۶- عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَا أَقْبَحَ الْفَقْرَ بَعْدَ الْغِنَى وَ أَقْبَحَ الْخَطِيئَةَ بَعْدَ الْمَسْكِنَةِ وَ أَقْبَحَ مِنْ ذَلِكَ الْعَابِدُ لِلَّهِ ثُمَّ يَدْعُ عِبَادَتَهُ. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: چه زشت است فقر بعد از ثروتمندی و چه زشت است گناه بعد از خواری و درویشی و زشت‌تر از آن کسی است که عبادت خدا کند و سپس آن را واگذارد.

شرح

- زشتی فقر بعد از ثروتمندی یا از لحاظ اسراف و تبذیر و بیکار ماندن و خرج کردنست و یا از لحاظ اینست که انسان با وجود آنکه ثروت دارد و مدتی با دست با زندگی میکرده است، ناگاه طریق بخل و خست پیش گیرد و چون فقرا زندگی کند و یا مقصود زشتی در نظر اهل دنیاست، اگر چه نزد خدا پسندیده باشد و اما زشتی گناه بعد از خواری و درویشی بمعنی گناه کردن در زمان پیری و سستی و یا گناه کردن در زمان غنا و ثروت است، پس از آنکه بفقر و درویشی مبتلی باشد.

۷- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَائِءِ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ع قَالَ: مَنْ عَمَلَ بِمَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ فَهُوَ مِنْ أَعْبَادِ النَّاسِ. علی بن الحسین علیهما السلام فرمود: کسی که بدان چه خدا بر او واجب ساخته عمل کند عابدترین مردمست.

بَابُ النِّيَّةِ

نیت

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ص قَالَ: لَا عَمَلَ إِلَّا بِنِيَّةٍ^۱. علی بن الحسین صلوات الله علیهما فرمود: عملی نباشد، جز بوسیله نیت.

^۱ (۱) في بعض النسخ [العبادة ثلاث].

^۲ (۲) يعنى لا عمل يحسب من عبادة الله تعالى و يعد من طاعته بحيث يصح أن يترتب عليه الاجر في الآخرة إلا ما يراد به التقرب إلى الله تعالى و الدار الآخرة أعني يقصد به وجه الله سبحانه و التوصل إلى ثوابه أو الخلاص من عقابه و بالجملة امثال أمر الله تعالى في ما ندب عباده إليه و وعدهم الاجر عليه. و انما يأجرهم على حسب اقدارهم و منازلهم و نياتهم (ق).

- مقصود از عمل عبادات و طاعات و مراد به نیت قصد تقرب بخدایتعالیست، پس نماز و روزه و حج و امثال آن بدون قصد تقرب و رضای حق تعالی صحیح نیست و هیچ اجر و پاداشی ندارد و نیز اعمالی که بر انسان واجب نیست مانند صدقه دادن و تعلیم و ارشاد زمانی موجب پاداش و ثواب گردد که به نیت تقرب و رضای خدا انجام گیرد.

۲- عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص نِيَّةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ وَ نِيَّةُ الْكَافِرِ شَرٌّ مِنْ عَمَلِهِ وَ كُلُّ عَامِلٍ يَعْمَلُ عَلَى نِيَّتِهِ^۱. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: نیت مؤمن بهتر از عمل اوست و نیت کافر بدتر از عملش باشد و هر کس طبق نیتش کار میکند.

- مرحوم مجلسی در توجیه و تفسیر این روایت ۱۲ قول از دانشمندان حدیث نقل میکند، و سپس تحقیقی لطیف و تفصیلی عمیق از خود بیان میفرماید که بواسطه اهمیت مقام و از نظر اینکه نیت رکن و پایه همه اعمالست مختصری از بیاناتش را در اینجا ذکر میکنیم:

تصحیح نیت از مشکلترین اعمال انسانست، زیرا نیت تابع حالت نفسانی است و قبول و رد و درجات کمالش مربوط بهمان حالت نفسانی میباشد و تصحیح نیت جز با بیرون ساختن محبت دنیا بوسیله ریاضات شاقه و تفکرات صحیحه ممکن نگردد، زیرا دل سلطان و فرمانروای بدن است و همه اعضاء و جوارح محکوم فرمان او میباشند و در يك دل دو محبت متناقض جمع نشود، چنانچه خدای تعالی فرماید: **مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ** «خدا در اندرون هیچ کس دو دل قرار نداده» و چون دنیا و آخرت دو مطلوب مخالف و متناقض يك دیگریند، محبت آن دو در يك دل جمع نشود، از این رو کسی که محبت دنیا در دلش جایگزین شده و آخرت را فراموش کرده است، همیشه فکر و خیال و اعضاء و جوارحش متوجه دنیاست و هر عملی که انجام میدهد نتیجه غائی و مقصود حقیقیش دنیاست، اگر چه بدروغ دم از خدا و آخرت زند از این رو در عبادات و طاعاتش هم اعمالی را انتخاب میکند که بداتها وعده بسیاری مال داده شده و بطاعتی که موجب تقرب و محبت خداست اعتنائی ندارد.

و نیز کسی که حب جاه و شهرت بر دلش مستولی گشته، در همه اعمال و رفتار از آن منظور و هدف پیروی میکند، و همچنین است اغراض دنیوی دیگر که عمل بنده خالص نگردد تا زمانی که تمام این اغراض فاسد که موجب دوری از حقتعالی است از دل بیرون رود، بنا بر این درجات و مراتب نیت در مردم متعدد و بلکه بیشمار است و بلکه هر انسانی در حالات مختلف و متفاوت نیتهای مختلف و متفاوت دارد که برخی از آنها موجب فساد و بطلان عمل و بعضی موجب صحت و درستی آن و پاره‌ئی موجب کمال و ترقی آنست.

^۱ (۳) أي عمل كل عامل على وفق نيته في النقص والكمال والرد والقبول. لان المدار في الاعمال على النية التابعة للحالة التي اتصفت النفس بها من العقائد والأخلاق الحسنة والسيئة (آت).

آنچه موجب فساد و بطلان عمل است ریای خالص است که علاوه بر اینکه عبادت را از ثواب ساقط میکند موجب کیفر و عقاب هم میگردد، و اما هر گاه قصد ریا و ضمیمه تابع باشد و یا غیر از ریا ضمائم دیگری در نیتش باشد، مانند قصد نظافت و سرد شدن در وضو و غسل تفصیلی دارد (که حکمش در رسائل فقها موجود است).

و اما ضمیمه نمودن بعضی از مطالب مباحه دنیوی مانند وسعت رزق و طول عمر را جماعتی مبطل دانسته‌اند، ولی گفتار آنها حالی از اشکال نیست، زیرا گزاردن نماز حاجت و نماز استخاره و تلاوت قرآن و اذکار و دعوات مأثوره، بدون شك عبادتست و بآن امر شده و این مطالب دنیوی از نتایج آنها ذکر شده است و محالست که انسان قصد و نیت خود را از آنها خالی کند، زیرا نیت چنان که دانستی گفتن بزبان و خطور بدل نیست، بلکه واقع و حقیقت آن در باطن دل انسان مستتر است و داعی حقیقی انسان هم همان واقع و حقیقت است.

و اما نیت مقاصدی که موجب کمال عمل می‌شود و از اغراض دنیوی خالی است، بحسب اشخاص و احوال ایشان مختلف است و نیت هر کس تابع طریقه و شاکله و حالت باطنی اوست که برخی از آنها را یادآور میشویم:

۱- نیت کسانی که در عذاب و عقاب آخرت میاندیشند و دنیا در نظرشان پست می‌شود و عبادت خویش را برای ترس از عذاب انجام میدهند.

۲- کسانی باشند که نعمت‌های بهشت و حور و قصور آن ایشان را بعبادت تحریک کند.

گروهی از دانشمندان عبادت این دو طایفه را باطل دانسته‌اند، ولی اینان حقیقت تکلیف و درجات مردم را بخوبی ندانسته‌اند که بیشتر مردم (باصطلاح این زمان و ملاحظه احوال این مردم صدی نود و نه) را ممکن نیست عبادات خود را بغیر از این دو وجه انجام دهند و غیر از این نمیتوانند درک کنند و این نیت منافی با اخلاص نمیشد، زیرا عبادت بقصد آنچه در آخرت وعده داده شده، از شوائب دنیوی پاک و خالص است و دلیلی هم نداریم که عبادت باید خالصاً لوجه الله و حتی از این گونه اغراض هم خالی باشد، بلکه دلیل بر عکس این عقیده موجود است.

مانند آیه شریفه: **ادْعُوهُ خَوْفًا وَ طَمَعًا - وَ يَدْعُونَا رَغْبًا وَ رَهْبًا.**

و نیز امیر المؤمنین علیه السلام در وقفنامه خود مینویسد:

هذا ما اوصى به في ما له عبد الله على ابتغاء وجه الله تعالى ليولجني به الجنة و يصرفني به عن النار.

و گویا اینها حقیقت معنی نیت را درک نکرده و گمان کرده‌اند، که با گفتن اینکه تدریسم را برای محبت خدا انجام میدهم درست می‌شود، غافل از اینکه این گفتار جز لقلقه زبان و ادعائی کاذب بیش نیست و حقیقت نیت همان میل و توجه دلست

بآنچه میخواهد و اگر محبت خدا مطلوب دل نباشد با گفتن بزبان و خطوط بدل بدست نیاید و مثل اینست که شخص سیر بگوید: من میل بغذا دارم، پیداست که این گفتن برای او اشتها نمی آورد.

۳- کسانی که در نعمتهای بی پایان خدا میانداشند و چون شکر نعم را واجب میدانند، برای سپاسگزاری خدا عبادتش میکنند، چنانچه امیر المؤمنین علیه السلام می فرماید:

لو لم يتوعد الله على معصيته لكان يجب ان لا يعصى شكرا لنعمته.

۴- کسانی که از راه حیا و شرمساری عبادت خدا میکنند، زیرا او را بر نمان و آشکار خود مطلع میدانند چنانچه پیغمبر صلی الله علیه و آله میفرماید:

اعبد الله كأنك تراه فان لم تكن تراه فإنه يراك.

۵- کسانی که خدا را بقصد تقرب عبادت میکنند و مقصود قرب معنوی و ارتفاع مقام بنده است که از نقائص خود کاسته و بکمال نزدیک شود.

۶- کسانی که خدا را برای اهلیت و سزاوارش عبادت میکنند، چنان که امیر المؤمنین علیه السلام فرماید:

و لكن وجدتك أهلا للعبادة فعبدتك

ولی این ادعا از غیر خاندان امیر المؤمنین علیه السلام پذیرفته نیست، زیرا حقیقت این ادعا اینست که: اگر خدا بهشت و جهنمی هم نمی آفرید، بلکه اگر بر فرض محال فرمانبران را بدوزخ میبرد، آنها خدا را عبادت میکردند، برای اینکه سزاوار عبادتست، چنانچه حضرت ابراهیم علیه السلام در دنیا آتش را انتخاب کرد و بر او سرد و سلامت شد، و اولیاء دیگر خدا کشته شدن و زجر و شکنجه بدست اشرار را پذیرفتند.

۷- کسانی که برای محبت و دوستی خدا او را عبادت کنند و این بالاترین درجات مقربین است از این بیان معنی جمله اخیر روایت دانسته می شود.

و اما راجع بهتربودن نیت مؤمن از عملش و بدی نیت کافر نسبت بعملش در یکی از دوازده قول از امام باقر علیه السلام روایت میکند که علتش اینست که مؤمن کارهای خیر زیادی را قصد میکند که بانجام آن موفق نمیشود و همچنین کافر نسبت بمقاصد زشت و بدش و از امام صادق علیه السلام روایت شده که چون عمل در معرض ریاء بندگانست و نیت خالص برای خدا است، نیت مؤمن از عملش بهتر است و خدا به نیت ثوابی دهد که بعمل ندهد.

۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَجْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ الْعَبْدَ الْمُؤْمِنَ الْقَقِيرَ لَيَقُولُ يَا رَبِّ ارْزُقْنِي حَتَّى أَفْعَلَ كَذَا وَ كَذَا مِنَ الْبِرِّ وَ وُجُوهُ الْحَيْرِ فَإِذَا عَلِمَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ ذَلِكَ مِنْهُ بِصِدْقِ نِيَّةِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلَ مَا يَكْتُبُ لَهُ لَوْ عَمِلَهُ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ كَرِيمٌ. امام صادق عليه السلام فرمود: بنده مؤمن فقیر میگوید: پروردگارا بمن (مال و ثروت) روزی کن تا از احسان و راههای خیر چنین و چنان کنم. (مسجد بسازم و اطعام دهم و به بینوایان کمک کنم) و چون خدای عز و جل بداند نیتش صادق است و راست میگوید، برای او همان اجر و پاداش را نویسد که اگر انجام میداد مینوشت، همانا خدا وسعت بخش و کریم است.

۴- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْحَاقَ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَمْرٍو^۱ عَنْ حَسَنِ بْنِ أَبَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ حَدِّ الْعِبَادَةِ الَّتِي إِذَا فَعَلَهَا فَعَلَهَا كَانَ مُؤَدِّيًا فَقَالَ حُسْنُ النِّيَّةِ بِالطَّاعَةِ. ابو بصیر گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم در باره اندازه عبادتی که چون کسی انجام دهد، وظیفه خود را انجام داده باشد؟ فرمود: حسن نیت بطاعت است (چنانچه در حدیث ۱۶۶۳ بیان شد).

۵- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْمُثَنَّرِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ يُونُسَ عَنْ أَبِي هَاشِمٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِنَّمَا خُلِدَ أَهْلُ النَّارِ فِي النَّارِ لِأَنَّ نِيَّتَهُمْ كَانَتْ فِي الدُّنْيَا أَنْ لَوْ خُلِدُوا فِيهَا أَنْ يَعْصُوا اللَّهَ أَبَدًا وَ إِنَّمَا خُلِدَ أَهْلُ الْجَنَّةِ فِي الْجَنَّةِ لِأَنَّ نِيَّتَهُمْ كَانَتْ فِي الدُّنْيَا أَنْ لَوْ بَقُوا فِيهَا أَنْ يُطِيعُوا اللَّهَ أَبَدًا فَبِالنِّيَّاتِ خُلِدَ هَؤُلَاءِ وَ هَؤُلَاءِ ثُمَّ تَلَا قَوْلَهُ تَعَالَى - قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ^۲ قَالَ عَلِيُّ نِيَّتِهِ. امام صادق علیه السلام فرمود: اهل دوزخ از این رو در دوزخ جاودان باشند که نیت داشتند اگر در دنیا جاودان باشند همیشه نافرمانی خدا کنند و اهل بهشت از این رو در بهشت جاودان باشند که نیت داشتند اگر در دنیا باقی بمانند همیشه اطاعت خدا کنند، پس این دسته و آن دسته بسبب نیت خویش جاودانی شدند، سپس قول خدای تعالی را تلاوت نمود: «بگو هر کس طبق طریقه خویش عمل میکند، ۷۹ سوره ۱۷» و فرمود: یعنی طبق نیت خویش.

شرح

- از توضیحی که ذیل روایت دوم این باب راجع بمعنی نیت بیان شد، معلوم گشت که نیت خوب لازمه طینت پاک و صفات حمیده و ملکات فاضله است و بدان جهت استحقاق جاودانی بودن در بهشت را پیدا میکند، زیرا چنین اشخاصی آماده اعمال صالحه و موجبات ثواب میباشند و مانع انجام دادن از جانب آنها نیست و کافر با آن حالت خبیثی که دارد، برای ضد اعمال و صفات مؤمن آماده است.

بَابُ

^۱ (۱) في بعض النسخ [محمد بن إسحاق بن الحسين بن عمرو].

^۲ (۲) الإسراء: ۸۴، و كأن الاستشهاد بالآية مبنى على أن المدار في الاعمال على النية التابعة للحالة التي اتصفت النفس بها من العقائد و الأخلاق الحسنة و السيئة فإذا كانت النفس على العقائد الثابتة و الأخلاق الحسنة الراسخة التي لا يتخلف عنها الاعمال الصالحة الكاملة لو بقي في الدنيا أبدا فبتلك الشاكلة و الحالة استحق الخلود في الجنة و إن كانت النفس على خلاف ذلك استحق الخلود في النار.

۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنِ ابْنِ مَجْبُوبٍ عَنِ الْأَحْوَلِ عَنْ سَلَامِ بْنِ الْمُسْتَنِيرِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَلَا إِنَّ لِكُلِّ عِبَادَةٍ شِرَّةً^۱ ثُمَّ تَصِيرُ إِلَى فِتْرَةٍ فَمَنْ صَارَتْ شِرَّتُهُ عِبَادَتِهِ إِلَى سُنَّتِي فَقَدْ اهْتَدَى وَ مَنْ خَالَفَ سُنَّتِي فَقَدْ ضَلَّ وَ كَانَ عَمَلُهُ فِي تَبَابٍ^۲ أَمَا إِنِّي أَصْلِي وَ أَنَامُ وَ أَصُومُ وَ أَفْطِرُ وَ أَضْحِكُ وَ أَبْكِي فَمَنْ رَغِبَ عَنِّي مِنْهَا جِي وَ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي وَ قَالَ كَفَى بِالْمُؤْتِ مَوْعِظَةً وَ كَفَى بِالْيَقِينِ غَنًى وَ كَفَى بِالْعِبَادَةِ شُعْلاً. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: همانا برای هر عبادتی شور و جنبشی است و سپس بسستی و آرامش گراید، پس هر که شور و جنبش عبادتش بسوی سنت من باشد هدایت شده و هر که مخالفت سنت می کند، گمراه گشته و عملش بھلاکت کشد، همانا من نماز میگزارم و میخوام و روزه میگیرم و افطار میکنم و میخندم و میگیرم و هر که از طریقه و روش من روگرداند، از من نیست.

و فرمود: برای موعظه و پند مرگ کافی است و برای بی نیازی یقین کافی است و برای مشغول بودن عبادت بس است.

شرح

- راجع بقسمت اول حدیث به شماره ۲۰۷ ج ۱ ص ۹۰ رجوع شود و اما قسمت اخیر حدیث توضیحش اینست که: چون هر کس مرگ رفقایش را ببیند و خودش هم عاقبت میمیرد، محتاج بموعظه و پند دیگری نیست و کسی که یقین دارد آنچه خدا برایش مقدر کند، خیر و صلاح او است، مناعت طبع و بی نیازی

نفسی پیدا میکند که محتاج به بی نیازی دیگری نیست و هر که خود را بعبادت خدا مشغول دارد، برایش بهترین شغل است و محتاج بسرگرمی دیگری نیست.

۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْحَجَّالِ عَنْ ثَعْلَبَةَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع لِكُلِّ أَحَدٍ شِرَّةٌ وَ لِكُلِّ شِرَّةٍ فِتْرَةٌ فَطُوبَى لِمَنْ كَانَتْ فِتْرَتُهُ إِلَى خَيْرٍ. امام صادق علیه السلام فرمود: هر کسی را شور و جنبشی است و هر شور و جنبشی، سستی و آرامشی در پی دارد، خوشا حال آنکه آرامشش بسوی خیر باشد.

بَابُ الْإِقْتِصَادِ فِي الْعِبَادَةِ

میانه روی در عبادت

۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِنَّ هَذَا الدِّينَ مَتِينٌ فَأَوْغِلُوا فِيهِ بِرَفْقٍ^۳ وَ لَا تُكْرَهُوا عِبَادَةَ اللَّهِ إِلَى عِبَادِ اللَّهِ فَتَكُونُوا كَالرَّاكِبِ الْمُنْبَتِ^۱ الَّذِي لَا سَفْرًا قَطَعَ وَ لَا ظَهْرًا

^۱ (۳) الشرة بالكسر شدة الرغبة و النشاط (ق).

^۲ (۴) التباب: الخسران و الهلاك و في بعض النسخ [تبار] و هو أيضا الهلاك.

^۳ (۱) الايغال: السير الشديد و الامعان في السير و الوغول الدخول في الشيء يعني سبروا في الدين برفق و ابلغوا الغاية القصوى منه بالرفق لا على التهافت و الخرق و لا تحملوا على أنفسكم و لا تكلفوها ما لا تطيق فتعجز و تترك الدين و العمل (ق).

أَبْقَى^۲. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: همانا این دین محکم و متین است، پس با ملامت در آن در آئید و عبادت خدا را به بندگان خدا با کراهت تحمیل نکنید تا مانند سوار درمانده‌ئی باشید که نه مسافت را پیموده و نه مرکبی بجا گذاشته (یعنی بواسطه زیادی سرعت، مرکبش در بین راه از رفتار بازمانده و توضیح این روایت از مثالی که امام علیه السلام در روایت ۱۵۲۳ بیان فرمود روشن میگردد).

- مُحَمَّدُ بْنُ سِنَانٍ عَنْ مُقْرِنٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُوقَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عٍ مِثْلَهُ.

۲- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عٍ قَالَ: لَا تُكْرَهُوا إِلَى أَنْفُسِكُمُ الْعِبَادَةَ. امام صادق علیه السلام فرمود: عبادت را بخود مکروه و ناپسند ندارید.

شرح

- مقصود نهی از زیاد روی در مستحباتست، بنحوی که انسان را از شوق و نشاط بیندازد بنده مؤمن باید تا میل و رغبت دارد بادعیه و نمازهای مستحب پردازد و چون کسالت عارضش شد و افسرده گشت خود را بکار دیگری سرگرم کند.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عٍ يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ إِذَا أَحَبَّ عَبْدًا فَعَمِلَ عَمَلًا قَلِيلاً جَزَاءً بِالْقَلِيلِ الْكَثِيرِ وَ لَمْ يَتَعَاظَمَهُ أَنْ يَجْزِيَ بِالْقَلِيلِ الْكَثِيرَ لَهُ. حنان بن سدیر گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام میفرمود: چون خدای عز و جل بنده‌ئی را دوست دارد و او عمل کوچکی انجام دهد، خدا او را پاداش بزرگ دهد و بعمل کم پاداش زیاد دادن بر او بزرگ و سنگین نیاید.

۴- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْجَهْمِ عَنْ مَنْصُورٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عٍ قَالَ: مَرَّ بِي أَبِي وَ أَنَا بِالطَّوَّافِ وَ أَنَا حَدَّثُ^۳ وَ قَدْ اجْتَهَدْتُ فِي الْعِبَادَةِ فَرَأَيْتَنِي وَ أَنَا أَتَصَابُ عَرَقًا فَقَالَ لِي يَا جَعْفَرُ يَا بُنَيَّ إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَحَبَّ عَبْدًا أَدْخَلَهُ الْجَنَّةَ وَ رَضِيَ عَنْهُ بِالْيَسِيرِ. امام صادق علیه السلام فرمود: من در طواف بودم که پدرم بر من گذشت، من جوان بودم و در عبادت کوشا. پدرم مرا دید که عرق از من سرازیر است، بمن فرمود ای جعفر ای پسر جان! همانا چون خدا بنده‌ای را دوست دارد، او را ببهشت در آورد و با عمل اندک از او راضی شود.

شرح

^۱ (۲) المنبت: بفتح الموحدة بعد النون و تشديد المثناة من فوق، يقال للرجل إذا انقطع به في سفرة و عطبت راحلته: قد انبت، من البت بمعنى القطع فهو مطاوع بت (فی).

^۲ (۳) الظهر: المركب، يريد أنه بقي في طريقه عاجزا عن مقصده لم يقض وطره و قد أعطب مركبه (فی).

^۳ (۴) الحدت: الشاب. جمع أحداث و حدثان.

- مجلسی (ره) گوید: چون خدا بنده‌ئی را بسبب عقاید و اخلاق نیک و رعایت شرایط عمل که یکی از آنها تقوی است دوست دارد، او را ببهشت ببرد، و حاصل اخباری که در این باب رسیده اینست که: سعی و کوشش در کیفیت عمل بهتر از سعی در کمیت آنست و سعی در تصحیح عقاید و اخلاق مهمتر از سعی در بسیاری عمل است.

۵- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبُخْتَرِيِّ وَغَيْرِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: اجْتَهَدْتُ فِي الْعِبَادَةِ وَ أَنَا شَابٌّ فَقَالَ لِي أَبِي ع يَا بُنَيَّ دُونَ مَا أَزَاكَ تَصْنَعُ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ إِذَا أَحَبَّ عَبْدًا رَضِيَ عَنْهُ بِالْيَسِيرِ. امام صادق علیه السلام فرمود: من جوان بودم و در عبادت کوشا، پدرم فرمود: پسر جان! کمتر از آنچه میبینم عبادت کن که خدای عز و جل چون بنده‌ای را دوست دارد، باندکی از او راضی شود.

۶- مُحَمَّدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحُشَّابِ عَنِ ابْنِ بَقَّاحٍ عَنْ مُعَاذِ بْنِ ثَابِتٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ جُمَيْعٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَا عَلِيُّ إِنَّ هَذَا الدِّينَ مَتِينٌ فَأَوْغِلْ فِيهِ بِرَفْقٍ وَ لَا تُبْعِضْ إِلَى نَفْسِكَ عِبَادَةَ رَبِّكَ فَإِنَّ الْمُنْبِتَّ يَعْنِي الْمُرْطَ لَا ظَهْرًا أَنْبَى وَ لَا أَرْضًا قَطَعَ فَأَعْمَلَ عَمَلًا مَنْ يَرْجُو أَنْ يَمُوتَ هَرِمًا وَ اخْذَرَ حَذَرَ مَنْ يَتَخَوَّفُ أَنْ يَمُوتَ عَدًّا. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای علی! همانا این دین متین و محکم است، در او با نرمی وارد شود، و عبادت پروردگارت را مبعوض خود مگردان، زیرا خسته کننده مرکوب- یعنی کسی که در راندن مرکوب زیاد روی کرده- نه مرکوب باقی گذاشته و نه مسافت پیموده، پس عمل کن مانند عمل کسی که امید دارد در پیروی بمیرد (یعنی مستحبات را با رفق و تأنی انجام ده و فکر کن تا پیروی راه دوریست، یا مقصود اینست که با زیادی روزه و بیدار خوابی خود را لاغر و نحیف مکن) و پرهیز کن مانند کسی که میترسد فردا بمیرد (یعنی نسبت به پرهیز از محرمات خیال کن فردا میمیری و کوچکترین آنها را هم بخود اجازه مده و مگو وقت مردن توبه خواهم کرد).

بَابُ مَنْ بَلَغَهُ ثَوَابٌ مِنَ اللَّهِ عَلَى عَمَلٍ

در باره کسی که ثواب خدا را بر عملی بشنود

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ سَمِعَ شَيْئًا مِنَ الثَّوَابِ عَلَى شَيْءٍ فَصَنَعَهُ كَانَ لَهُ وَ إِنَّ لَمْ يَكُنْ عَلَى مَا بَلَغَهُ. امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که ثوابی را بر عملی بشنود و آن را بجا آورد، آن ثواب را ببرد.

اگر چه چنان که باو رسیده نباشد.

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ عِمْرَانَ الرَّعْفَرِيِّ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع يَقُولُ مَنْ بَلَغَهُ ثَوَابٌ مِنَ اللَّهِ عَلَى عَمَلٍ فَعَمِلَ ذَلِكَ الْعَمَلَ التَّمَّاسَ ذَلِكَ الثَّوَابِ أَوْ تَبَهُ وَ إِنَّ لَمْ يَكُنِ الْحَدِيثُ كَمَا بَلَغَهُ^۱. محمد بن

^۱ (۱) یعنی ما إذا كان العمل مسنوناً في الكتاب و السنة النبوية من دون أن يقدر له هذا الثواب العاجل أو الأجل و إلا فلا اجر له أبدا- إن لم يكن عليه وزر- لقول النبي عليه السلام «لا قول إلا بعمل و لا قول و لا عمل إلا بنية و لا قول و لا عمل و لا نية إلا باصابة السنة».

مروان گوید: شنیدم امام باقر علیه السلام میفرمود: کسی که ثواب بر عملی از خدا باو برسد و آن عمل را بامید آن ثواب انجام دهد، باو میدهند، اگر چه حدیث چنانچه باو رسیده نباشد.

شرح

- بمضمون این دو روایت، روایات دیگری هم وارد شده که بحد استفاضه رسیده است. و مرحوم مجلسی برخی از آنها را در مرآت العقول ذکر میکند. این روایات به اخبار من بلغ معروفست و نتیجه و مضمون آنها به تسامح در ادله سنن مشهور گشته است. و حاصل این روایات اینست که:

چنانچه مسلمانی بشنود یا در کتابی ببیند که اگر کسی مثلاً چنین نمازی را بخواند، چنان پاداشی در دنیا یا در آخرت باو داده می شود، پس اگر او آن نماز را گزارد، خدا آن پاداش را باو میدهد. اگر چه واقع و حقیقت چنان نباشد، و آن گوینده و کتاب دروغی جعل کرده و یا اشتباه کرده باشند، زیرا کرم و فضل خدا زیاد است و بخود اجازه نمیدهد که چون بنده‌ئی باو سوء ظن پیدا کرد و امیدوار شد ناامیدش کند، از این رو فقهاء و دانشمندان اسلامی گفته‌اند در باره مستحبات لازم نیست که همیشه دنبال خبری صحیح و موثق بگردیم، بلکه باخبار ضعیف و مجهول در این باره میتوان استناد کرد، بخلاف واجبات و محرمات که جز با خبر صحیح و موثق ثابت نگردد. اخبار من بلغ را اصولیین در باب برائت و احتیاط ذکر نموده و برخی از محدثین هم در بیان و شرح این احادیث تفصیلی میدهند و در مقدار دلالت و استفاده اصل استحباب از این اخبار، اشکالات و جوابهایی ذکر نموده و نقض و ابراهمائی کرده‌اند که مناسب این مختصر نیست به مرآت العقول ج ۲ ص ۱۰۶ رجوع شود.

بَابُ الصَّبْرِ

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبَائٍ عَنِ ابْنِ أَبِي يَعْقُوبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الصَّبْرُ رَأْسُ الْإِيمَانِ. امام صادق علیه السلام فرمود: صبر سر ایمانست.

شرح

- اگر ایمان را بانسانی تشبیه کنیم صبر بمنزله سر آن انسان و اخلاق و صفات دیگر ایمانی بمنزله اعضاء و جوارح دیگر است و این تشبیه یا از لحاظ شرف و فضیلت و یا از لحاظ قوام و ثبات صفات حمیده به صفت صبر است، چنانچه از حدیث بعد این معنی استفاده می شود.

۲- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ فَضَيْلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الصَّبْرُ مِنَ الْإِيمَانِ بِمَنْزِلَةِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ فَإِذَا ذَهَبَ الرَّأْسُ ذَهَبَ الْجَسَدُ كَذَلِكَ إِذَا ذَهَبَ الصَّبْرُ ذَهَبَ الْإِيمَانُ. امام صادق علیه السلام فرمود: صبر نسبت بایمان مانند سر است نسبت به تن، که چون سر برود تن هم می‌رود، همچنین اگر صبر برود ایمان می‌رود.

٣- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْقَاسِمِيِّ جَمِيعاً عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَصْبَهَانِيِّ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ الْمَنْقَرِيِّ عَنْ حَنْصِ بْنِ غِيَاثٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع يَا حَنْصُ إِنَّ مِنْ صَبْرٍ قَلِيلاً وَ إِنَّ مِنْ جَزَعٍ جَزَعٍ قَلِيلاً ثُمَّ قَالَ عَلَيْكَ بِالصَّبْرِ فِي جَمِيعِ أُمُورِكَ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ بَعَثَ مُحَمَّدًا ص فَأَمَرَهُ بِالصَّبْرِ وَ الرَّفْقِ فَقَالَ وَ اصْبِرْ عَلَى مَا يُفْعَلُوكَ وَ اهْجُرْهُمْ هَجْرًا حَمِيلاً وَ ذَرْنِي وَ الْمُكَدِّبِينَ أُولِي النَّعْمَةِ^١ وَ قَالَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى اذْفَعْ بِاللَّيِّ هِيَ أَحْسَنُ - [السِّيئَةَ] فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ وَ مَا يُلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَ مَا يُلْقَاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ^٢ فَصَبَرَ رَسُولُ اللَّهِ ص حَتَّى نَالُوهُ بِالْعِظَائِمِ وَ رَمَوْهُ بِهَا^٣ فَصَاقَ صَدْرُهُ فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْهِ- وَ لَقَدْ نَعَلِمُ أَنَّكَ يَضِيقُ صَدْرُكَ بِمَا يُفْعَلُوكَ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَ كُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ^٤ ثُمَّ كَذَّبُوهُ وَ رَمَوْهُ فَحَزِنَ لِذَلِكَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَدَنَّا لِيَحْزُنَكَ الَّذِي يُفْعَلُوكَ فَإِنَّهُمْ لَا يُكَدِّبُونَكَ وَ لَكِنَّ الظَّالِمِينَ بآيَاتِ اللَّهِ يَخْتَدُونَ وَ لَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِكَ فَصَبَرُوا عَلَى مَا كُذِّبُوا وَ أُوذُوا حَتَّى أَتَاهُمْ نَصْرُنَا^٥ فَأَلْزَمَ النَّبِيُّ ص نَفْسَهُ الصَّبْرَ فَتَعَدَّوْا فَذَكَرَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ كَذَّبُوهُ فَقَالَ قَدْ صَبَرْتُ فِي نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ عِرْضِي وَ لَا صَبْرَ لِي عَلَى ذِكْرِ إلهِي فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ- وَ لَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَ مَا مَسَّنَا مِنْ لُغُوبٍ فَاصْبِرْ عَلَى مَا يُفْعَلُوكَ^٦ فَصَبَرَ النَّبِيُّ ص فِي جَمِيعِ أَحْوَالِهِ ثُمَّ بَشَّرَ فِي عِزَّتِهِ بِالْأَيْمَةِ وَ وُصِفُوا بِالصَّبْرِ فَقَالَ جَلَّ ثَنَاؤُهُ وَ جَعَلْنَا مِنْهُمْ أَيْمَةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَ كَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ^٧ فَعِنْدَ ذَلِكَ قَالَ ص الصَّبْرُ مِنَ الْإِيمَانِ كَالرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ فَشَكَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ ذَلِكَ لَهُ فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ- وَ تَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَى عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا وَ دَمَّرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَ قَوْمُهُ وَ مَا كَانُوا يَعْرِشُونَ^٨

فَقَالَ ص إِنَّهُ بُشِّرِي وَ انْتِقَامَ فَأَبَاحَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ قِتَالَ الْمُشْرِكِينَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَ خُدُّوهُمْ وَ احْصُرُوهُمْ وَ اقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصِدٍ^٩ وَ اقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقْتُلُوهُمْ^{١٠} - فَتَقَاتَلَهُمُ اللَّهُ عَلَى يَدَيْ- رَسُولِ اللَّهِ ص وَ أَحْبَابِهِ وَ جَعَلَ لَهُ ثَوَابَ صَبْرِهِ مَعَ مَا ادَّخَرَ لَهُ فِي الْآخِرَةِ فَمَنْ صَبَرَ وَ احْتَسَبَ لَمْ يَخْرُجْ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يُقَرَّ اللَّهُ لَهُ عَيْنُهُ فِي أَعْدَائِهِ مَعَ مَا يَدَّخِرُ لَهُ فِي الْآخِرَةِ. امام صادق عليه السلام فرمود: ای حنص، هر که صبر کند، اندکی صبر کرده و هر که بیتابی کند، اندکی بیتابی کرده (زیرا عمر کوتاهست و مصیبات کوتاهتر).

^١ (١) المزل: ١٠٠. و الحجر الجميل هو أن يجانبهم و يدارهم و لا يكافهم و يكلمهم الى الله تعالى: (لخ).

^٢ (٢) فصلت: ٣٥. لفظة «السيفة» ليست في المصاحف و لكن هي موجودة في أكثر النسخ.

^٣ (٣) أي الكذب و الجنون

^٤ (٤) الحجر: ٩٧ و ٩٨

^٥ (٥) الأنعام: ٣٣.

^٦ (٦) في بعض النسخ [فذكر الله].

^٧ (٧) ق: ٣٨. و اللغوب: التعب و الاعياء.

^٨ (٨) السجدة: ٢٤.

^٩ (٩) الأعراف: ١٣٦ و «دمرنا» الدمار: الهلاك. «ما كانوا يعرشون» E\ أي من الاشجار و الاعناب و الثمار أو ما كانوا يرفعونه من البنيان.

^{١٠} (١٠) التوبة: ٦.

^{١١} (٢) البقرة: ١٩١. ثقفه: صادفه أو أخذه أو ظفر به أو أدركه.

سپس فرمود: در هر کاری صبر را از دست مده، زیرا خدای عز و جل محمد صلی الله علیه و آله را مبعوث فرمود و او را امر بصبر و مدارا کرد و فرمود: «بر آنچه میگویند صبر کن و از آنها بپرهیز، بریدی نیکو، مرا با تکذیب کنان نعمت دار و اگذار- ۱۱ سوره ۷۳» و باز خدای تبارک و تعالی فرمود: «بدی را بآنچه نیکوتر است دفع کن، تا آنکه میان تو و او دشمنی است، مانند دوستی مهربان شود، و این خصلت را جز کسانی که صبر کنند بر نخورند و جز بهره‌دار بزرگ درنیابد، ۳۶ سوره ۴۱».

رسول خدا صلی الله علیه و آله هم صبر نمود تا او را بامور بزرگی نسبت دادند و متهم کردند (مانند سحر و جنون و کذب) او دل‌تنگ شد، خدای عز و جل این آیه نازل فرمود: «ما میدانیم که تو سینه‌ات از آنچه میگویند تنگ می‌شود، با ستایش پروردگارت تسبیح گوی و از سجده گزاردن باشد، ۹۸ سوره ۱۵» سپس تکذیبش کردند و متهمس نمودند، از آنرو غمگین شد و خدای عز و جل نازل فرمود که: «ما میدانیم که سخنان آنها ترا غمگین میکند، آنها ترا تکذیب نمیکنند، بلکه ستمگران آیات خدا را انکار میکنند پیش از تو نیز پیغمبرانی تکذیب شدند و بر تکذیب شدن و اذیت دیدن صبر کردند تا نصرت ما بآنها رسید ۳۴- سوره ۶».

پس پیغمبر صلی الله علیه و آله خود را بصبر ملزم ساخت، تا آنها تجاوز کردند و خدای تبارک و تعالی را بزبان آوردند و او را تکذیب کردند، پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: در باره خودم و خاندان و آبرویم صبر کردم، ولی نسبت بیدگفتن بمعبودم صبر ندارم، خدای عز و جل نازل فرمود که: «ما آسمانها و زمین و فضا را در شش روز آفریدم و هیچ خستگی بما نرسد بر آنچه میگویند صبر کن، ۳۸ سوره ۵۰».

پس پیغمبر صلی الله علیه و آله در همه احوال صبر کرد، تا بامان از عترتش باو مؤده دادند و آنها را بصبر معرفی کردند و خدا- جل ثناء- فرمود: «چون صابر بودند و بآیات ما یقین داشتند، ایشان را پیشوایانی ساختیم که بامر ما هدایت کنند، ۲۴ سوره ۳۲» در این هنگام پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود:

صبر نسبت بایمان مانند سر است نسبت بتن، پس خدای عز و جل هم از صبر او شکرگزاری کرد و نازل فرمود

«کلمه نیکوی پروردگارت در باره پسران اسرائیل پاداش صبری که کرده بودند، انجام یافت و آنچه را فرعون و قومش میساختند و (اشجار و کاخهایی که) بر می‌افراشتند. و ازگون کردیم ۱۳۷ سوره ۷».

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: این بشارتست و انتقام، پس خدای عز و جل نبرد و کشتار مشرکین را باو اجازه فرمود و نازل کرد که: «مشرکان را هر کجا یافتید بکشید و بگیرید و محاصره کنید، و در هر کمینگاهی سر راهشان بنشینید، ۶ سوره ۹» «آنها را بکشید هر کجا یافتید، ۱۹۱ سوره» پس خدا آنها را بدست پیغمبر صلی الله علیه و آله و دوستانش بکشت و آن را پاداش صبرش قرار داد، علاوه بر آنچه در آخرت برایش ذخیره کرد، پس هر که صبر کند و بحساب خدا گذارد، از دنیا نرود تا آنکه خدا چشمش را در باره (سرکوبی) دشمنانش روشن کند، علاوه بر آنچه در آخرت برایش ذخیره کند.

۴- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ عَبْدِ اللَّهِ السَّرَّاجِ رَفَعَهُ إِلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ع قَالَ: الصَّبْرُ مِنَ الْإِيمَانِ بِمَنْزِلَةِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ وَ لَا إِيْمَانٌ لِمَنْ لَا صَبْرَ لَهُ. على بن الحسين عليهما السلام فرمود: صبر نسبت بايمان مانند سر است نسبت بدن، و هر که صبر ندارد ايمان ندارد.

۵- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ رِئَعِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ فَضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الصَّبْرُ مِنَ الْإِيمَانِ بِمَنْزِلَةِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ فَإِذَا ذَهَبَ الرَّأْسُ ذَهَبَ الْجَسَدُ كَذَلِكَ إِذَا ذَهَبَ الصَّبْرُ ذَهَبَ الْإِيمَانُ. امام صادق عليه السلام فرمود: صبر نسبت بايمان مانند سر است نسبت به تن، هر گاه سر برود تن ميرود، همچنين هر گاه صبر برود ايمان ميرود.

۶- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ إِنَّ الْخُرَّ حُرٌّ عَلَى جَمِيعِ أَحْوَالِهِ إِنْ نَابَتْهُ نَائِبَةٌ صَبَرَ لَهَا وَ إِنْ تَدَاكَتْ عَلَيْهِ الْمَصَائِبُ^۱ لَمْ تَكْسِرْهُ وَ إِنْ أُسِرَ أُسِرَ وَ فَهِرَ وَ اسْتَبْدَلَ بِالْبَيْسِ عُسْرًا^۲ كَمَا كَانَ يُوسُفُ الصَّدِيقُ الْأَمِينُ ص لَمْ يَضْرُرْ حُرَّتَهُ أَنْ اسْتُعِيدَ وَ فَهِرَ وَ أُسِرَ وَ لَمْ تَضُرَّهُ ظُلْمَةُ الْجُبِّ وَ وَحْشَتُهُ^۳ وَ مَا نَالَهُ أَنْ مَنْ اللَّهُ عَلَيْهِ فَجَعَلَ الْجُبَّارَ الْعَائِي لَه عَبْدًا بَعْدَ إِذْ كَانَ لَهُ مَالِكًا فَأَرْسَلَهُ وَ رَحِمَ بِهِ أُمَّةً وَ كَذَلِكَ الصَّبْرُ يُعَقِّبُ خَيْرًا فَاصْبِرُوا وَ وَطَّنُوا أَنْفُسَكُمْ عَلَى الصَّبْرِ تُوَجَّرُوا. ابو بصير گوید شنيدم امام صادق عليه السلام مي فرمود: آزاد مرد در همه احوال آزاد مرد است اگر گرفتاری برایش پيش آيد، صبر کند، و اگر مصيبتها بر سرش ريزد، او را شکسته نکند، اگر چه اسير شود و مغلوب گردد و سختی جايگزين آسائشش شود، چنان که يوسف صديق امين ص لَمْ يَضْرُرْ حُرَّتَهُ أَنْ اسْتُعِيدَ وَ فَهِرَ وَ أُسِرَ وَ لَمْ تَضُرَّهُ ظُلْمَةُ الْجُبِّ وَ وَحْشَتُهُ، و تاريکی و ترس چاه و آنچه بر سرش آمد زيانش نزد خدا بر او منت گذارد و ستمگر سرکش را بنده او کرد، بعد از آنکه مالک او بود، خدا او را برسالت فرستاد و بسبب او بامتی رحم کرد، صبر اين چنين است، و خير در پی دارد، پس شکیبا باشید و دل بشکيبائی دهيد تا پاداش بينيد.

۷- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ حَمْرَةَ بْنِ حُمُرَانَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: الْجِنَّةُ مَخْهُوفَةٌ بِالْمَكَارِهِ وَ الصَّبْرُ فَمَنْ صَبَرَ عَلَى الْمَكَارِهِ فِي الدُّنْيَا دَخَلَ الْجَنَّةَ وَ جَهَنَّمَ مَخْهُوفَةٌ بِاللَّذَاتِ وَ الشَّهَوَاتِ- فَمَنْ أُعْطِيَ^۴ آعْطَى نَفْسَهُ لَذَّتْهَا وَ شَهْوَتَهَا دَخَلَ النَّارَ. امام باقر عليه السلام فرمود: بهشت در میان ناگواریها و شکیبائی است، پس هر که در دنیا بر ناگواریها صبر کند بهشت رود و دوزخ در میان لذتها و شهوتهاست، پس هر که هر لذت و شهوتی را که دلش خواهد بخود رساند بدوزخ در آيد.

^۱ (۳) النوب: نزول الامر كالنوبة أي أصابته مصيبة.

^۲ (۴) تداكت: تداقت عليه مرة بعد اخرى. و التداكك: الازدحام. و أصل الدك: الكسر.

^۳ (۵) في بعض النسخ [بالعسر يسرا].

^۴ (۶) الجب: البئر.

^۵ (۷) حفه بالشيء كمدته: أحاط به.

۸- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ مَجْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَرْحُومٍ عَنْ أَبِي سَيَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا دَخَلَ الْمُؤْمِنُ فِي قَبْرِهِ كَانَتْ الصَّلَاةُ عَنْ يَمِينِهِ وَ الرَّكَاةُ عَنْ يَسَارِهِ وَ الْبِرُّ مُطْلَقٌ عَلَيْهِ^۱ وَ يَتَنَحَّى الصَّبْرُ نَاحِيَةً فَإِذَا دَخَلَ عَلَيْهِ الْمَلَكَانِ اللَّذَانِ يَلْيَانِ مُسَاءَلَتَهُ قَالَ الصَّبْرُ لِلصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ الْبِرِّ دُونَكُمْ صَاحِبِكُمْ فَإِنْ عَجَزْتُمْ عَنْهُ فَأَنَا دُونُهُ. امام صادق عليه السلام فرمود: چون مؤمن داخل قبر شود، نماز طرف راست و زکاة جانب چپش باشد و احسان بر سرش سایه افکند و صبر در طرفی دور از آنها باشد، چون دو فرشته‌ای که متصدی سؤال از او هستند بر او وارد شوند، صبر بنماز و زکاة و احسان گوید: مواظب رفیق خود باشید، اگر درمانده شدید من حاضرم،

۹- عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: دَخَلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ص الْمَسْجِدَ فَإِذَا هُوَ بِرَجُلٍ عَلَى بَابِ الْمَسْجِدِ كَثِيبٍ حَزِينٍ فَقَالَ لَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع مَا لَكَ قَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أُصِبتُ بِأَبِي [وَأُمِّي] وَ أَحْيِي وَ أَحْشَى أَنْ أَكُونَ قَدْ وَجِلْتُ^۲ فَقَالَ لَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع عَلَيْكَ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ الصَّبْرِ تَقَدَّمَ عَلَيْهِ عَدَاً وَ الصَّبْرُ فِي الْأُمُورِ بِمَنْزِلَةِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ فَإِذَا فَارَقَ الرَّأْسَ الْجَسَدُ فَسَدَ الْجَسَدُ وَ إِذَا فَارَقَ الصَّبْرُ الْأُمُورَ فَسَدَتِ الْأُمُورُ. امام صادق عليه السلام فرمود: امیر المؤمنین صلوات الله علیه بمسجد آمد، در مسجد مردی را دید اندوهگین و غمناکست، باو فرمود: ترا چه شده؟ عرضکرد: ای امیر مؤمنان؛ بمصیبت پدر [و مادر] و برادرم گرفتار شده‌ام و میترسم دق کنم. امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: تقوای خدا و شکیبائی پیشه کن تا فردا بر شکیبائی درآئی (پاداش آن را ببینی) و صبر در کارها مانند سر است نسبت بتن، چون سر از تن جدا شود بدن فاسد گردد، و چون صبر از کارها جدا شود. کارها فاسد شود.

۱۰- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ ع قَالَ: قَالَ لِي مَا حَبَسَكَ عَنِ الْحَجِّ قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَقَعَ عَلَيَّ دَيْنٌ كَثِيرٌ وَ ذَهَبَ مَالِي وَ دَيْنِي الَّذِي قَدْ لَزِمَنِي هُوَ أَعْظَمُ مِنْ ذَهَابِ مَالِي فَلَوْ لَا أَنَّ رَجُلًا مِنْ أَصْحَابِنَا أَخْرَجَنِي مَا قَدَرْتُ أَنْ أَخْرُجَ فَقَالَ لِي إِنْ تَصَبَّرْتَ تُعْتَبَطَ وَ إِلَّا تَصَبَّرَ يُنْفَذِ اللَّهُ مَقَادِيرَهُ رَاضِيًا كُنْتُ أُمَّ كَارِهًا. سماعة بن مهران گوید: حضرت ابو الحسن علیه السلام بمن فرمود: چه ترا از حج بازداشت؟

عرضکردم، قربانت گردم، بدهی بسیاری پیدا کردم و مالم از دست رفت و بدهی که گرد نگیرم شده از رفتن مالم سخت‌تر است، و اگر یکی از رفقایم مرا از خانه بیرون نمی‌آورد نمیتوانستم بیرون آم.

حضرت فرمود: اگر صبر کنی مورد غبطه قرار گیری (حال خوشی پیدا میکنی که مردم بتو رشک میبرند) و اگر صبر نکنی مقدرات خدا جاری گردد، چه تو راضی باشی یا ناراضی.

۱۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ عَنِ الْأَصْبَغِ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ الصَّبْرُ صَبْرَانِ صَبْرٌ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ حَسَنٌ جَمِيلٌ وَ أَحْسَنُ مِنْ ذَلِكَ الصَّبْرُ عِنْدَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْكَ وَ الذُّكْرُ ذِكْرَانِ ذِكْرٌ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ

^۱ (۱) في بعض النسخ [مطل] بالمهملة و اطل عليه: أشرف.

^۲ (۲) لعل المراد بخشية الوجع خوفاً أن يكون قد انشق مرارته من شدة ما أصابه من الالم أو المعنى أخشى أن يكون حزني بلغ حدا مذموماً شرعاً، فعبير عنه بالوجل.

عِنْدَ الْمُصِيبَةِ وَ أَفْضَلُ مَنْ ذَكَرَ اللَّهَ عِنْدَ مَا حَرَّمَ عَلَيْكَ فَيَكُونُ حَاجِزًا. امير المؤمنين صلوات الله عليه فرمود: صبر بر دو گونه است: صبر در مصیبت که نیکو و زیباست و نیکوتر از آن صبر و خود داری از چیز است که خدای عز و جل آن را بر تو حرام کرده.

و ذکر نیز بر دو گونه است: ذکر خدای عز و جل هنگام مصیبت و بهتر از آن ذکر و یاد خداست در آنچه بر تو حرام کرده، تا مانع تو شود.

۱۲- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ عَنِ الْعَزْمِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص سَيَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يُنَالُ الْمُلْكُ فِيهِ إِلَّا بِالْقَتْلِ وَ التَّجْبُرِ وَ لَا الْغِنَى إِلَّا بِالْغَضَبِ وَ الْبُخْلِ وَ لَا الْمَحَبَّةُ إِلَّا بِاسْتِخْرَاجِ الدِّينِ^۱ وَ اتِّبَاعِ الْهُوَى- فَمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ الزَّمَانَ فَصَبَرَ عَلَى الْفَقْرِ وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَى الْغِنَى وَ صَبَرَ عَلَى الْبِغْضَةِ^۲ وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَى الْمَحَبَّةِ وَ صَبَرَ عَلَى الدُّلِّ وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَى الْعِزِّ آتَاهُ اللَّهُ ثَوَابَ خَمْسِينَ صَدِيقًا مِمَّنْ صَدَقَ بِِي. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: زمانی برای مردم پیش آید که سلطنت جز بوسیله کشتن و ستمگری بدست نیاید و ثروت جز با غصب و بخل پیدا نشود و دوستی جز بوسیله بیرون بردن دین و پیروی هوس بدست نیاید، پس کسی که بآن زمان برسد و بر فقر صبر کند، با آنکه بر ثروت توانائی داشته باشد و بر دشمنی مردم صبر کند با آنکه بر دوستی توانا باشد (یعنی بتواند از راه از دست دادن دین و پیروی هوس جلب دوستی کند، ولی نکند) و بر ذلت صبر کند، با آنکه بر عزت توانا باشد، خدا ثواب پنجاه صدیق از تصدیق کنندگان مرا باو دهد.

۱۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ دُرُسْتِ بْنِ أَبِي مَنْصُورٍ عَنْ عِيْسَى بْنِ بَشِيرٍ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع لَمَّا حَضَرَتْ أَبِي عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ ع الْوَفَاةُ ضَمَّنِي إِلَى صَدْرِهِ وَ قَالَ يَا بُنَيَّ أَوْصِيكَ بِمَا أَوْصَانِي بِهِ أَبِي حِينَ حَضَرْتُهُ الْوَفَاةَ وَ بِمَا ذَكَرَ أَنَّ أَبَاهُ أَوْصَاهُ بِهِ يَا بُنَيَّ اصْبِرْ عَلَى الْحَقِّ وَ إِنْ كَانَ مُرًّا. امام باقر علیه السلام فرمود: چون وفات علی بن الحسین علیهما السلام فرا رسید، مرا بسینه خود چسبانید و فرمود: پسر جان، ترا بچیزی سفارش میکنم که پدرم هنگام وفاتش بمن سفارش کرد و گفت پدرش او را بآن وصیت فرموده است: ای پسر جان بر حق صبر کن اگر چه تلخ باشد.

۱۴- عَنْهُ^۳ عَنْ أَبِيهِ عَنِ يُوسُفَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ رَفَعَهُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: الصَّبْرُ صَبْرَانِ صَبْرٌ عَلَى الْبَلَاءِ حَسَنٌ جَمِيلٌ وَ أَفْضَلُ الصَّبْرَيْنِ الْوَرَعُ عَنِ الْمَحَارِمِ. امام باقر علیه السلام فرمود: صبر بر دو گونه است: صبر بر بلا که خوب و نیکو است، ولی بهترین این دو صبر پرهیز از محرمات است.

۱۵- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى قَالَ أَخْبَرَنِي يَحْيَى بْنُ سُلَيْمٍ الطَّائِفِيُّ قَالَ أَخْبَرَنِي عَمْرُو بْنُ شَمْرِ الْيَمَامِيُّ يَرْفَعُ الْحَدِيثَ إِلَى عَلِيٍّ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص الصَّبْرُ ثَلَاثَةٌ صَبْرٌ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ وَ صَبْرٌ عَلَى الطَّاعَةِ وَ صَبْرٌ عَنِ الْمَعْصِيَةِ^۴ فَمَنْ صَبَرَ عَلَى

^۱ (۱) أي طلب خروج الدين من القلب أو بطلب خروجهم من الدين (آت).

^۲ (۲) أي بغضه الناس له لعدم اتباعه أهواءهم.

^۳ (۳) الضمير راجع إلى أحمد فتسحب عليه العدة (آت).

^۴ (۴) في بعض النسخ [على المعصية].

المُصِيبَةِ حَتَّى يَزِدَّهَا بِحُسْنِ عَزَائِهَا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ ثَلَاثَمِائَةَ دَرَجَةٍ مَا بَيْنَ الدَّرَجَةِ إِلَى الدَّرَجَةِ كَمَا بَيْنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ وَ مَنْ صَبَرَ عَلَى الطَّاعَةِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ سِتِّمِائَةَ دَرَجَةٍ مَا بَيْنَ الدَّرَجَةِ إِلَى الدَّرَجَةِ كَمَا بَيْنَ تُحُومِ الْأَرْضِ إِلَى الْعَرْشِ وَ مَنْ صَبَرَ عَنِ الْمَعْصِيَةِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ تِسْعَمِائَةَ دَرَجَةٍ مَا بَيْنَ الدَّرَجَةِ إِلَى الدَّرَجَةِ كَمَا بَيْنَ تُحُومِ الْأَرْضِ إِلَى مُنْتَهَى الْعَرْشِ. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:، صبر بر سه قسم است: صبر در مصیبت و صبر بر طاعت و صبر از گناه، پس هر که بر مصیبت صبر کند تا آن را با تسلی خوبی رد کند، خدا برایش ۳۰۰ درجه نوپسد که میان هر درجه تا درجه دیگر باندازه فاصله میان آسمان و زمین باشد و هر که بر طاعت صبر کند خدا برایش ۶۰۰ درجه نوپسد که میان هر درجه تا درجه دیگر باندازه فاصله میان قعر زمین تا عرش باشد و هر که از گناه صبر کند، خدا برایش ۹۰۰ درجه نوپسد که میان هر دو درجه باندازه فاصله میان قعر زمین تا پایان عرش باشد.

۱۶- عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ: أَمَرَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع أَنْ آتِيَ الْمُفَضَّلَ وَ أُعَزِّبُهُ بِإِسْمَاعِيلَ وَ قَالَ أَقْرِي الْمُفَضَّلَ السَّلَامَ^۱ وَ قُلْ لَهُ إِنَّا قَدْ أَصَبْنَا بِإِسْمَاعِيلَ فَصَبْرْنَا فَاصْبِرْ كَمَا صَبْرْنَا إِنَّا أَرَدْنَا أَمْرًا وَ أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَمْرًا فَسَلَّمْنَا لِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ. يونس بن یعقوب گوید: امام صادق علیه السلام بمن امر فرمود: که نزد مفضل روم و او را در مرگ اسماعیل تسلیت گویم و فرمود: بمفضل سلام برسان و بگو: ما بمصیبت اسماعیل مبتلی شدیم و صبر کردیم، تو هم مانند ما صبر کن، ما چیزی خواستیم و خدای عز و جل چیز دیگری خواست (ما خواستیم اسماعیل وصی ما باشد و خدا خواست موسی بن جعفر علیه السلام باشد) پس ما تسلیم امر خدای عز و جل گشتیم.

۱۷- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ أَبِي حَمَزَةَ الثَّمَالِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع مَنْ ابْتُلِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ بِبَلَاءٍ فَصَبَرَ عَلَيْهِ كَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ أَلْفِ شَهِيدٍ. امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس از مؤمنین ببلائی گرفتار شود و صبر کند، برایش اجر هزار شهید باشد.

۱۸- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْعَمَ عَلَى قَوْمٍ فَلَمْ يَشْكُرُوا فَصَارَتْ عَلَيْهِمْ وَبَالًا وَ ابْتَلَى قَوْمًا بِالْمَصَائِبِ فَصَبَرُوا فَصَارَتْ عَلَيْهِمْ نِعْمَةً. و فرمود: همانا خدای عز و جل بر مردمی نعمت داد و آنها شکر نکردند تا وبال آنها شد، و مردمی را بمصیبتها مبتلی کرد و صبر کردند تا بر آنها نعمت شد.

۱۹- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ أَبَانَ بْنِ أَبِي مُسَافِرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا^۲ قَالَ اصْبِرُوا عَلَى الْمَصَائِبِ. امام صادق علیه السلام در باره قول خدای عز و جل: «شما که ایمان دارید، صبر کنید و با صبر غلبه جوئید» فرمود: بر مصیبتها صبر کنید.

^۱ (۵) فی الصحاح- التحم: منتهی کل قرية أو أرض و الجمع تحوم کفلس و فلوس.

^۲ (۱) الظاهر أنه مفضل بن عمر (آت).

^۳ (۲) آل عمران: ۲۰۰.

- وَ فِي رِوَايَةِ ابْنِ أَبِي يَعْمُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: صَابِرُوا عَلَى الْمَصَائِبِ فِي رِوَايَةِ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ اسْتِ كِه فَرَمُود: بَا صَبِر بَر مَصِيبَتَهَا غَلْبَهُ كَنِيد.

۲۰- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمِيلَةَ عَنْ جَدِّهِ أَبِي حَمِيلَةَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ قَالَ: لَوْ لَا أَنَّ الصَّبْرَ خُلِقَ قَبْلَ الْبَلَاءِ لَتَفَطَّرَ الْمُؤْمِنُ كَمَا تَتَفَطَّرُ الْبَيْضَةُ عَلَى الصَّفَا^۱. وَ فَرَمُود: اَكْر صَبِر پِيش از بِلَا اَفْرِيده نَشْدِه بُوْد مَوْْمَن مِيتْرَكِيد. چنان كه تخم مرغ روی سنگ خارا میتركد.

شرح

- از این روایت استفاده می شود که مؤمن زیاد بلا میبندد و صبر از لوازم ایمانست و مقاومت صبر از بلا بیشتر است

۲۱- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجُبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِنِّي جَعَلْتُ الدُّنْيَا بَيْنَ عِبَادِي قَرْضًا فَمَنْ أَقْرَضَنِي مِنْهَا قَرْضًا أَعْطَيْتُهُ بِكُلِّ وَاحِدَةٍ عَشْرًا إِلَى سَبْعِمِائَةٍ ضِعْفٍ وَ مَا شِئْتُ مِنْ ذَلِكَ وَ مَنْ لَمْ يُقْرِضَنِي مِنْهَا قَرْضًا فَأَخَذْتُ مِنْهُ شَيْئًا فَسَرًّا فَصَبْرٌ أَعْطَيْتُهُ ثَلَاثَ حِصَالٍ لَوْ أَعْطَيْتُ وَاحِدَةً مِنْهُمْ مَلَائِكَتِي لَرَضُوا بِهَا مِنِّي قَالَ ثُمَّ تَلَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع- قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ- الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ فَهَذِهِ وَاحِدَةٌ مِنْ ثَلَاثِ حِصَالٍ- وَ رَحْمَةٌ أَنْتَانِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ^۲ ثَلَاثٌ ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع هَذَا لِمَنْ أَخَذَ اللَّهُ مِنْهُ شَيْئًا فَسَرًّا. رَسُولُ خُدا صلی اللّٰه علیه و آله فرمود: خدای عز و جل فرماید: من دنیا را میان بندگانم برای اینکه بمن قرض دهند قرار دادم [قطعه قطعه کردم و میان آنها تقسیم نمودم] پس هر که از آن بمن قرضی دهد (مانند صدقه و هدیه و صلّه بامام) بجز واحدش ده تا هفتصد برابر و آنچه خواهم عطا کنم. و هر که بمن قرض ندهد و چیزی از او بر خلاف میلش بگیرم و او صبر کند سه خصلت باو دهم که اگر یکی از آنها را بفرشتگانم دهم. از من راضی شوند، سپس امام صادق علیه السلام این قول خدای عز و جل را تلاوت فرمود «آنها که چون مصیبتی بدیشان رسد، گویند: ما متعلق بخدائیم و بسوی او باز میگردیم، برای آنها رحمتهایی از پروردگارشانست ۱۵۶ سوره ۲» این یکی از آن ۳ خصلت است و «رحمت» دومی آنها و «ایشانند هدایت شدگان» سومی آنهاست.

امام صادق علیه السلام فرمود: این برای کسی است که خدا چیزی را از او بر خلاف میلش بگیرد.

۲۲- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ الْقَاسِمِيِّ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ عَنْ يَحْيَى بْنِ آدَمَ عَنْ شَرِيكِ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: مُرُوهُ الصَّبْرُ^۳ فِي حَالِ الْحَاجَةِ وَ الْفَاقَةِ وَ التَّعْفُفِ وَ الْعَيْ^۴ أَكْثَرُ مِنْ مُرُوَةِ الْإِعْطَاءِ. امام باقر

^۱ (۴) الفطر: الشق، يقال: فطره فانفطر و تفطر. و الصفا: جمع الصفاة و هي الصلدة الضخم.

^۲ (۱) البقرة: ۱۷۵.

^۳ (۲) في بعض النسخ [مرارة] في الموضوعين.

^۴ (۳) في بعض النسخ [العناء] بالمهمله.

علیه السلام فرمود: جوانمردی صبر در حالت نیازمندی و فقر و آبرو نگهداشتن و ثروتمندی [رنج بردن] بیشتر از جوانمردی بخشش است.

۲۳- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجُبَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرٍ عَنْ جَابِرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ ع يَرْحَمُكَ اللَّهُ مَا الصَّبْرُ الْجَمِيلُ قَالَ ذَلِكَ صَبْرٌ لَيْسَ فِيهِ شَكْوَى إِلَى النَّاسِ. جابر گوید بامام باقر علیه السلام عرض کردم: صبر جمیل چیست؟ فرمود: صبوری که با آن شکایت مردم نباشد.

۲۴- حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَيَابَةَ عَنْ أَبِي التُّعْمَانِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ أَوْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: مَنْ لَا يُعِدُّ الصَّبْرَ لِنَوَائِبِ الدَّهْرِ يَعْجِزُ. امام صادق یا امام باقر علیهما السلام فرمود: کسی که صبر را برای مصیبت‌های روزگار آماده نکند، ناتوان گردد.

۲۵- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَائِ عَنِ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّا صَبْرٌ^۱ وَ شِيَعُنَا أَصْبِرُ مِنَّا قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ كَيْفَ صَارَ شِيَعَتُكُمْ أَصْبَرَ مِنْكُمْ قَالَ لِأَنَّا نَصْبِرُ عَلَى مَا نَعْلَمُ وَ شِيَعُنَا يَصْبِرُونَ عَلَى مَا لَا يَعْلَمُونَ. امام صادق علیه السلام فرمود: ما بردباریم و شیعیان ما از ما بردبارتر. راوی گوید:

بَابُ الشُّكْرِ

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ التَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص الطَّاعِمُ الشَّاكِرُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ كَأَجْرِ الصَّائِمِ الْمُحْتَسِبِ وَ الْمُعَافَى الشَّاكِرُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ كَأَجْرِ الْمُتَبَتَّلِي الصَّائِرِ وَ الْمُعْطَى الشَّاكِرُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ كَأَجْرِ الْمُخْرُومِ الْقَانِعِ. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خورنده سپاسگزار اجرش مانند روزه‌دار خداجوست، و تندرست شکرگزار اجرش مانند- اجر گرفتار صابر است و عطاکننده سپاسگزار اجرش مانند اجر محروم قانع است.

۲- وَ هَذَا الْإِسْنَادُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَى عَبْدٍ بَابَ شُكْرِ فَخَرَنَ عَنْهُ^۲ بَابُ الزِّيَادَةِ. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در سپاسگزاری بر وی بنده‌ئی گشوده نگردد که در افزایش برویش بسته شود (بلکه سپاسگزاری افزایش در پی دارد)

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْبَغْدَادِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ إِسْحَاقَ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَكْتُوبٌ فِي التَّوْرَةِ اشْكُرْ مَنْ أَنْعَمَ عَلَيْكَ وَ أَنْعِمْ عَلَى مَنْ شَكَرَكَ فَإِنَّهُ لَا زَوَالَ لِلنَّعْمَاءِ^۳ إِذَا شَكَرْتِ وَ لَا بَقَاءَ لَهَا إِذَا كُفِرْتَ الشُّكْرُ زِيَادَةٌ فِي النَّعْمِ وَ أَمَانٌ مِنَ الْعَيْرِ^۴. امام صادق علیه السلام فرمود: در تورات نوشته است: کسی که بتو نعمت داد سپاسش

^۱ (۴) بضم الصاد و تشدید الباء المفتوحة جمع الصابر.

^۲ (۱) في بعض النسخ [عليه].

^۳ (۲) في بعض النسخ [لا زوال من نعمائي]

^۴ (۳) يعني من التغيير، قال في النهاية في حديث الاستسقاء: من يكفر الله يلقى الغير أي تغير الحال و انتقالها من الصلاح إلى الفساد، و الغير الاسم من قولك غيرت الشيء فتغير (ق).

گزار و بکسی که از تو سپاسگزاری کرد نعمتش ده، زیرا با سپاسگزاری نعمتها نابود نگردد، و با ناسپاسی پایدار نماند، سپاسگزاری مایه افزایش نعمت است و ایمنی از دگرگونی.

۴- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سَبَاطٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ سَالِمٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ أَوْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الْمُعَايَةُ الشَّاكِرُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مَا لِلْمُبْتَلَى الصَّابِرِ وَالْمُعْطَى الشَّاكِرُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ كَالْمَحْرُومِ الْقَانِعِ. امام صادق علیه السلام فرمود: تندرست سپاسگزار اجرش، اجر گرفتار صابر است، و عطابخش سپاسگزار اجرش مانند محروم قانع است.

۵- عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ الْحُصَيْنِ عَنْ فَضْلِ بْنِ بَقْبَاقٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ- وَ أَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ^۱ قَالَ الَّذِي أَنْعَمَ عَلَيْكَ بِمَا فَضَّلَكَ وَ أَعْطَاكَ وَ أَحْسَنَ إِلَيْكَ ثُمَّ قَالَ فَحَدِّثْ بِدِينِهِ وَ مَا أَعْطَاهُ اللَّهُ وَ مَا أَنْعَمَ بِهِ عَلَيْهِ. فضل بن بقباک گوید: از امام صادق علیه السلام قول خدای عز و جل را: «و امام نعمت پروردگارت را بازگو» پرسیدم، فرمود: یعنی آن کس که بدان چه بر تربت بخشیده و بتو عطا فرموده و احسان کرده بتو نعمت داده، سپس فرمود: دین او و آنچه بتو عطا فرموده و نعمت داده بازگو.

۶- حُمَيْدُ بْنُ زَيْدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ وَهَيْبِ بْنِ حَفْصِ بْنِ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص عِنْدَ عَائِشَةَ لَيْلَتَهَا فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ لِمَ تُتَعَبُ نَفْسَكَ وَ قَدْ عَفَرَ اللَّهُ لَكَ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ فَقَالَ يَا عَائِشَةُ أَلَا أَكُونُ عَبْدًا شَكُورًا قَالَ وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَقُومُ عَلَى أَطْرَافِ أَصَابِعِ رِجْلَيْهِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى- طه ما أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْفَى^۲. امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله نزد عایشه بود، شبی که نوبت او بود، پیغمبر صلی الله علیه و آله گفت: ای رسول خدا! چرا خودت را برنج میاندازی، با آنکه خدا گناه گذشته و آینده ترا آمرزیده است؟ فرمود: ای عایشه: آیا من بنده سپاسگزار خدا نباشم؟.

و گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله روی انگشتهای پایش میایستاد تا خدای سبحانه و تعالی نازل فرمود: «طه ما قرآن را بر تو نازل نکردم که برنج افتی».

۷- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ حَسَنِ بْنِ جَهْمٍ عَنْ أَبِي الْيَقْظَانَ عَنِ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ الْوَلِيدِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ ثَلَاثٌ لَا يَصُرُّ مَعَهُنَّ شَيْءٌ الدُّعَاءُ عِنْدَ الْكَرْبِ وَ الْإِسْتِعْفَاءُ عِنْدَ الذَّنْبِ وَ الشُّكْرُ عِنْدَ النِّعْمَةِ. شنیدم امام صادق علیه السلام میفرمود: سه چیز است که هیچ چیز با وجود آنها زیان نرساند: دعاء هنگام گرفتاری و آمرزش خواهی هنگام گناه و سپاسگزاری هنگام نعمت.

^۱ (۴) الضحی: ۱۱.

^۲ (۱) طه: ۱ و ۲.

۸- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ الْمُبَارَكِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ أُعْطِيَ الشُّكْرَ أُعْطِيَ الرِّيَادَةَ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ - لَيْنٌ شَكَرْتُمْ لِأَزِيدَنَّكُمْ^۱. امام صادق عليه السلام فرمود: کسی که سپاسگزاری دادند، افزایش دادند خدای عز و جل فرماید:

«اگر شکر کنید، افزایشتان دهیم.»

۹- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجُبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ رَجُلَيْنِ مِنْ أَصْحَابِنَا سَمِعَاهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَى عَبْدٍ مِنْ نِعْمَةٍ فَعَرَفَهَا بِقَلْبِهِ وَحَمَدَ اللَّهَ ظَاهِرًا بِلِسَانِهِ فَتَمَّ كَلَامُهُ حَتَّى يُؤَمَّرَ لَهُ بِالْمَرِيدِ. امام صادق عليه السلام فرمود: خدا نعمتی به بنده‌ئی نداد که از صمیم قلب آن را شناسد و در ظاهر با زبان خدا را ستایش کند و سخنش تمام شود، جز آنکه برایش بافرونی امر شود.

۱۰- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ هِشَامٍ عَنْ مُيَسَّرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: شُكْرُ النِّعْمَةِ اجْتِنَابُ الْمَحَارِمِ وَتَمَامُ الشُّكْرِ قَوْلُ الرَّجُلِ - الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ*^۲. امام صادق عليه السلام فرمود: شکر نعمت دوری از محرماتست و تمام شکر

الحمد لله رب العالمين

گفتن مرد است.

۱۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُيَيْنَةَ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَرِيدٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ شُكْرُ كُلِّ نِعْمَةٍ وَإِنْ عَظُمَتْ أَنْ تَحْمَدَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهَا^۳. شنیدم امام صادق عليه السلام میفرمود: شکر هر نعمتی اگر چه بزرگ باشد اینست که خدای عز و جل را بر آن سپاس گوئی.

۱۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ أَبِي بصيرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأبي عَبْدِ اللَّهِ ع هَلْ لِلشُّكْرِ حَدٌّ إِذَا فَعَلَهُ الْعَبْدُ كَانَ شَاكِرًا قَالَ نَعَمْ قُلْتُ مَا هُوَ قَالَ يَحْمَدُ اللَّهَ عَلَى كُلِّ نِعْمَةٍ عَلَيْهِ فِي أَهْلِ وَ مَالٍ وَإِنْ كَانَ فِيمَا أَنْعَمَ عَلَيْهِ فِي مَالِهِ حَقٌّ أَذَاهُ وَ مِنْهُ قَوْلُهُ جَلَّ وَ عَزَّ - سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَ مَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ^۴ وَ مِنْهُ قَوْلُهُ تَعَالَى - رَبِّ أَنْزِلْنِي مُنْزَلًا مُبَارَكًا وَ أَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ^۵ وَ قَوْلُهُ - رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَ أَخْرِجْنِي مَخْرَجَ صِدْقٍ وَ اجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا^۶. ابو بصير گوید: بامام صادق عليه السلام عرض کردم: آیا برای شکر حدی است که چون بنده انجام دهد، شاکر

^۱ (۲) إبراهيم ۷

^۲ (۳) في بعض النسخ [أن يحمد الله عزَّ و جلَّ عليها].

^۳ (۱) الزخرف: ۱۳.

^۴ (۲) المؤمنون: ۹۲.

^۵ (۳) الإسراء: ۸۰. و قوله عليه السلام: منه قوله جل و عزَّ سبحان الذي الآية. يعنى و من الحق الذي يجب أداؤه فيما أنعم الله عليه أن يقول عند ركوب الفلك أو الدابة اللتين أنعم الله بهما عليه ما قاله سبحانه تعليماً لعباده و إرشاداً لهم حيث قال عزَّ و جلَّ: «إِنَّكَ وَ جَعَلْ لَكُمْ مِنَ الْفُلْكِ وَ الْأَنْعَامِ مَا تَرْجُونَ E لتستوا على ظهوره»، ثم تذكروا نعمة ربكم إذا استويتم عليه و تقولوا: «إِنَّكَ

محسوب شود؟ فرمود: آری، عرضکردم: کدامست؟ فرمود: خدا را بر هر نعمتی که نسبت بخانواده و مال او داده سپاس میگویند، و اگر برای خدا در نعمتی که نسبت بمال او داده حقی باشد بپردازد، و از این بابست قول خدای جل و عز: «منزه باد خدائی که این (مرکوب) را مسخر ما کرد که ما تاب آن را نداشتیم، ۱۳ سوره ۴۳» و از این بابست قول خدای تعالی: «پروردگارا! مرا بمنزلی مبارک فرمود آر که تو بهترین منزل دهانی ۲۹ سوره ۲۳» و قول خدای تعالی: پروردگارا! مرا درون بر، درون بردنی نیک و برون بر برون بردنی نیک، و برای من از نزد خویش دلیل و تسلطی نصرت آور مقرر دار، ۸۰ سوره ۱۷».

۱۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَادٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ يَقُولُ مَنْ حَمَدَ اللَّهَ عَلَى النِّعْمَةِ فَقَدْ شَكَرَهُ وَ كَانَ الْحَمْدُ أَفْضَلَ مِنْ تِلْكَ النِّعْمَةِ. معمر بن خلاء گوید: شنیدم حضرت ابو الحسن صلوات الله عليه میفرمود: هر که حمد خدا را بر نعمتی کند، او را شکر نموده و حمد از آن نعمت برتر است.

۱۴- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ لِي مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَى عَبْدٍ بِنِعْمَةٍ صَغُرَتْ أَوْ كَبُرَتْ فَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ إِلَّا أَدَّى شُكْرَهَا. صفوان جمال گوید: امام صادق علیه السلام بمن فرمود: خدا نعمتی کوچک یا بزرگ به بندهئی ندهد که او بگوید: الحمد لله جز آنکه شکرش را ادا کرده باشد.

۱۵- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ عِيسَى بْنِ أَيُّوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزَبَارَ عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَبِي الْحَسَنِ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِنِعْمَةٍ فَعَرَفَهَا بِقَلْبِهِ فَقَدْ أَدَّى شُكْرَهَا. امام صادق علیه السلام فرمود: هر که خدا باو نعمتی دهد و او آن را از دل بفهمد، شکرش را ادا کرده است.

۱۶- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ يُونُسَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ لِيَشْرَبُ الشَّرْبَةَ مِنَ الْمَاءِ فَيُوجِبُ اللَّهُ لَهُ بِهَا الْجَنَّةَ ثُمَّ قَالَ إِنَّهُ لَيَأْخُذُ الْإِنَاءَ فَيَضَعُهُ عَلَى فِيهِ فَيَسْمِي^۱ - ثُمَّ يَشْرَبُ فَيَنْحِيهِ وَ هُوَ يَشْتَهِيهِ فَيَحْمَدُ اللَّهَ ثُمَّ يَعُودُ فَيَشْرَبُ ثُمَّ يَنْحِيهِ فَيَحْمَدُ اللَّهَ ثُمَّ يَعُودُ فَيَشْرَبُ ثُمَّ يَنْحِيهِ فَيَحْمَدُ اللَّهَ فَيُوجِبُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهَا لَهُ الْجَنَّةَ. امام صادق علیه السلام فرمود: مردی از شما شربتی آب مینوشد و خدا بهشت را بدان سبب برای او واجب میکند، سپس فرمود: او ظرف را بر دهانش میگذارد و بسم الله میگوید و آنگاه می آشامد سپس دور میرد با آنکه اشتها دارد، پس خدا را حمد میکند، باز برمیگردد و می آشامد، دوباره دور میرد و حمد خدا میگوید سپس برمیگردد و می آشامد، باز دور میرد و حمد خدا میکند، خدای عز و جل بهشت را بدین سبب برایش واجب میکند.

۱۷- ابْنُ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَرِيدَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع إِنِّي سَأَلْتُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يَرْزُقَنِي مَالًا وَ فَرَزَقَنِي وَ إِنِّي سَأَلْتُ اللَّهَ أَنْ يَرْزُقَنِي وَ لَدَا فَرَزَقَنِي وَ لَدَا وَ سَأَلْتُهُ أَنْ يَرْزُقَنِي دَارًا فَرَزَقَنِي وَ قَدْ حِفْتُ أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ اسْتِدْرَاجًا فَقَالَ أَمَا وَ

شَبَّاحُ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَ مَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ» E\ اى مطيقين و ان يقول عند نزوله من أحدهما: «إِنَّ رَبَّ أُنزِلُنِي مُنْزِلًا مُبَارَكًا وَ أَنْتَ خَيْرُ الْمُتَزَلِّينَ» E\ و ان يقول عند دخوله الدار أو البيت، «إِنَّ رَبَّ أَدْخَلَنِي مُدْخَلًا صِدْقٍ وَ أَخْرَجَنِي مُخْرَجٍ صِدْقٍ وَ اجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا». E\

^۱ (۴) التسمية أن يقول: بسم الله الرحمن الرحيم.

^۲ (۱) في القاموس استدراجه: خدعه و أدناه كدرجه. و استدراجه تعالی العبد أنه كلما جدد خطيئة جدد له نعمة و أنساه الاستغفار، أو أن يأخذ قليلا قليلا و لا يباغته و البغته: الفجأة.

اللَّهُ مَعَ الْحَمْدِ فَلَا. عمر بن یزید گوید: بامام صادق علیه السلام عرضکردم: من از خدای عز و جل مال خواستم بمن روزی کرد و باز از او فرزند خواستم، بمن روزی کرد، و از او خواستم بمن بمنزل دهد، روزی کرد، میترسم از اینکه این استدراج باشد، فرمود: امام بخدا با سپاسگزاری استدراج نیست.

شرح

- استدراج اشاره بآیه شریفه **سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ** دارد. مجمع البحرین در معنی آیه گوید: یعنی آنها را اندک اندک میگیریم و ناگهان گرفتارشان نمیکنیم، مانند کسی که از نردبان درجه بدرجه یعنی پله پله بالا میرود تا به پله بالا رسد و استدراج خدا نسبت به بنده اینست که هر گاه گناه تازهئی کند خدا باو نعمت تازهئی دهد و توبه و استغفار را از یاد او ببرد.

۱۸- **الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَثْمَانَ قَالَ: خَرَجَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع مِنَ الْمَسْجِدِ وَ قَدْ ضَاعَتْ دَابَّتُهُ فَقَالَ لَيْنَ رَدَّهَا اللَّهُ عَلَيَّ لِأَشْكُرَنَّ اللَّهَ حَقَّ شُكْرِهِ قَالَ فَمَا لَبِثَ أَنْ أُتِيَ بِهَا فَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ فَقَالَ لَهُ قَائِلٌ جُعِلَتْ فِدَاكَ أَلَيْسَ قُلْتَ لِأَشْكُرَنَّ اللَّهَ حَقَّ شُكْرِهِ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع أَمْ لَمْ تَسْمَعْنِي قُلْتُ الْحَمْدُ لِلَّهِ.** امام صادق علیه السلام از مسجد بیرون آمد، دید مرکوبش گم شده است. فرمود: اگر خدا آن را بمن برگرداند، حق شکرش را میگذارم. چیزی نگذشت که آن را آوردند. امام فرمود: الحمد لله شخصی عرضکرد: قربانت مگر نفرمودی حق شکر خدا را میگذارم؟ فرمود: مگر نشنیدی گفتم الحمد لله (یعنی باگفتن همین کلمه حق شکرگزاری خدا انجام می شود).

۱۹- **مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنِ الْمُتَنَّى الْحَنَاطِ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا وَرَدَ عَلَيْهِ أَمْرٌ يَسُرُّهُ قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى هَذِهِ النَّعْمَةِ وَ إِذَا وَرَدَ عَلَيْهِ أَمْرٌ يَغْتَمُّ بِهِ قَالَ- الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ.** امام صادق علیه السلام فرمود: مرسوم رسول خدا صلی الله علیه و آله این بود که هر گاه امری شادمانش میساخت، میفرمود: خدا را شکر بر این نعمت و چون پیش آمدی میکرد که اندوهگینش مینمود میفرمود: خدا را شکر در هر حال.

شرح

- علامه مجلسی (ره) نقل کند که در هر بلا و مصیبتی پنج نوع شکر است:

۱- هر مصیبتی دافع مصیبت بزرگتر از خود است، چنانچه مردن مرکوب دافع مردن خود انسانست و جای شکرش باقی است.

۲- هر بلائی موجب کفاره گناه یا رفعت درجه می شود پس سزاوار شکر است.

۳- مصیبت و بلای دنیوی در برابر بلای دینی کوچک و سبک است چنان که مردی کور و جذامی و پیس و فلج در زمان حضرت عیسی میگفت خدا را شکر که مرا ببلاء بیشتر مردم گرفتار نکرد، چون حضرت عیسی از او توضیح خواست گفت: بزرگترین بلاها بلای کفر و بی‌ایمانیست که من ندارم.

۴- هر بلائی در لوح محفوظ نوشته و مقدر است و ناچار بر سر انسان خواهد آمد، چون آمد و گذشت باید خدا را شکر کرد.

۵- هر بلائی موجب ثواب آخرت و رفتن محبت دنیا از دلست و آن سزاوار شکر است.

۲۰- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخُزَّازِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: تَقُولُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ إِذَا نَظَرْتَ إِلَى الْمُبْتَلَى مِنْ غَيْرِ أَنْ تُسْمِعَهُ- الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَافَانِي مِمَّا ابْتَلَاكَ بِهِ وَ لَوْ شَاءَ فَعَلَّ قَالَ مَنْ قَالَ ذَلِكَ لَمْ يُصِبْهُ ذَلِكَ الْبَلَاءُ أَبَدًا. امام باقر علیه السلام فرمود: چون شخص گرفتار و دردمندی را دیدی، بنحوی که او نشنود (و دل شکسته نگردد) سه بار بگو: حمد خدائی را که مرا از آنچه ترا مبتلی ساخته معاف داشت و اگر میخواست میکرد، سپس فرمود: هر که این را بگوید آن بلا باو نرسد.

۲۱- حُمَيْدُ بْنُ زَيْدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ عَبَّادِ بْنِ وَاحِدٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ حَفْصِ الْكُنَاسِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَا مِنْ عَبْدٍ يَرَى مُبْتَلَى فَيَقُولُ- الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَدَلَ عَنِّي مَا ابْتَلَاكَ بِهِ وَ فَضَّلَنِي عَلَيْكَ بِالْعَافِيَةِ اللَّهُمَّ عَافِنِي مِمَّا ابْتَلَيْتَهُ بِهِ إِلَّا لَمْ يُبْتَلْ بِذَلِكَ الْبَلَاءِ. امام صادق علیه السلام فرمود: هر بنده‌ئی که گرفتار و دردمندی را ببیند و بگوید: «حمد خدائی را که آنچه ترا بدان مبتلی ساخت از من بگردانید و بسبب عافیت مرا بر تو برتری داد، بار خدایا مرا از آنچه گرفتارش ساختی برکنار دار» خدا او را بآن بلا گرفتار نسازد.

۲۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ خَالِدِ بْنِ بَجِيحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا رَأَيْتَ الرَّجُلَ وَ قَدِ ابْتُلِيَ وَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْكَ فَقُلْ- اللَّهُمَّ إِنِّي لَا أَسْخَرُ وَ لَا أَفْخَرُ^۱ وَ لَكِنْ أَحْمَدُكَ عَلَى عَظِيمِ نِعْمَتِكَ عَلَيَّ. و فرمود: چون مرد گرفتاری را دیدی و خدا بر تو نعمت داده بود (بسلامتی از آن) بگو بار خدایا! من مسخره نمیکنم و نمیالم، بلکه ترا برای نعمتهای بزرگت نسبت بخود میستایم

۲۳- عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ هَارُونَ بْنِ الْجُهْمِ عَنْ حَفْصِ بْنِ عُمَرَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولَ اللَّهِ ص إِذَا رَأَيْتُمْ أَهْلَ الْبَلَاءِ فَاحْمَدُوا اللَّهَ وَ لَا تُسْمِعُوهُمْ فَإِنَّ ذَلِكَ يَجْزِيهِمْ. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: چون گرفتاران را دیدید، خدا را شکر کنید و با آنها نشنوانید (آهسته بگوئید) زیرا اندوهگینشان میسازد.

^۱ (۱) یعنی لا أسخر من هذا المبتلى بابتلايه بذلك و لا أفخر عليه ببراءتي منه (فی).

۲۴- عَنْهُ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص كَانَ فِي سَفَرٍ يَسِيرُ عَلَى نَاقَةٍ لَهُ إِذَا نَزَلَ فَسَجَدَ خَمْسَ سَجَدَاتٍ فَلَمَّا أَنْ رَكِبَ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّا رَأَيْنَاكَ صَنَعْتَ شَيْئًا لَمْ تَصْنَعْهُ فَقَالَ نَعَمْ اسْتَقْبَلَنِي جَبْرِئِيلُ ع فَبَشَّرَنِي بِبِشَارَاتٍ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَسَجَدْتُ لِلَّهِ شُكْرًا لِكُلِّ بُشْرَى سَجَدَهُ. امام صادق عليه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله برای سفر کوتاهی بر شتر ماده خویش سوار بود [در سفری بر شتر ماده خویش نشسته راه میپیمود] ناگاه فرود آمد و پنج سجده کرد، چون سوار شد، اصحاب عرضکردند: یا رسول الله! شما را دیدم کاری کردی که تا کنون نکرده بودی؟

فرمود: آری، جبرئیل علیه السلام پیشم آمد و از جانب خدای عز و جل بمن مژده‌هایی داد، من برای هر مژده يك سجده شکر برای خدا نمودم.

۲۵- عَنْهُ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا ذَكَرَ أَحَدُكُمْ نِعْمَةَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَلْيَضَعْ خَدَّهُ عَلَى الثَّرَابِ شُكْرًا لِلَّهِ فَإِنْ كَانَ رَاكِبًا فَلْيَنْزِلْ فَلْيَضَعْ خَدَّهُ عَلَى الثَّرَابِ وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ يَقْدِرُ عَلَى التَّوَلُّوْلِ لِلشُّهُرَةِ فَلْيَضَعْ خَدَّهُ عَلَى قَرْنُوسِهِ وَ إِنْ لَمْ يَقْدِرْ فَلْيَضَعْ خَدَّهُ عَلَى كَفِّهِ^۱ ثُمَّ لِيُحْمَدِ اللَّهُ عَلَى مَا أَنْعَمَ عَلَيْهِ. امام صادق عليه السلام فرمود: هر گاه یکی از شما نعمت خدای عز و جل را بیاد آورد، باید برای شکر خدا چهره روی خاک گذارد و اگر سوار است باید پیاده شود و چهره روی خاک گذارد و اگر از بیم شهرت نتواند پیاده شود چهره روی کوهه زین گذارد، و اگر نتواند، چهره بر کف دست گذارد، سپس خدا را بر نعمتی که باو داده حمد کند.

۲۶- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ هِشَامِ بْنِ أَحْمَرَ قَالَ: كُنْتُ أَسِيرُ مَعَ أَبِي الْحَسَنِ ع فِي بَعْضِ أَطْرَافِ الْمَدِينَةِ إِذْ تَنَّى رِجْلَهُ عَنْ دَائِبَتِهِ فَخَرَّ سَاجِدًا فَأَطَالَ وَ أَطَالَ ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ وَ رَكِبَ دَائِبَتَهُ فَقُلْتُ جَعَلْتُ فِدَاكَ قَدْ أَطَلْتَ السُّجُودَ فَقَالَ إِنِّي ذَكَرْتُ نِعْمَةَ اللَّهِ بِهَا عَلَيَّ فَأَحْبَبْتُ أَنْ أَشْكُرَ رَبِّي. هشام بن احمر گوید، همراه حضرت ابی الحسن علیه السلام اطراف مدینه سیر میکردم، ناگاه حضرت از بالای مرکب زانو خم کرد و بسجده افتاد و مدتی طول داد، سپس سر بلند کرد و سوار شد، من عرضکردم قربانت گردم، سجده طولانی کردی؟ فرمود: بیاد نعمتی افتادم که خدا بمن عطا فرموده، دوست داشتم پروردگارم را شکر گزارم.

۲۷- عَلِيُّ بْنُ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَاحِبِ السَّابِرِيِّ فِيْمَا أَعْلَمُ أَوْ غَيْرِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: فِيْمَا أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَى مُوسَى ع يَا مُوسَى اشْكُرْنِي حَقَّ شُكْرِي فَقَالَ يَا رَبَّ وَ كَيْفَ أَشْكُرُكَ حَقَّ شُكْرِكَ وَ لَيْسَ مِنْ شُكْرٍ أَشْكُرُكَ بِهِ إِلَّا وَ أَنْتَ أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ قَالَ يَا مُوسَى الْآنَ شَكَرْتَنِي حِينَ عَلِمْتَ أَنَّ ذَلِكَ مِنِّي. امام صادق عليه السلام فرمود: در ضمن آنچه خدای عز و جل بموسی علیه السلام وحی فرمود این بود:

^۱ (۲) في بعض النسخ [فليضع كفه على خده]

ای موسی: مرا چنان که سزاوار است شکرگزار، عرضکرد: پروردگارا! ترا چگونه چنان که سزاوار است شکر گزارم، در صورتی که هر شکری که ترا نمایم، آن هم نعمتی است که تو بمن عطا فرموده‌ئی؟

فرمود: ای موسی! اکنون که دانستی آن شکرگزاری هم از من است، مرا شکر کردی (چنان که سزاوار من است).

۲۸- ابْنُ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ ابْنِ رَبِابٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ الْفَضْلِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِذَا أَصْبَحْتَ وَ أَمْسَيْتَ فَقُلْ عَشْرَ مَرَّاتٍ - اللَّهُمَّ مَا أَصْبَحْتَ بِي مِنْ نِعْمَةٍ أَوْ عَافِيَةٍ مِنْ دِينٍ أَوْ دُنْيَا فَمِنْكَ وَحَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَكَ الْحَمْدُ وَ لَكَ الشُّكْرُ بِهَا عَلَيَّ يَا رَبِّ حَتَّى تَرْضَى وَ بَعْدَ الرِّضَا فَإِنَّكَ إِذَا قُلْتَ ذَلِكَ كُنْتَ قَدْ أَدَيْتَ شُكْرَ مَا أَنْعَمَ اللَّهُ بِهِ عَلَيْكَ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ وَ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ. امام صادق علیه السلام فرمود: در هر صبح و شام سه بار بگو: «بار خدایا! هر نعمت و یا عافیتی که نسبت بدین یا دنیا در این صبح دارم، از جانب تو است، تو یکتائی و شریک نداری. پروردگارا! حمد برای تو و شکر برای تو است، از جهت نعمتی که بمن دادی تا راضی گردی و هم بعد از رضایت» زیرا اگر تو چنین گوئی شکر نعمت خدا را بر خود در آن روز و آن شب ادا کرده باشی.

۲۹- ابْنُ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: كَانَ نُوحٌ ع يَقُولُ ذَلِكَ إِذَا أَصْبَحَ فَسَمِيَ بِذَلِكَ عَبْدًا شُكُورًا وَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ صَدَقَ اللَّهُ بِحَا. امام صادق علیه السلام فرمود: جناب نوح علیه السلام این دعا را (که در روایت سابق ذکر شد) در هر صبح میگفت، از این رو عبد شکور، بنده بسیار سپاسگزار نامیده شد.

و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر که با خدا راست باشد (یعنی دل و زبان و ظاهر و باطنش موافق باشد) نجات یابد (چنان که جناب نوح علیه السلام دعائی را که بزبان میگفت، دلش هم باور داشت، از این رو نجات یافت، با آنکه در میان گروهی منکر و بی‌دین گرفتار بود).

۳۰- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْمُنْهَرِيِّ عَنْ سُفْيَانَ بْنِ عُيَيْنَةَ عَنْ عَمَارِ الدُّهْنِيِّ قَالَ سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ ع يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ كُلَّ قَلْبٍ حَزِينٍ وَ يُحِبُّ كُلَّ عَبْدٍ شُكُورٍ يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لِعَبْدٍ مِنْ عِبِيدِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَ شَكَرْتَ فَلَانًا فَيَقُولُ بَلْ شَكَرْتُكَ يَا رَبِّ فَيَقُولُ لَمْ تَشْكُرْنِي إِذْ لَمْ تَشْكُرْهُ ثُمَّ قَالَ أَشْكُرْكُمْ لِلَّهِ أَشْكُرْكُمْ لِلنَّاسِ. عمار ذهنی گوید: شنیدم علی بن الحسین علیهما السلام میفرمود: خدا هر دل غمگینی را دوست دارد، و هر بنده سپاسگزاری را دوست دارد، روز قیامت خدای تبارک و تعالی بیکی از بندگانش میفرماید از فلانی سپاسگزاری کردی؟ عرض میکند: پروردگارا! من ترا سپاس گفتم، خدای تعالی فرماید، چون از او سپاسگزاری نمودی، مرا هم سپاس نگفته‌ئی، سپس امام فرمود: شکرگزارترین شما خدا را کسی است که از مردم بیشتر شکرگزاری کند.

بَابُ حُسْنِ الْخُلُقِ

^۱ (۱) یعنی الدعاء المذكور في الحديث السابق (آت).

۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: إِنَّ أَكْمَلَ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا. امام باقر عليه السلام فرمود: کاملترین مردم از لحاظ ایمان خوش خلق ترین آنهاست.

۲- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَا يُوضَعُ فِي مِيزَانِ امْرِئٍ- يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَفْضَلُ مِنْ حُسْنِ الْخُلُقِ. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: روز قیامت در ترازوی کسی چیزی بهتر از حسن خلق گذاشته نمیشود.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي وَرْدَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: أَرْبَعٌ مِنْ كُنَّ فِيهِ كَمَلٌ إِيمَانُهُ وَ إِنْ كَانَ مِنْ قَرْنِهِ إِلَى قَدَمِهِ- ذُنُوبًا لَمْ يَنْفُضْهُ ذَلِكَ قَالَ وَ هُوَ الصَّدْقُ وَ آدَاءُ الْأَمَانَةِ وَ الْحَيَاءُ وَ حُسْنُ الْخُلُقِ^۱. چهار چیز در هر که باشد، ایمانش کاملست. و اگر سر تا پایش گناه باشد، نقصی باو نرساند، و آنها راستگویی ورد امانت و حیا و حسن خلق است (بحدیث ۱۵۵۷ رجوع شود).

۴- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عُبَيْسَةَ الْعَابِدِ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع مَا يَتَقَدَّمُ الْمُؤْمِنُ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِعَمَلٍ بَعْدَ الْفَرَائِضِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنْ أَنْ يَسَعَ النَّاسَ بِخُلُقِهِ^۲. امام صادق علیه السلام فرمود: مؤمن بعد از انجام واجبات پیش خدای عز و جل عملی محبوبتر از این نیاورد که مردم را از لحاظ خلقش در وسعت گذارد. (یعنی تنگ خلق نباشد).

۵- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ دَرِيحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِنَّ صَاحِبَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ الصَّائِمِ الْقَائِمِ. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آنکه خلق نیکو دارد، پاداش روزه گیر شب زنده دار، دارد.

۶- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَكْثَرُ مَا تَلِجُ بِهِ أُمَّتِي الْجَنَّةَ تَقْوَى اللَّهِ وَ حُسْنُ الْخُلُقِ. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بیشتر چیزی که امتم را ببهشت میبرد، تقوای خدا و حسن خلق است.

^۱ (۱) لا يخفى أن الصدق يخرج كثيرا من الذنوب كالكذب و ما يشاكله و كذا أداء الأمانة يخرج كثيرا من الذنوب كالحيانة في اموال الناس و منع الزكوات و الاخماس و سائر حقوق الله و كذا الحياء من الحق يمنعه من التظاهر بأكثر المعاصي و الحياء من الله يمنعه من تعمد المعاصي و الاصرار عليها و يدعو الى التوبة سريعا و كذا حسن الخلق يمنعه عن المعاصي المتعلقة بايذاء الخلق كعقوق الوالدين و قطع الارحام و الإضرار بالمسلمين، فلا يبقى من الذنوب الا قليل لا يضر في ايمانه مع أنه موفق للتوبة و الله الموفق.

^۲ (۲) أي يكون خلقه الحسن وسيعا بحيث يشمل جميع الناس (آت).

۷- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حُسَيْنِ الْأَحْمَسِيِّ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ الْخُلُقَ الْحَسَنَ يَمِثُّ الْخَطِيئَةَ كَمَا تَمِثُّ الشَّمْسُ الْجَلِيدَ^۱. امام صادق عليه السلام فرمود: خلق نیکو گناه را آب کند، چنان که خورشید یخ را آب میکند.

۸- عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الْبِرُّ وَ الْحُسْنُ الْخُلُقُ يَعْمُرَانِ الدِّيَارَ وَ يَزِيدَانِ فِي الْأَعْمَارِ. امام صادق عليه السلام فرمود: نیکوکاری و حسن خلق خانه‌ها را آباد کند و بر عمرها بیفزاید.

۹- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ قَالَ حَدَّثَنِي يَحْيَى بْنُ عَمْرٍو عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع أَوْحَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِلَى بَعْضِ أَنْبِيَائِهِ ع الْخُلُقُ الْحَسَنُ يَمِثُّ الْخَطِيئَةَ كَمَا تَمِثُّ الشَّمْسُ الْجَلِيدَ. امام صادق عليه السلام فرمود: خدای تبارک و تعالی بیکی از پیغمبرانش وحی فرمود: که خلق خوش گناه را آب میکند، چنان که خورشید یخ را آب میکند

۱۰- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ الْوَشَائِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: هَلَكَ رَجُلٌ عَلَى عَهْدِ النَّبِيِّ ص فَاتَى الْحَفَّارِينَ فَإِذَا بِهِمْ لَمْ يَخْفَرُوا شَيْئاً وَ شَكُوا ذَلِكَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا يَعْمَلُ حَدِيدُنَا فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا نَضْرِبُ بِهِ فِي الصَّفَا^۲ فَقَالَ وَ لَمْ يَنْوَغُوا شَيْئاً قَالَ فَحَفَرَ الْحَفَّارُونَ فَكَأَنَّمَا كَانَ زَمْلاً يَنْهَائِلُ عَلَيْهِمْ^۳. امام صادق عليه السلام فرمود: مردی در زمان پیغمبر صلی الله علیه و آله وفات کرد، او را نزد گورکنها بردند، آنها نتوانستند چیزی از زمین بکنند. پیغمبر صلی الله علیه و آله شکایت کردند، و گفتند: یا رسول الله کلنگ ما در زمین کارگر نمیشود، مثل اینکه آن را بسنگ خارا میزنیم.

پیغمبر (ص) فرمود: برای چه؟ رفیق شما که خوش خلق بود، ظرف آبی بیاورید، چون آن را آوردند، دست در آن برد و بر زمین پاشید، سپس فرمود: بکنید، گورکنها کنند، زمین مثل ریگ نرمی بود که روی آنها میریخت.

شرح

- گویا رسول خدا صلی الله علیه و آله از اظهار تعجب خویش میخواهد بفهماند، حسن خلق موجب سهولت امر است در دنیا و آخرت و بدخلقی باعث دشواری و سختی است در دنیا و آخرت. و سختی و صلابت زمین از طبیعت خود اوست، سپس با اظهار اعجاز یا امری طبیعی که کیفیتش معلوم نیست، زمین سخت را نرم و ملائم فرمود.

^۱ (۳) «بمیت الخطیئة» بالباء المثناة أي يذمها. و الجليد ما يسقط على الأرض من الندى فيجمد. كذا في المغرب و في النهاية فيه حسن الخلق يذیب الخطايا كما يذیب الشمس الجليد و هو الماء الجامد من البرد.

^۲ (۱) الصفا جمع الصفاة و هي الصخرة الملساء.

^۳ (۲) لعل مراده صلى الله عليه و آله بيان أنه ليس صعوبة الحفر من جهة أنه لا تقبله الأرض، لانه كان حسن الخلق بل من خصوصية الأرض.

^۴ (۳) هال عليه التراب فانحال صب.

۱۱- عَنْهُ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ الْخُلُقَ مَيْبِحَةٌ^۱ يَمْنَحُهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَهُ فَمِنْهُ سَجِيَّةٌ وَ مِنْهُ نِيَّةٌ^۲ فَقُلْتُ فَأَيُّهُمَا أَفْضَلُ فَقَالَ صَاحِبُ السَّجِيَّةِ هُوَ مَجْبُودٌ لَا يَسْتَطِيعُ غَيْرُهُ وَ صَاحِبُ النِّيَّةِ يَصْبِرُ عَلَى الطَّاعَةِ تَصَبُّراً فَهُوَ أَفْضَلُهُمَا. امام صادق عليه السلام فرمود: خلق و خوی بخششی است که خدای عز و جل بمخلوقش عطا میکند، برخی از آن غریزی و فطری و برخی از آن نیت است (یعنی با تصمیم و اکتساب و تمرین پیدا می‌شود و غریزه و فطرت ثانوی می‌گردد).

عرضکردم: کدامیک از این دو بهتر است؟ فرمود: آنکه غریزه دارد، بر آن سرشته شده و غیر آن نتواند کند و آنکه نیت دارد، بسختی خود را بصبر بر طاعت و امیدارد، پس این بهتر است.

شرح

- برخی از اخلاق حمیده مانند سخاوت و حیا و غیرت و صبر در بعضی از مردم سرشته شده و فطری و ذاتی آنها است و صفات نیک دیگری در همین اشخاص یا اشخاص دیگر بنحو اقتضا و عاریه قرار دارد که اگر انسان روی آنها تمرین کند و خود را بسختی به آنها وادارد بتدریج ممکن است همان اخلاق و صفات مانند دسته اول بلکه راسخه آنها گردند که نتوانند از آن تجاوز کنند و دست بردارند، و پیداست که از نظر واقع و حقیقت بدون ملاحظه‌دار تکلیف دسته اول بهتر است و هر کس آنها را طالبتر، ولی از نظر عالم تکلیف و ثواب و عقاب فضیلت با دسته دوم است، زیرا آنها با تحمل رنج و مشقت بدسته اول رسیده‌اند و تحمل رنج و مشقت نزد خدا بی‌ثواب و پاداش نباشد.

۱۲- وَ عَنْهُ عَنِ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي عَلِيٍّ الْلَهِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لِيُعْطِيَ الْعَبْدَ مِنَ الثَّوَابِ عَلَى حُسْنِ الْخُلُقِ كَمَا يُعْطِي الْمُجَاهِدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَغْدُو عَلَيْهِ وَ يَرُوحُ. امام صادق عليه السلام فرمود: خدای تبارک و تعالی ثوابی را که بر حسن خلق بنده میدهد مانند ثواب کسی است که هر صبح و شام در راه خدا جهاد کند.

۱۳- عَنْهُ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحَجَّالِ عَنِ أَبِي عُثْمَانَ الْقَابُوسِيِّ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَعْدَاءَهُ أَخْلَاقاً مِنْ أَخْلَاقِ أَوْلِيَائِهِ لِيَعِيشَ أَوْلِيَاؤُهُ مَعَ أَعْدَائِهِ فِي دَوْلَاتِهِمْ. امام صادق عليه السلام فرمود: خدای تبارک و تعالی پاره‌ئی از اخلاق دوستانش را بدشمنانش عاریه میدهد تا دوستانش بتوانند در زمان دولت دشمنانش زندگی کنند.

- وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَمَا تَرَكُوا وِلْيَاءَ اللَّهِ إِلَّا قَتَلُوهُ. و در روایت دیگر است که: اگر چنین نبود همه دوستان خدا را میکشستند.

^۱ (۴) المنيحة كسفينة و المنحة بالكسر: العطفية.

^۲ (۵) «فمنه سجية» أي جبلة و طبيعة، و قوله «و منه نية» أي يكون عن قصد و اكتساب و تعمد (ن).

۱۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُحْتَارِ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ كَامِلٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِذَا خَالَطَتِ النَّاسَ فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ لَا تُخَالِطَ أَحَدًا مِنَ النَّاسِ إِلَّا كَانَتْ يَدُكَ الْعُلْيَا عَلَيْهِ^۱ فَأَفْعَلْ فَإِنَّ الْعَبْدَ يَكُونُ فِيهِ بَعْضُ التَّقْصِيرِ مِنَ الْعِبَادَةِ وَ يَكُونُ لَهُ حُسْنُ خُلُقٍ فَيَبْلُغُهُ اللَّهُ بِ [حُسْنِ] خُلُقِهِ دَرَجَةَ الصَّائِمِ الْقَائِمِ. امام صادق عليه السلام فرمود: هر گاه با مردم آمیزش کنی، اگر توانی که دستت بالاتر از آنکه با او آمیزش کرده‌ئی باشد بکن (یعنی در عطا و احسان و سایر آداب معاشرت از او جلو باش) زیرا گاهی بنده در عبادت کوتاهی و تقصیر میکند، ولی حسن خلق دارد و خدا بسبب حسن خلقش او را بدرجه روزه داری که عبادت بپا خیزد میرساند.

۱۵- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ بَجْرِ السَّقَّاءِ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع يَا بَجْرُ حُسْنُ الْخُلُقِ يُسْتَرْتُمُّ قَالَ أ لَا أُخْبِرُكَ بِحَدِيثٍ مَا هُوَ فِي يَدَيَّ أَحَدٍ مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ قُلْتُ بَلَى قَالَ بَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ ص ذَاتَ يَوْمٍ جَالِسٌ فِي الْمَسْجِدِ إِذْ جَاءَتْ جَارِيَةٌ لِيَعُضِ الْأَنْصَارِ وَ هُوَ قَائِمٌ فَأَخَذَتْ بِطَرْفِ ثَوْبِهِ فَقَامَ لَهَا النَّبِيُّ ص فَلَمْ تَقُلْ شَيْئًا وَ لَمْ يَقُلْ لَهَا النَّبِيُّ ص شَيْئًا حَتَّى فَعَلْتَ ذَلِكَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَقَامَ لَهَا النَّبِيُّ فِي الرَّابِعَةِ وَ هِيَ خَلْفَهُ فَأَخَذَتْ هُدْبَةً^۲ مِنْ ثَوْبِهِ ثُمَّ رَجَعَتْ فَقَالَ لَهَا النَّاسُ فَعَلَ اللَّهُ بِكَ وَ فَعَلَ^۳ حَبَسَتْ رَسُولَ اللَّهِ ص ثَلَاثَ مَرَّاتٍ لَا تُقُولِينَ لَهُ شَيْئًا وَ لَا هُوَ يَقُولُ لَكَ شَيْئًا مَا كَانَتْ حَاجَتُكَ إِلَيْهِ قَالَتْ إِنَّ لَنَا مَرِيضًا فَأَرْسَلَنِي أَهْلِي لِأَخْذِ هُدْبَةٍ مِنْ ثَوْبِهِ لِيَسْتَشْفِيَ بِهَا فَلَمَّا أَرَدْتُ أَخْذَهَا رَأَيْتُ فَقَامَ فَاسْتَحْيَيْتُ مِنْهُ أَنْ أَخْذَهَا وَ هُوَ يَرَانِي وَ أَكْرَهُ أَنْ أَسْتَأْمِرَهُ فِي أَخْذِهَا فَأَخَذْتُهَا. بحر سقا گوید: امام صادق علیه السلام بمن فرمود: ای بحر خوش خلقی مایه آسانی امور است.

[شادی مینخشد] سپس فرمود: آیا داستانی را که همه اهل مدینه میدانند برایت نقل نکنم؟ عرض کردم:

چرا، فرمودی:

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله در مسجد نشسته بود که کنیز یکی از انصار آمد و خود او هم ایستاده بود، کنیز گوشه جامه پیغمبر را گرفت، پیغمبر صلی الله علیه و آله بخاطر آن زن برخاست، ولی او چیزی نگفت، پیغمبر صلی الله علیه و آله هم باو چیزی نفرمود، تا سه بار این کار کرد، پیغمبر در مرتبه چهارم برخاست و کنیز پشت سرش بود، آنگاه کنیز رشته‌ئی از جامه حضرت برگرفت و برگشت.

مردم باو گفتند خدا: ترا چنین و چنان کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله را سه بار نگهداشتی و چیزی باو نگفتی، که او هم بتو چیزی نفرمود، از پیغمبر چه میخواستی؟

^۱ (۱) أي كنت نفاعا له، يصل نفعك إليه من أية جهة كانت (بی).

^۲ (۲) الهدية: خمل الثوب.

^۳ (۳) دعاء عليها.

کنیز گفت: ما بیماری داریم، اهل خانه مرا فرستادند که رشته‌ئی از جامه پیغمبر بر گیرم تا بیمار از آن شفا جوید، و چون خواستم رشته را برگیرم، مرا دید و برخاست، من از او شرم کردم که رشته را برگیرم در حالی که مرا میبیند، و نمیخواستم در گرفتن رشته با او مشورت کنم، تا (در مرتبه چهارم) برگرفتم.

۱۶- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَبِيبِ الْخُثَعَمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَفْضَلُكُمْ أَحْسَنُكُمْ أَخْلَاقًا الْمُوْطُؤُونَ أَكْنَافًا الَّذِينَ يَأْلَفُونَ وَ يُؤْلَفُونَ وَ نُوْطَأُ رِحَالَهُمْ.^۱ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: با فضیلت‌ترین شما کسانی باشند که اخلاقشان نیکوتر باشد و همنشین‌نواز باشند، آنها با مردم انس گیرند و مردم با آنها انس گیرند و روی فریشان نشینند

۱۷- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع الْمُؤْمِنُ مَأْلُوفٌ وَ لَا خَيْرَ فِيمَنْ لَا يَأْلَفُ وَ لَا يُؤْلَفُ. امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: مؤمن الفت گیر است و کسی که الفت نگیرد و با او الفت نگیرند خیر ندارد.

۱۸- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ حُسْنَ الْخُلُقِ يَنْبَغُ بِصَاحِبِهِ دَرَجَةَ الصَّائِمِ الْقَائِمِ.^۲ امام صادق علیه السلام فرمود: حسن خلق صاحبش را بدرجه روزه داری که بعبادت پیا خیزد می‌رساند. باب خوشروئی

بَابُ حُسْنِ الْبِشْرِ^۳

باب خوشروئی

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحُسَيْنِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَا بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ إِنَّكُمْ لَنْ تَسْعُوا النَّاسَ بِأَمْوَالِكُمْ فَالْقَوْمُ بِطَلَاقَةِ الْوَجْهِ وَ حُسْنِ الْبِشْرِ. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای پسران عبد المطلب: شما نتوانید با اموال خود ب همه مردم گشایش دهید، پس با چهره باز و خوشروئی با آنها برخورد کنید.

وَ رَوَاهُ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع إِلَّا أَنَّهُ قَالَ يَا بَنِي هَاشِمٍ. و در روایت دیگر (بجای پسران عبد المطلب) پسران هاشم فرموده.

^۱ (۴) الاکناف بالنون جمع الکنف معنی الجانب و الناحیه یقال: رجل موطئ الاکناف أى کریم مضیاف، و ذکر ابن الأثیر فی النهایة هذا الحدیث هكذا «أ لا أخیرکم باحیکم إلى و اقربکم منی مجلسا یوم القیامة احاسنکم أخلاقا الموطئون اکنافا الذین یألفون و یؤلفون» قال: هذا مثل و حقیقته من التوطئة و هی التمهید و التذلل، و فراش و طئ لا یؤذی جنب النائم و الاکناف: الجوانب، أراد الذین جوانبهم و طیفة یتمکن منها من یصاحبهم و لا یتأذی (فی).

^۲ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامیة) - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق.

^۳ (۱) البشر بالکسر: طلاقه الوجه و بشاشته ضد العبوس.

۲- عَنْهُ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: ثَلَاثٌ مَنْ أَتَى اللَّهَ بِوَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ أُوجِبَ اللَّهُ لَهُ الْجَنَّةَ الْإِنْفَاقَ مِنْ إِقْتَارٍ^۱ وَ الْبِشْرَ لِجَمِيعِ الْعَالَمِ وَ الْإِنصَافُ مِنْ نَفْسِهِ. امام صادق عليه السلام فرمود: سه چیز است که هر که یکی از آنها را نزد خدا برد، خدا بهشت را برای او واجب کند: انفاق در حال تنگدستی و خوشروئی برای همه مردم و انصاف دادن از خود (یعنی حق را بگوید اگر چه بر زیان او باشد).

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ مَجْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: أَتَى رَسُولَ اللَّهِ ص رَجُلٌ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَوْصِنِي فَمَا أَوْصَاهُ أَنْ قَالَ الْقَ أَخَاكَ بِوَجْهِ مُنْبَسِطٍ. امام باقر علیه السلام فرمود: مردی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: یا رسول الله مرا سفارش کن، از جمله سفارشات پیغمبر باو این بود که برادرت را با چهره باز ملاقات کن.

۴- عَنْهُ عَنِ ابْنِ مَجْبُوبٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قُلْتُ لَهُ مَا حَدُّ حُسْنِ الْخُلُقِ قَالَ تُلِينُ جَنَاحَكَ وَ تُطِيبُ كَلَامَكَ وَ تَلْقَى أَخَاكَ بِبِشْرٍ حَسَنٍ. یکی از اصحاب گوید بامام صادق علیه السلام عرض کردم: اندازه حسن خلق چیست؟ فرمود:

اینکه فروتنی کنی و خوش سخن باشی و برادرت را با خوشروئی برخورد کنی.

۵- عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ حَمَّادٍ عَنْ رَبِيعٍ عَنْ فَضِيلِ قَالَ^۲: صَنَائِعُ الْمَعْرُوفِ وَ حُسْنُ الْبِشْرِ يَكْسِبَانِ الْمَحَبَّةَ وَ يُدْخِلَانِ الْجَنَّةَ وَ الْبُخْلُ وَ عُبُوسُ الْوَجْهِ يُبْعِدَانِ مِنَ اللَّهِ وَ يُدْخِلَانِ النَّارَ. فضیل (از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام) نقل کند که فرمود: احسانهای نیکو و خوشروئی، جلب محبت کنند و بیبهشت در آورند، و بخل و ترشروئی، از خدا دور کنند و بدوزخ درآورند.

۶- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص حُسْنُ الْبِشْرِ يَذْهَبُ بِالسَّخِيمَةِ^۳. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خوشروئی کینه دل را میبرد.

بَابُ الصِّدْقِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ

راستگویی و اداء امانت

۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا إِلَّا بِصِدْقِ الْحَدِيثِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبَرِّ وَ الْفَاجِرِ. امام صادق علیه السلام فرمود: خدای عز و جل هیچ پیغمبری را مبعوث نفرمود جز با راستگویی و اداء امانت به نیکوکار و بدکردار.

^۱ (۲) الاقتار: التضيق على الإنسان في الرزق.

^۲ (۳) الضمير في قال راجع الى الباقر أو الصادق عليهما السلام و كانه سقط من النسخ أو الرواة و صنائع المعروف: الاحسان إلى الغير بما يعرف حسنه شرعا و عقلا و كان الإضافة للبيان (آت).

^۳ (۱) السخيمة: الحقد في النفس.

- مراد اینست که هر پیغمبری راستگو و امانت دار بوده و یا آنکه این دو صفت در برنامه شریعت او بوده که باید تبلیغ کند و مردم بگوید.

۲- عَنْهُ عَنْ عَثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ وَ غَيْرِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَا تَعْتَرُوا بِصَلَاتِهِمْ وَ لَا بِصِيَامِهِمْ فَإِنَّ الرَّجُلَ زُبْمًا لِهَجِّ بِالصَّلَاةِ وَ الصَّوْمِ حَتَّى لَوْ تَرَكَهُ اسْتَوْحَشَ وَ لَكِنْ اخْتَبَرُوهُمْ عِنْدَ صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ. امام صادق علیه السلام فرمود: بروزه و نماز مردم گول نخورید، زیرا بسا انسان بنماز و روزه شیفته می شود تا آنجا که اگر ترك کند بهراس افتد، ولی آنها را براستگویی و اداء امانت بیازمائید.

- گاهی ترس از تکفیر مردم یا طمع بمال و تعظیم آنها یا جهات دنیوی دیگر موجب می شود که انسان بر نماز و روزه مداومت کند و ترك آنها ننماید، پس نماز و روزه معیار کامل و همیشگی صلاح و ترس از خدا نیست، ولی راستگویی و اداء امانت چون زیان مالی در بردارد، از آن دواعی و جهات خالی است و باعث و موجبش ترس از خدا و ملکه عدالت و تقوی است، علاوه بر اینکه این دو صفت موجب کمال نفس و صفات نیک دیگر است، چنان که راستگویی ملازمه عدم نفاق و ریا و تهمت و امثال آنست.

۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ أَبِي بَجْرَانَ عَنْ مِثْقَى الْحَنَاطِ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ صَدَّقَ لِسَانَهُ رَزَقَ عَمَلَهُ. امام صادق علیه السلام فرمود: هر که زبانش راست باشد کردارش پاک است.

۴- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُوسَى بْنِ سَعْدَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمِقْدَامِ قَالَ قَالَ لِي أَبُو جَعْفَرٍ ع فِي أَوَّلِ دَخَلَةٍ دَخَلْتُ عَلَيْهِ تَعَلَّمُوا الصِّدْقَ قَبْلَ الْحَدِيثِ. عمرو بن ابی المقدام گوید: نخستین بار که خدمت امام باقر علیه السلام رسیدم، فرمود پیش از یاد گرفتن حدیث راستگویی بیاموزید.

۵- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي كَهْمَسٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع- عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَبِي يَعْفُورٍ يُفَرِّئُكَ السَّلَامَ قَالَ عَلَيْنِكَ وَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا أَتَيْتَ عَبْدَ اللَّهِ فَاقْرَأْهُ السَّلَامَ وَ قُلْ لَهُ إِنَّ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ يَقُولُ لَكَ انظُرْ مَا بَلَغَ بِهِ عَلِيٌّ ع عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ص فَالزُّمُهُ فَإِنَّ عَلِيًّا ع إِنَّمَا بَلَغَ مَا بَلَغَ بِهِ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ص بِصِدْقِ الْحَدِيثِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ. ابی كهس گوید: بامام صادق علیه السلام عرض کردم: عبد الله بن ابی یعفور بشما سلام میرساند فرمود: بر تو و بر او سلام باد، چون نزد عبد الله رفتی سلامش رسان و باو بگو، جعفر بن محمد بتو میگوید در آنچه علی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله بمقام رسید بنگر و ملازمش باش، همانا علی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله بسبب راستگویی و اداء امانت بآن مقام رسید.

^۱ (۲) اللهج بالشيء: الحرص عليه.

۶- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي إِسْمَاعِيلَ الْبَصْرِيِّ عَنْ فَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع يَا فَضِيلُ إِنَّ الصَّادِقَ أَوْلَ مَنْ يُصَدِّقُهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَعْلَمُ أَنَّهُ صَادِقٌ وَ تُصَدِّقُهُ نَفْسُهُ تَعْلَمُ أَنَّهُ صَادِقٌ. فضیل بن یسار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: ای فضیل، نخستین کسی که راستگو را تصدیق میکند خدای عز و جل است که میداند او راستگو است و خودش هم خود را تصدیق می کند و می داند راستگو است.

۷- ابْنُ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا سَمِيَ إِسْمَاعِيلُ صَادِقَ الْوَعْدِ لِأَنَّهُ وَعَدَ رَجُلًا فِي مَكَانٍ فَانْتَظَرَهُ فِي ذَلِكَ الْمَكَانِ سَنَةً فَسَمَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ صَادِقَ الْوَعْدِ ثُمَّ قَالَ إِنَّ الرَّجُلَ أَنَاهُ بَعْدَ ذَلِكَ فَقَالَ لَهُ إِسْمَاعِيلُ مَا زِلْتُ مُنْتَظِرًا لَكَ. امام صادق علیه السلام فرمود: همانا اسماعیل صادق الوعد نامیده شد که با مردی در جائی وعده گذاشت و او یک سال در آنجا انتظار او را میکشید، از این رو خدای عز و جل او را صادق الوعد نامید، سپس آن مرد آمد و اسماعیل باو گفت: من همواره در انتظار تو بودم.

شرح- قرآن کریم در سوره مریم از اسماعیل پیغمبر یاد میکند و او را صادق الوعد «درست وعده» معرفی میکند، مرحوم طبرسی گوید: او اسماعیل بن ابراهیم است و برخی گفته اند: اسماعیل پیش از پدر خود مرد و او اسماعیل بن حزقیل است.

۸- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ الْحُرَّازِيِّ عَنْ جَدِّهِ الرَّبِيعِ بْنِ سَعْدٍ قَالَ قَالَ لِي أَبُو جَعْفَرٍ ع يَا رَبِيعُ إِنَّ الرَّجُلَ لَيَصْدُقُ حَتَّى يَكْتُبَهُ اللَّهُ صَدِيقًا. ربیع بن سعد گوید امام باقر علیه السلام بمن فرمود: ای ربیع، همانا مرد راست میگوید، تا خدا او را تصدیق «بسیار راستگو» مینویسد.

۹- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ إِنَّ الْعَبْدَ لَيَصْدُقُ حَتَّى يُكْتَبَ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الصَّادِقِينَ وَ يَكْذِبُ حَتَّى يُكْتَبَ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الْكَاذِبِينَ فَإِذَا صَدَقَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ صَدَقَ وَ بَرَّ وَ إِذَا كَذَبَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ كَذَبَ وَ فَجَرَ^۱. امام صادق علیه السلام میفرمود: بنده راست میگوید، تا آنجا که نزد خدا از راستگوییان نوشته می شود و دروغ، میگوید تا آنجا که نزد خدا از دروغگوییان نوشته می شود، پس چون (بنده اول) راست گوید، خدای عز و جل فرماید: راست گفت و خوب کرد و چون (بنده دوم) دروغ گوید، خدای عز و جل فرماید دروغ گفت و بدکاری کرد.

۱۰- عَنْهُ عَنِ ابْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي يَعْفُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: كُونُوا دُعَاةً لِلنَّاسِ بِالْخَيْرِ بِغَيْرِ أَلْسِنَتِكُمْ لِيَرَوْا مِنْكُمْ الْإِحْتِهَادَ وَ الصِّدْقَ وَ الْوَرَعَ. امام صادق علیه السلام فرمود: مردم را بغیر زبان (بلکه با کردار) خود به خیر و نیکو کاری دعوت کنید، مردم باید کوشش در عبادت و راستگویی و پرهیزکاری شما را ببینند.

^۱ (۱) أي يراقب ذلك المكان ليجيء صاحبه.

^۲ (۲) الصديق مبالغة في الصدق أو التصديق و الايمان بالرسول قولاً و فعلاً. و الصديقون هم قوم دون الأنبياء في الفضيلة.

^۳ (۳) البر: التوسع في فعل الخير و يستعمل في الصدق لكونه بعض الخبرات للتوسع فيه و العبد ربه توسع في طاعته و سمى الكاذب فاجراً لكون الكذب بعض الفجور قاله الراغب

^۴ (۴) ضمير عنه راجع إلى أحمد (آت).

۱۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ قَالَ قَالَ أَبُو الْوَلِيدِ حَسَنُ بْنُ زِيَادٍ الصَّيْقَلِيُّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع مَنْ صَدَقَ لِسَانُهُ زَكِيَ عَمَلُهُ وَ مَنْ حَسُنَتْ نَيْتُهُ زِيدَ فِي رِزْقِهِ وَ مَنْ حَسُنَ يَرْهُ بِأَهْلِ بَيْتِهِ مَدَّ لَهُ فِي عُمْرِهِ. امام صادق عليه السلام فرمود. هر که زبانش راست شد، عملش پاک گشت، پس هر که حسن نیت داشته باشد روزیش زیاد شود و هر که با خانواده‌اش خوشرفتاری کند، عمرش دراز شود.

۱۲- عَنْهُ عَنْ أَبِي طَالِبٍ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع لَا تَنْظُرُوا إِلَى طُولِ رُكُوعِ الرَّجُلِ وَ سُجُودِهِ فَإِنَّ ذَلِكَ شَيْءٌ اخْتَادَهُ فَلَوْ تَرَكَهُ اسْتَوْحَشَ لِذَلِكَ وَ لَكِنْ انظُرُوا إِلَى صِدْقِ حَدِيثِهِ وَ آدَاءِ أَمَانَتِهِ. امام صادق عليه السلام فرمود: بطول دادن رکوع و سجود مرد ننگرید، زیرا بآن عادت گرفته و اگر ترك کند، وحشتش گیرد، ولی براستی گفتار و آداء امانتش بنگرید.

بَابُ الْحَيَاءِ

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ مَجْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبَائِبٍ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ الْحُدَّاءِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الْحَيَاءُ مِنَ الْإِيمَانِ وَ الْإِيمَانُ فِي الْجَنَّةِ. امام صادق عليه السلام فرمود: حیا از ایمان و ایمان در بهشت است (پس شخص با حیا در بهشت است).

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنِ الْحُسَيْنِ الصَّيْقَلِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع الْحَيَاءُ وَ الْعَفَافُ وَ الْعِيٌّ^۱ أَغْنِي عِيَ اللِّسَانَ لَا عِيَ الْقَلْبِ مِنَ الْإِيمَانِ. امام صادق عليه السلام فرمود: حیا و پاکدامنی و کند زبانی - نه کند دلی - از ایمان باشند.

شرح

- مقصود از کند زبانی کم گوئی است که از علائم ایمانست، زیرا پُرگو غالباً از دروغ و غیبت و تهمت و أمثال آن برکنار نمیماند، ولی کندی دل، مساوی با جهل و شک است که مذموم و ناپسندیده باشد.

۳- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ النَّهْدِيِّ عَنْ مُصْعَبِ بْنِ يَزِيدَ عَنِ الْعَوَّامِ بْنِ الزُّبَيْرِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ رَقَّ وَجْهُهُ رَقَّ عِلْمُهُ^۲. امام صادق عليه السلام فرمود: هر کس کم رو باشد، کم دانش است (زیرا از پرسیدن شرم میکند و مشکلات علمیش حل نمیشود).

^۱ (۱) عی بالمنطق كرضی بالكسر: حسر. و المراد بعی اللسان ترك الكلام فيما لا فائدة فيه.

^۲ (۲) المراد برقة الوجه الاستحياء عن السؤال و طلب العلم و هو مذموم، فانه لاحياء في طلب لعلم و لا في إظهار الحق و إنما الحياء عن الامر القبيح، قال الله تعالى: «وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ» E\ ورقة العلم كناية عن قلته: و ما قيل: إن المراد برقة الوجه قلة الحياء فضعفه ظاهر(آت).

۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغْبِرَةِ عَنْ يَحْيَىٰ أَحْيَىٰ دَارِمٍ عَنْ مُعَاذِ بْنِ كَثِيرٍ عَنْ أَحَدِهِمَا ع قَالَ: الْحَيَاءُ وَالْإِيمَانُ مَقْرُونَانِ فِي قَرْنٍ فَإِذَا ذَهَبَ أَحَدُهُمَا تَبِعَهُ صَاحِبُهُ. امام باقر یا امام صادق علیهما السلام فرمود: حیا و ایمان در یک رشته و همدوشند، و چون یکی از آن دو رفت، دیگری هم در پی آن رود.

۵- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ يَفْطِينَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ كَثِيرٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا حَيَاءَ لَهُ. امام صادق علیه السلام فرمود: ایمان ندارد کسی که حیا ندارد.

۶- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ بَعْضِ أَصْحَابِنَا رَفَعَهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص الْحَيَاءُ حَيَاءٌ عَنِ الْعَقْلِ وَ حَيَاءٌ حَقٌّ فَحَيَاءُ الْعَقْلِ هُوَ الْعِلْمُ وَ حَيَاءُ الْحَقِّ هُوَ الْجَهْلُ. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: حیا دو گونه است: حیا عقل و حیا حماقت، حیا عقل علم است و حیا حماقت نادانی.

۷- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَىٰ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي عَلِيٍّ اللَّهُجِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ وَ كَانَ مِنْ قَرْنِهِ إِلَى قَدَمِهِ ذُنُوبًا بَدَّلَهَا اللَّهُ حَسَنَاتٍ الصَّدْقُ وَ الْحَيَاءُ وَ حُسْنُ الْخُلُقِ وَ الشُّكْرُ. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر که چهار خصالت داشته باشد و از سر تا پا غرق گناهان باشد، خدا آنها را بحسنات تبدیل کند: راستگویی و حیا و خوش خلقی و سپاسگزاری.

شرح

- تبدیل گناه به حسنه در آیه شریفه ۷۱ سوره ۲۵ ذکر شده و مفسرین در توجیه و تأویل آن بیانات مفصلی دارند.

بَابُ الْعَفْوِ

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص فِي خُطْبَتِهِ أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِخَيْرِ خَلَاتِقٍ^۱ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ الْعَفْوُ عَمَّنْ ظَلَمَكَ وَ تَصِلُ مِنْ قَطْعِكَ وَ الْإِحْسَانُ إِلَى مَنْ أَسَاءَ إِلَيْكَ وَ إِعْطَاءُ مَنْ حَرَمَكَ. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بهترین اخلاق دنیا و آخرت را بشما خبر ندهم؟ گذشتن از کسی است که بتو ستم کرده و پیوستن با کسی که از تو بریده و نیکی با کسی که بتو بدی کرده و بخشیدن بکسی که ترا محروم ساخته.

۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ عُرَّةَ بْنِ دِينَارٍ الرَّقِّيِّ عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ السَّبَّيْعِيِّ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَلَا أُذَلِّكُمْ عَلَىٰ خَيْرِ أَخْلَاقِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ تَصِلُ مِنْ قَطْعِكَ وَ تُعْطِي مَنْ حَرَمَكَ وَ تُعْفُو

^۱ (۳) القرن: حبل يجمع به البعيران.

^۲ (۱) إشارة إلى قوله تعالى: «إِلَّا مَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» E\ سورة الفرقان: ۹۶

^۳ (۲) الخلاق جمع الخليفة و هي الطبيعة و المراد هنا الملكات النفسانية الراسخة (آ).

عَمَّنْ ظَلَمَكَ. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: شما را به بهترین اخلاق دنیا و آخرت رهبری نکنم؟ پیوستن بکسی که از تو بریده و بخشیدن بکسی که محرومت ساخته و گذشتن از کسی که بتو ستم کرده است.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ نُشَيْبِ اللَّفَّافِيِّ عَنْ حُمْرَانَ بْنِ أَعْيَنَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع ثَلَاثٌ مِنْ مَكَارِمِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ تَغْفُو عَمَّنْ ظَلَمَكَ وَ تَصِلُ مَنْ قَطَعَكَ وَ تَحْلُمُ إِذَا جُهِلَ عَلَيْكَ. امام صادق علیه السلام فرمود: سه چیز از صفات خوب دنیا و آخرتند: گذشتن از کسی که بتو ستم کرده و پیوستن با آنکه از تو بریده و خویشتن داری زمانی که با تو نادانی کنند.

۴- عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَادَانَ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ الثَّمَالِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ع قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ جَمَعَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ فِي صَعِيدٍ وَاحِدٍ ثُمَّ يُنَادِي مُنَادٍ أَيْنَ أَهْلُ الْفَضْلِ- قَالَ فَيَقُومُ غُنْقٌ مِنَ النَّاسِ^۱ فَتَلْقَاهُمْ الْمَلَائِكَةُ فَيَقُولُونَ وَ مَا كَانَ فَضْلُكُمْ فَيَقُولُونَ كُنَّا نَصِلُ مَنْ قَطَعَنَا وَ نُعْطِي مَنْ حَرَمَنَا وَ نَعْفُو عَمَّنْ ظَلَمَنَا قَالَ فَيُقَالُ لَهُمْ صَدَقْتُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ. علی بن الحسین علیهما السلام فرمود: چون روز قیامت شود، خدای تبارک و تعالی پیشینیان و پسینیان را در یک سرزمین گرد آورد، سپس یک منادی فریاد کشد: اهل فضل کجایند؟ جماعتی از مردم برخیزند فرشتگان ایشان را استقبال کنند و گویند: فضل شما چه بود؟ گویند: ما بکسی که از ما میرید میپوستیم و بان که ما را محروم میکرد عطا میکردیم و از کسی که بما ستم مینمود، در میگذشتیم، سپس با آنها گویند راست گفتید داخل بهشت شوید.

۵- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ جَهْمِ بْنِ الْحَكَمِ الْمَدَائِنِيِّ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَبِي زَيْدٍ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص عَلَيْكُمْ بِالْعَفْوِ فَإِنَّ الْعَفْوَ لَا يَزِيدُ الْعَبْدَ إِلَّا عِزًّا فَتَعَاَفَوْا يُعِزِّكُمُ اللَّهُ. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بر شما باد بگذشت، زیرا گذشت جز عزت بنده را نیفزاید، از یک دیگر بگذرید تا خدا شما را عزیز کند.

۶- مُحَمَّدُ بْنُ بَحْيٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي خَالِدٍ الْقَمَّاطِ عَنْ حُمْرَانَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: النَّدَامَةُ عَلَى الْعَفْوِ أَفْضَلُ وَ أَيْسَرُ مِنَ النَّدَامَةِ عَلَى الْعُقُوبَةِ. امام باقر علیه السلام فرمود: پشیمانی از گذشت بهتر و آسانتر است تا پشیمانی از کیفر.

شرح

- یعنی اگر شخصی را که بتو ستمی کرده بود بخشیدی و از او درگذشتی، سپس دانستی که آن گذشت مورد نداشته زیرا آن ستمگر متنبه نگشت و از گذشت خود پشیمان شدی، این پشیمانی بهتر و آسانتر است از موردی که ستمگر را مجازات کنی و سپس بفهمی، اگر از او میگذشتی و او را میبخشیدی بهتر بود.

^۱ (۱) أي جماعة من الناس و الرؤساء.

اما بهتر بودن اولی از دومی بجهت همین اخبار و نیز آیات شریفه‌ایست که خدای تعالی بعبودیت و گذشت دستور میدهد و اما آسان‌تر بودنش برای اینست که از ستمگر بخشیده میتوان انتقام گرفت، ولی جبران کیفر بیجا بسی مشکل و دشوار است.

۱- **عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ سَعْدَانَ عَنْ مُعْتَبِرٍ قَالَ: كَانَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى ع فِي حَائِطٍ لَهُ يَصْرِمُ^۱ فَنظَرْتُ إِلَى غُلَامٍ لَهُ قَدْ أَخَذَ كَارَةً^۲ مِنْ تَمْرٍ فَرَمَى بِهَا وَرَاءَ الْحَائِطِ فَأَتَيْتُهُ وَ أَخَذْتُهُ وَ ذَهَبْتُ بِهِ إِلَيْهِ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنِّي وَجَدْتُ هَذَا وَ هَذِهِ الْكَارَةُ فَقَالَ لِلْغُلَامِ يَا فُلَانُ قَالَ لَبَّيْكَ قَالَ أَ بَجُوعٍ قَالَ لَا يَا سَيِّدِي قَالَ فَتَعْرَى قَالَ لَا يَا سَيِّدِي قَالَ فَلَأَيِّ شَيْءٍ أَخَذْتَ هَذِهِ قَالَ اسْتَهَيْتُ ذَلِكَ قَالَ أَذْهَبَ فَهِيَ لَكَ وَ قَالَ خَلُّوا عَنْهُ. معتب گوید: موسی بن جعفر علیه السلام در باغ خرمایش بود و شاخه میبرد، یکی از غلامان حضرت را دیدم دسته‌ئی از خوشه‌های خرما را برداشت و پشت دیوار انداخت، من رفتم و او را گرفته نزد حضرت بردم و گفتم: قربانت کردم، من این غلام را دیدم که این خوشه‌ها را برداشته بود.**

حضرت فرمود: فلانی! غلام گفت: لبیک، فرمود: گرسنه‌ای؟ گفت نه، آقای من! فرمود: برهنه‌ئی؟ گفت: نه، آقای من! فرمود: پس چرا این را برداشتی؟ گفت: این را دلم میخواست.

فرمود: برو، این خرما هم از تو، و فرمود او را رها کنید.

۸- **عَنْهُ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ ع^۳ يَقُولُ مَا التَّقَتِ فِتْنَانِ قَطُّ إِلَّا نُصِرَ أَعْظَمُهُمَا عَفْوًا. حضرت ابو الحسن علیه السلام فرمود: هر دو گروهی که برابر شوند (بجنگ يك دیگر برخیزند) آنکه گذشتش بیشتر است نصرت یابد**

۹- **مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص أَتَى بِالْيَهُودِيَّةِ الَّتِي سَمَّيْتُ الشَّاهَ لِلنَّبِيِّ ص فَقَالَ لَهَا مَا حَمَلِكِ عَلَى مَا صَنَعْتِ فَقَالَتْ قُلْتُ إِنَّ كَانَ نَبِيًّا لَمْ يَضُرَّهُ وَ إِنْ كَانَ مَلِكًا أَرَحْتُ النَّاسَ مِنْهُ قَالَ فَعَفَا رَسُولُ اللَّهِ ص عَنْهَا. امام باقر علیه السلام فرمود: زن یهودیه‌ئی را که گوشت گوسفندی را مسموم کرده بود تا پیغمبر صلی الله علیه و آله بخورد، خدمت آن حضرت آوردند. فرمود: چه چیز ترا بر آن کار واداشت؟ گفت با خود گفتمم اگر او پیغمبر باشد زینش نرساند و اگر پادشاه باشد، مردم را از او آسوده خواهم کرد. پس رسول خدا صلی الله علیه و آله از او درگذشت.**

۱۰- **عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ عَمْرٍو بْنِ شَمْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: ثَلَاثٌ لَا يَزِيدُ اللَّهُ بِهِنَّ الْمَرْءَ الْمُسْلِمَ إِلَّا عِزًّا الصَّفْحُ عَمَّنْ ظَلَمَهُ وَ إِعْطَاءُ مَنْ حَرَمَهُ وَ الصَّلَاةُ لِمَنْ قَطَعَهُ. سه چیز است که خدا بوسیله آنها جز عزت مرد مسلمان را نیفزاید: گذشت از کسی که باو ستم کرده و بخشیدن بآن که محرومش ساخته و پیوست با آنکه از او بریده است.**

^۱ (۲) صرم النخل: جزء و الفعل كضرب.

^۲ (۳) الكارة مقدار معلوم من الطعام.

^۳ (۴) هو الرضا عليه السلام.

بَابُ كَظْمِ الْغَيْظِ

باب فروخوردن خشم

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ع يَقُولُ مَا أَحَبُّ أَنْ لِي بِذَلِكَ نَفْسِي حُمْرَ النَّعَمِ وَ مَا تَجَرَّعْتُ جُرْعَةً أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ جُرْعَةِ غَيْظٍ لَا أُكَايِي بِهَا صَاحِبَهَا. على بن الحسين علیهما السلام فرمود: دوست ندارم که بجای نرم خوئی و فروتنیم، شتران سرخ مو داشته باشم (یعنی چنین صفت حمیدهئی را با مال دنیا عوض نمیکنم و هرگز راضی نمیشوم که خشن و تندخو باشم و در برابر بهترین چارپایان و زیور دنیا را داشته باشم) و هیچ جرعهئی ننوشیدم که آن را دوست تر داشته باشم از جرعه خشمی که طرف را بدان کیفر ندهم.

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ وَ عَلِيِّ بْنِ التُّعْمَانِ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ زَيْدِ الشَّحَامِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: نِعْمَ الْجُرْعَةُ الْغَيْظُ لِمَنْ صَبَرَ عَلَيْهَا فَإِنَّ عَظِيمَ الْأَجْرِ لِمَنْ عَظِيمَ الْبَلَاءِ^۱ وَ مَا أَحَبَّ اللَّهُ قَوْمًا إِلَّا ابْتَلَاهُمْ. امام صادق علیه السلام فرمود: نیکو جرعه ایست خشم برای کسی که بر آن صبر کند، زیرا پاداش بزرگ در برابر بلای بزرگست، و خدا مردمی را که دوست دارد، گرفتارشان سازد.

۳- عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ التُّعْمَانِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ ع قَالَ: اصْبِرْ عَلَى أَعْدَاءِ النَّعَمِ فَإِنَّكَ لَنْ تُكَافِيَ مَنْ عَصَى اللَّهَ فِيكَ- بِأَفْضَلٍ مِنْ أَنْ تُطِيعَ اللَّهَ فِيهِ^۲. موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: در برابر دشمنان نعمت (یعنی حسودان) صبر کن، زیرا کسی را که نسبت بتو خدا را نافرمانی کرده، هرگز نتوانی بهتر از اطاعت خدا نسبت به او تلافی کنی.

۴- عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ ثَابِتِ مَوْلَى آلِ حَرِيزٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: كَظْمُ الْغَيْظِ عَنِ الْعَدُوِّ فِي دَوْلَاتِهِمْ تَقِيَّةٌ حَزْمٌ لِمَنْ أَخَذَ بِهِ وَ تَحَرُّزٌ مِنَ التَّعَرُّضِ لِلْبَلَاءِ فِي الدُّنْيَا وَ مُعَانَدَةٌ الْأَعْدَاءِ فِي دَوْلَاتِهِمْ وَ مُمَاطَّةُهُمْ فِي غَيْرِ تَقِيَّةٍ تَرُكُ أَمْرَ اللَّهِ فَجَامِلُوا النَّاسَ^۳ يَسْمَنُ ذَلِكَ لَكُمْ عِنْدَهُمْ وَ لَا تُعَادُوهُمْ فَتَحْمِلُوهُمْ عَلَى رِقَابِكُمْ فَتَدْلُوا. امام صادق علیه السلام فرمود: فرو خوردن خشم از دشمن در زمان دولت و اقتدار آنها، تقیه و احتیاطی است برای کسی که دورانیشی کند، و بمعرض بلای دنیا درنیاید، و مخاصمه نمودن و دشنام دادن دشمنان در زمان اقتدار آنها بدون مراعات تقیه، ترك دستور خداست، پس با مردم مدارا کنید تا عمل شما نزد آنها بزرگ و فربه شود [از شما به نیکی یاد کنند] و با آنها دشمنی مکنید که بر گردن خود سوارشان کنید و خوار و زیون گردید.

^۱ (۱) یعنی ما ارضی أن اذل نفسي ولی بذلك حمر النعم أي كرائمها و هي مثل في كل نفيس و نبه بذكر تجرع الغيظ عقيب هذا على أن في التجرع العز و في المكافاة الذل (بی).

^۲ (۲) في بعض النسخ [عظم البلاء].

^۳ (۳) أريد باعداء النعم الحساد و بالعصيان الحسد و ما يترب عليه و بالطاعة الصبر على اذى الحاسد و ما يقتضيه (بی).

^۴ (۴) الحزم ضبط الامر و الاخذ فيه بالثقة.

^۵ (۵) المظاهرة شقة الخلق و فظاظته. و مظلمته: لئنه و ماظلمته ممالحة و ممالحة: شاورته و نازعته و الخصم لازمه (آت).

^۶ (۶) أي ماسحه بالجميل و أحسن عشرته و قوله: «يسمن ذلك لكم عندهم» كذا في أكثر النسخ من قولهم سمن فلان يسمن من باب تعب و في لغة من باب قرب إذا كثر لحمه و شحمه.

كناية عن العظمة و النمو و يمكن أن يقرأ على بناء المفعول من باب الافعال أو التفعيل أي يفعل الله ذلك مرضيا محبوبا عندهم و في بعض النسخ [يسمى] على بناء المفعول (آت).

۵- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ مَالِكِ بْنِ حُصَيْنِ السَّكُونِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع مَا مِنْ عَبْدٍ كَظَمَ غَيْظًا إِلَّا زَادَهُ اللَّهُ عَزًّا وَ جَلًّا عِزًّا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ قَدْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ- وَ الْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَ الْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ^۱ وَ أَنَابَهُ اللَّهُ مَكَانَ غَيْظِهِ ذَلِكَ. امام صادق عليه السلام فرمود: هیچ بنده‌ای خشمی فرو نخورد، جز آنکه خدای عز و جل عزت او را در دنیا و آخرت بیفزاید، و همانا خدای عز و جل فرماید: «و آنها که خشم خود فرو خورند و از مردم بگذرند، و خدا نیکوکاران را دوست دارد، ۱۲۸- سوره ۳» و خدا او را بجای فرو خوردن خشمش این پاداش دهد (یعنی او را دوست دارد)

۶- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ قَالَ حَدَّثَنِي مَنْ سَمِعَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ مَنْ كَظَمَ غَيْظًا وَ لَوْ شَاءَ أَنْ يُضَيِّهَ أَمْضَاهُ أَمَلًا اللَّهُ قَلْبُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ رِضًا. امام صادق عليه السلام میفرمود: هر که خشمی را فرو خورد که بتواند آن را اعمال کند (و از طرف خود انتقام بگیرد)، خدا روز قیامت دلش را از رضای خود پر کند.

۷- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجُبَّارِ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ غَالِبِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُنْدِرٍ عَنِ الْوَصَّائِيِّ عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: مَنْ كَظَمَ غَيْظًا وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَى إِمْضَائِهِ حَشَا اللَّهُ قَلْبَهُ أَمْنًا وَ إِيمَانًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ. امام باقر علیه السلام فرمود: هر که خشمی را فرو خورد که بتواند آن را اعمال کند، خدا روز قیامت دلش را از ایمنی و ایمان پر کند.

۲- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ أَبِي أُسَامَةَ زَيْدِ الشَّحَامِ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ لِي يَا زَيْدُ اصْبِرْ عَلَى أَعْدَائِ النَّعَمِ فَإِنَّكَ لَنْ تُكَافِيَ مَنْ عَصَى اللَّهَ فِيكَ بِأَفْضَلٍ مِنْ أَنْ تُطِيعَ اللَّهَ فِيهِ يَا زَيْدُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى الْإِسْلَامَ وَ اخْتَارَهُ فَأَحْسِنُوا صُحْبَتَهُ بِالسَّخَاءِ وَ حُسْنِ الْخُلُقِ. زید شحام گوید: امام صادق علیه السلام بمن نفرمود: ای زید در برابر دشمنان نعمتها صبر کن، زیرا کسیرا که در باره تو خدا را نافرمانی کرده، بهتر از اینکه خدا را در باره او فرمان بری، جبران نخواهی کرد. ای زید! خدا دین اسلام را برگزید و انتخاب فرمود: پس با سخاوت و خوش خلقی با او نیکو معاشرت کنید.

شرح

- انسان با هر کس رفاقت و آمیزش دارد، هر چه بیشتر طبق میل و خواسته او رفتار کند، رفاقت و دوستی آنها محکم تر و پایدارتر میگردد، امام صادق علیه السلام میفرماید: خدای تعالی دین اسلام را برای مصاحبت و همدمی شما انتخاب فرمود، و آنچه او را خوش آید و طبق میلش میباشد، سخاوت و خوش خلقی است، این دو صفت را داشته باشید تا دوستی شما با اسلام محکم و پایدار شود.

۹- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُوسُفَ عَنْ حَفْصِ بْنِ بِيَّاعِ السَّابِرِيِّ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مِنْ أَحَبِّ السَّبِيلِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ جُرْعَتَانِ جُرْعَةُ غَيْظٍ تَرُدُّهَا بِحِلْمٍ وَ جُرْعَةُ مُصِيبَةٍ تَرُدُّهَا بِصَبْرٍ. رسول خدا صلی

^۱ (۱) آل عمران ۱۲۸. و الكاظمين أي المسكين عليه الكافين عن إمضائه مع القدرة قاله البيضاوي.

اللَّهِ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فرمود: دوست‌ترین راه بنده بسوی خدای عز و جل نوشیدن دو جرعه است ۱- جرعه خشمی که با خویشتن داری ردش کند. ۲- جرعه مصیبتی که با صبرش برگرداند.

۱۰- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ رَبِيعٍ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ قَالَ لِي أَبِي يَا بُيَّيَّ مَا مِنْ شَيْءٍ أَفْرَّ لِعَيْنِ أَيْبِكَ مِنْ جُرْعَةٍ غَيْظٍ عَاقِبَتُهَا صَبْرٌ وَ مَا مِنْ شَيْءٍ يَسْرُنِي أَنْ لِي بِدُلِّ نَفْسِي حُمُرَ النَّعْمِ^۱. امام باقر علیه السلام فرمود: پدرم بمن فرمود: چیزی مانند جرعه خشمی که بصبر پایان پذیرد، چشم پدرت را روشن نکند، و چیزی شادم نکند که در عوض فروتیم، برانم شتران سرخ باشد

(بشماره ۱۷۹۰ رجوع شود).

۱۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ عَنْ مُعَاذِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: اصْبِرُوا عَلَى أَعْدَائِ النَّعْمِ^۲ فَإِنَّكَ لَنْ تُكَافِيَ مَنْ عَصَى اللَّهَ فِيكَ بِأَفْضَلٍ مِنْ أَنْ تُطِيعَ اللَّهَ فِيهِ. امام صادق فرمود: در برابر دشمنان نعمتها صبر کنید، زیرا آن کس را که در باره تو خدا را نافرمانی کرده بهتر از اینکه در باره او خدا را اطاعت کنی، پاداش نخواهی داد.

۱۲- عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ خَلَادٍ عَنِ الثُّمَالِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ص قَالَ قَالَ: مَا أَحَبُّ أَنْ لِي بِدُلِّ نَفْسِي حُمُرَ النَّعْمِ وَ مَا بَجَرَعْتُ مِنْ جُرْعَةٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ جُرْعَةٍ غَيْظٍ لَا أُكَافِي بِهَا صَاحِبَهَا. علی بن الحسین صلوات الله علیهما فرمود: دوست ندارم که در برابر خواری نفسم شتران سرخ مو داشته باشم، و جرعه‌ئی محبوبتر از جرعه خشمی که صاحبش را مجازات نکنم ننوشیدم.

۱۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ مُثَنَّى الْحَنَاطِ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع مَا مِنْ جُرْعَةٍ يَتَجَرَّعُهَا الْعَبْدُ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ جُرْعَةٍ غَيْظٍ يَتَجَرَّعُهَا عِنْدَ تَرُدِّدِهَا فِي قَلْبِهِ إِذَا بَصُرَ وَإِنَّمَا يَجْلِمُ^۳. امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ جرعه‌ئی بنده ننوشد که نزد خدای عز و جل محبوبتر باشد از جرعه خشمی که، هنگام گردش در دل بنوشد، بوسیله صبر یا خویشتن داری.

شرح

- مراد از گردش جرعه در دل، هیجان و جوششی است که برای خشمگین دست میدهد و فکر میکند آیا مجازات کنم یا درگذرم.

^۱ (۲) أي كرائم النعم، كذا في المغرب و قال الكرماني: حمر النعم بضم الحاء و سکون الميم و النعم المال الراعي و هو جمع و لا واحد له من لفظه و أكثر ما يقع على الإبل.

^۲ (۱) كذا في جميع النسخ التي رأيناها.

^۳ (۲) أي الحساد.

^۴ (۳) في بعض النسخ [إما يصبر و أنا يجلم].

^۵ كليفي، محمد بن يعقوب، الكافي (ط - الإسلامية) - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق.

باب الحِلْمِ

باب حلم و خویشتن داری

۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُبيدِ اللَّهِ قَالَ سَمِعْتُ الرَّضَاعَ يَقُولُ لَا يَكُونُ الرَّجُلُ عَابِدًا حَتَّى يَكُونَ حَلِيمًا وَإِنَّ الرَّجُلَ كَانَ إِذَا تَعَبَدَ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ لَمْ يُعَدَّ عَابِدًا حَتَّى يَصُمْتَ قَبْلَ ذَلِكَ عَشْرَ سِنِينَ. امام رضا عليه السلام میفرمود: مرد عابد نباشد، جز آنکه خویشتن دار باشد، و چون مردی در بنی اسرائیل خود را بعبادت و امیداشت، تا پیش از آن ده سال خاموشی نمیگزید، عابد محسوب نمیشد.

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ التُّعْمَانِ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ قَالَ: الْمُؤْمِنُ خَلَطَ عَمَلَهُ بِالْحَلِيمِ^۱ يَجْلِسُ لِيَعْلَمَ وَ يَنْطِقُ لِيَفْهَمَ لَا يُحَدِّثُ أَمَانَتَهُ^۲ الْأَصْدِقَاءَ وَ لَا يَكْتُمُ شَهَادَتَهُ الْأَعْدَاءَ^۳ وَ لَا يَفْعَلُ شَيْئًا مِنَ الْحَقِّ رِيَاءً وَ لَا يَتْرُكُهُ حَيَاءً إِنْ زُكِّيَ خَافَ مِمَّا يَقُولُونَ وَ اسْتَعْفَرَ اللَّهَ مِمَّا لَا يَعْلَمُونَ^۴ لَا يَعْرِهُ قَوْلٌ مِنْ جَهْلِهِ وَ يَخْشَى إِحْصَاءَ مَا قَدْ عَمَلَهُ. ابو حمزه گوید: مؤمن عملش را با خویشتن داری آمیخته است. مینشیند تا بیاموزد (بمجلسی می‌رود که چیزی بیاموزد) میگوید تا بفهمد، (برای فهمیدن سؤال میکند، نه برای اظهار فضل) امانتی که نزدش هست بدوستانش خبر نمیدهد (تا چه رسد بدشمنان) و شهادت خود را از دشمنانش پنهان نمیکند (بمنفع دشمنانش گواهی میدهد تا چه رسد بدوستان) و هیچ امر حقی را بقصد خود نمائی انجام ندهد و از روی شرمساری ترك نکند، اگر او را بستایند، از گفتار آنها بترسد و نسبت بآنچه آنها نمیدانند، از خدا آمرزش خواهد، گفتار کسی که او را نشناخته مغرورش نکند و از آمار کردار خود (نزد خدای تعالی) در هراس است.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ع يَقُولُ إِنَّهُ لَيُعْجِبُنِي الرَّجُلُ أَنْ يُدْرِكَهُ حِلْمُهُ عِنْدَ غَضَبِهِ. علی بن الحسین علیهما السلام میفرمود: من خوشم می‌آید از مردی که هنگام غضب بردباریش او را دریابد.

۴- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي حَمِيلَةَ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يُحِبُّ الْحَيَّيَّ الْحَلِيمَ. امام باقر علیه السلام فرمود: خدای عز و جل شخص با حیای خویشتن دار را دوست دارد.

^۱ (۴) فی بعض النسخ [محمد بن عبد الله].

^۲ (۵) فی مجالس الصدوق «المؤمن خلط علمه» و هو أظهر و أوفق بسائر الاخبار و قوله «يجلس ليعلم» أي يختار مجلسا يحصل فيه التعلم و إنما يجلس له، لا للاغراض الفاسدة و فی المجالس بعده ينصت ليسلم» أي من مفاصد النطق. «و ينطق ليفهم» أي إنما ينطق فی تلك المجالس ليفهم ما أفاده العالم إن لم يفهمه، لا للمعارضة و الجدل و إظهار الفضل (آت).

^۳ (۶) أي السر الذي اتهم عليه الاصدقاء فكيف الاعداء (آت).

^۴ (۷) أي لو كان عنده شهادة لعدو لا تحمله العداوة علی الكتمان.

^۵ (۸) أي من عيوبه و معاصيه التي صار عدم علمهم بها سببا لتزكيتهم له (آت).

۵- عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَفْصِ الْعُوسِيِّ^۱ الْكُوفِيِّ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَا أَعَزَّ اللَّهُ بِجَهْلٍ قَطُّ وَ لَا أَدَلَّ بِجَلْمٍ قَطُّ. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خدا هیچ گاه کسی را بسبب جهل عزیز نساخته و بسبب بردباری ذلیل نداشته است

۶- عَنْهُ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع كَفَى بِالْجَلْمِ نَاصِرًا وَ قَالَ إِذَا لَمْ تَكُنْ حَلِيمًا فَتَحَلَّمْ. امام صادق علیه السلام فرمود: بردباری برای یاری (مرد بردبار) کافی است. و فرمود:

اگر بردبار نیستی خود را به بردباری وادار.

۷- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ الْحَجَّالِ عَنْ حَفْصِ بْنِ أَبِي عَائِشَةَ قَالَ: بَعَثَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع غَلَامًا لَهُ فِي حَاجَةٍ فَأَبْطَأَ فَخَرَجَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع عَلَى أَنَّهُ لَمَّا أَبْطَأَ فَوَجَدَهُ نَائِمًا فَحَلَسَ عِنْدَ رَأْسِهِ يُرْوِخُهُ حَتَّى انْتَبَهَ فَلَمَّا تَنَبَّهَ قَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع يَا فَلَانُ وَ اللَّهُ مَا ذَلِكَ لَكَ تَنَامَ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ لَكَ اللَّيْلُ وَ لَنَا مِنْكَ النَّهَارُ. امام صادق علیه السلام یکی از غلامانش را بی کاری فرستاد، او دیر کرد، امام بدنالش رفت دید خوابیده است، بالا سرش نشست و بادش میزد تا بیدار شد، امام صادق علیه السلام باو فرمود: فلانی بخدا تو این حق را نداری که شب و روز هر دو بخوابی. شبت برای خود و روزت از آن ماست.

۸- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ التُّعْمَانِ عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْحَيَّيَّ الْحَلِيمَ الْعَفِيفَ الْمُتَعَفِّفَ. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خدا شخص با حیای خویشتن دار، پاکدامن، با مناعت را (که از مردم سؤال نمیکند) دوست دارد.

۹- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي بِنِ تَوْحٍ عَنْ عَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ رَبِيعِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمُسَلِّيِّ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ عَنْ عِمْرَانَ عَنْ سَعِيدِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا وَقَعَ بَيْنَ رَجُلَيْنِ مُنَازَعَةٌ نَزَلَ مَلَكَانِ فَيَقُولَانِ لِلْسَّفِيِّهِ مِنْهُمَا قُلْتَ وَ قُلْتَ^۲ وَ أَنْتَ أَهْلٌ لِمَا قُلْتَ سَتُحْزَى بِمَا قُلْتَ وَ يَقُولَانِ لِلْحَلِيمِ مِنْهُمَا صَبْرَتْ وَ حَلُمْتَ سَيَعْفِرُ اللَّهُ لَكَ إِنْ أَتَمَّمْتَ ذَلِكَ قَالَ فَإِنْ رَدَّ الْحَلِيمُ عَلَيْهِ ارْتَفَعَ الْمَلَكَانِ. امام صادق علیه السلام فرمود: چون میان دو نفر نزاعی در گیرد، دو فرشته فرود آیند و بآن که سفیه و بیخرد است گویند: هر چه خواستی گفتی، خودت لایق آنچه گفتی هستی، و کیفر گفتار ترا خواهی دید. و به بردبار گویند: صبر کردی و حلم نمودی، اگر حلمت را بپایان رسانی، خدا ترا می آموزد، سپس فرمود: ولی اگر شخص بردبار جواب او را پس دهد، آن دو فرشته بالا روند.

بَابُ الصَّمْتِ وَ حِفْظِ اللِّسَانِ

^۱ (۱) في بعض النسخ [العويسى]. و في بعضها [الاوزى]. و في بعضها [القرشي]

^۲ (۲) التكرار لبيان كثرة الشتم و قول الباطل. و ربما يقرأ الثاني بالفاء.

باب خاموشی و نگهداری زبان

۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ قَالَ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ الرِّضَا ع مِنْ عَلَامَاتِ الْفِقْهِ الْحِلْمُ وَالْعِلْمُ وَالصَّمْتُ إِنَّ الصَّمْتَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْحِكْمَةِ إِنَّ الصَّمْتَ يَكْسِبُ الْمَحَبَّةَ إِنَّهُ دَلِيلٌ عَلَى كُلِّ خَيْرٍ. از نشانه‌های فقاقت بردباری و علم و خاموشی است، همانا خاموشی یکی از درهای حکمت است، همانا خاموشی محبت می‌آورد و راهنمای هر امر خیری می‌باشد. (زیرا انسان با تفکر بمر خیری میرسد و خاموشی موجب و مزید تفکر است).

۲- عَنْهُ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع يَقُولُ إِنَّمَا شِيعَتُنَا الْخُرْسُ^۱. امام باقر علیه السلام فرمود: شیعیان ما بی‌زبانند (کم‌کوی و گزیده‌گویند).

۳- عَنْهُ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي عَلِيٍّ الْجَوَائِبِيِّ قَالَ: شَهِدْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع وَهُوَ يَقُولُ لِمَوْلَى لَهُ يُقَالُ لَهُ سَالِمٌ وَوَضَعَ يَدَهُ عَلَى شَفَتَيْهِ وَقَالَ يَا سَالِمُ احْفَظْ لِسَانَكَ تَسْلَمَ وَ لَا تَحْمِلِ النَّاسَ عَلَى رِقَابِنَا. ابو علی جوانی گوید: امام صادق علیه السلام را دیدم انگشت بالای لبهای شریفش گذاشته و بغلامش سالم می‌فرماید: ای سالم زبانت را نگه دار تا سالم بمانی و مردم را بر دوش ما سوار مکن (یعنی از فضائل و مناقب ما آنچه خلاف تقیه است بمردم مگو تا بر ما نشورند).

۴- عَنْهُ عَنِ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى قَالَ: حَضَرْتُ أَبَا الْحَسَنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَقَالَ لَهُ رَجُلٌ أَوْصِنِي فَقَالَ لَهُ احْفَظْ لِسَانَكَ تَعَزَّ وَ لَا تُمَكِّنِ النَّاسَ مِنْ قِيَادِكَ فَتَدِلَّ رَقَبَتَكَ^۲. مردی بحضورت ابو الحسن علیه السلام عرضکرد: مرا سفارشی نما، فرمود: زبانت را نگهدار تا عزیز باشی و افسار خود را بدست مردم مده که خوار و زبون شوی.

۵- عَنْهُ عَنِ الْهَيْثَمِ بْنِ أَبِي مَسْرُوقٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لِرَجُلٍ أَتَاهُ أَلَا أَدُلُّكَ عَلَى أَمْرٍ يُدْخِلُكَ اللَّهُ بِهِ الْجَنَّةَ قَالَ بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أَيْنَ لِمَا أَنَا لَكَ اللَّهُ؟ قَالَ فَإِنْ كُنْتُ أَحْوَجَ مِنْ أُنَيْلِهِ قَالَ فَانصُرِ الْمَظْلُومَ قَالَ وَإِنْ كُنْتُ أَضْعَفَ مِنْ أَنْصُرُهُ قَالَ فَاصْنَعْ لِأَخْرَقٍ^۳ يَعْنِي أَشْرَ عَلَيْهِ^۴ - قَالَ فَإِنْ كُنْتُ أَخْرَقَ مِنْ أَصْنَعُ لَهُ قَالَ فَأَصْمِتْ لِسَانَكَ إِلَّا مِنْ خَيْرٍ أَمَا يَسُرُّكَ أَنْ تَكُونَ فِيكَ خَصْلَةٌ مِنْ هَذِهِ الْخِصَالِ تَجْرُكَ إِلَى الْجَنَّةِ. رسول خدا صلی الله علیه و آله بمردی که خدمتش آمد، فرمود: نمیخواهی ترا بامری راهنمایی کنم که خدا بسبب آن بهشتت برد؟ عرضکرد: چرا یا رسول الله! فرمود از آنچه خدا بتو داده بده، عرضکرد: اگر خودم از آنکه باو دهم نیازمندتر باشم چه کنم؟ فرمود: مظلوم را یاری کن، عرضکردم:

^۱ (۱) في بعض النسخ [الجنة].

^۲ (۲) الخرس بالضم جمع الخرس، ای هم لا يتكلمون باللغو و الباطل و فيما لا يعلمون و في مقام التقية، خوفا على ائمتهم و انفسهم و اخواتهم؛ فكلامهم قليل فكأنهم خرس (آت).

^۳ (۳) القيادة كتاب: حبل تقاد به الدابة. و تمكين الناس من القيادة كناية عن تسلطهم و اعطاء حجة لهم على ايدائه و اهائه بترك التقية. و نسبة الادلال إلى الرقبة لظهور الذل فيها أكثر من سائر الأعضاء و فيه ترشيح للاستعارة السابقة لان القيادة يشد على الرقبة (آت).

^۴ (۴) أي أعط المحتاجين مما أعطاك الله تعالى. (آت).

^۵ (۵) الخرق بالضم: الجهل و الحرق، و الاخرق: الجاهل بما يجب أن يعمل و من لا يحسن التصرف في الأمور و لم يكن في يديه صنعة يكتسب بها، و منه الحديث «تعين صناعا أو تصنع لا خرق» (فی).

^۶ (۶) «أشر عليه» یعنی ارشده للخیر و ما ینبغی له.

اگر خودم از آنکه یاریش کنم ناتوانتر باشم چه کنم؟ فرمود: کاری برای نادان کن- یعنی نادان را راهنمایی کن، عرضکردم: اگر خودم نادانتر از او بودم چه کنم؟ فرمود: زیانت را جز از خیر خاموش دار. آیا شادمان نیستی که یکی از این خصال داشته باشی که ترا ببهشت برد.

۶- **عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ يَا بُنَيَّ إِنْ كُنْتَ زَعَمْتَ أَنَّ الْكَلَامَ مِنْ فَضْلَةٍ فَإِنَّ السُّكُوتَ مِنْ ذَهَبٍ.** امام صادق علیه السلام فرمود: لقمان به پسرش گفت: پسر جان اگر خیال کنی سخن از نقره‌است، بدان که خاموشی از طلا است.

۷- **عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنِ الْحَلِيِّ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَمْسِكْ لِسَانَكَ فَإِنَّهَا صَدَقَةٌ تَصَدَّقُ بِهَا عَلَى نَفْسِكَ ثُمَّ قَالَ وَ لَا يَعْرِفُ عَبْدٌ حَقِيقَةَ الْإِيمَانِ حَتَّى يَجْزَنَ مِنْ لِسَانِهِ.** رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: زیانت را نگهدار، زیرا نگهداری زبان صدقه‌ایست که بخود میدهی (چون خاموشی ترا از بلا نگهدارد) سپس فرمود: هیچ بنده‌ئی حقیقت ایمان را نشناسد، تا برخی از زبانش را نگهدارد (و تنها آنچه را بسود دنیا یا آخرتش باشد رها کند و بگوید).

۸- **عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ الْحَلِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ- أَمْ تَرَى إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ^۱ قَالَ يَعْنِي كُفُّوا أَلْسِنَتَكُمْ.** امام صادق علیه السلام در باره قول خدای عز و جل: «مگر کسانی را که با آنها گفته شد دستهای خود را نگهدارید، ندیدی، ۷۷ سوره ۴» فرمود: یعنی زبان خود را نگهدارید.

۹- **عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنِ الْحَلِيِّ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص بَحَاةُ الْمُؤْمِنِ فِي حِفْظِ لِسَانِهِ.** رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: نجات مؤمن در نگهداشتن زبانش باشد.

۱۰- **يُونُسُ عَنْ مُتَيْبٍ عَنْ أَبِي بصيرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع يَقُولُ كَانَ أَبُو ذَرٍّ رَحِمَهُ اللَّهُ يَقُولُ يَا مُبْتَغِي الْعِلْمِ^۲ إِنَّ هَذَا اللِّسَانَ مِفْتَاحُ خَيْرٍ وَ مِفْتَاحُ شَرٍّ فَاخْتِمِ عَلَى لِسَانِكَ كَمَا تَخْتِمُ عَلَى ذَهَبِكَ وَ وَرَقِكَ^۳.** ابو بصیر گوید: شنیدم امام باقر علیه السلام فرمود: ابو ذر- رحمه الله- میگفت ای دانش جو همانا این زبان کلید خیر و کلید شر است، پس همچنان که بر طلا و نقره‌ات مهر میزنی، بر زیانت هم مهر بزنی.

۱۱- **مُحَمَّدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحُشَّابِ عَنِ ابْنِ بَقَّاحٍ عَنْ مُعَاذِ بْنِ ثَابِتٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ جُمَيْعٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: كَانَ الْمَسِيحُ ع يَقُولُ لَا تُكْثِرُوا الْكَلَامَ فِي غَيْرِ ذِكْرِ اللَّهِ فَإِنَّ الَّذِينَ يُكْثِرُونَ الْكَلَامَ فِي غَيْرِ ذِكْرِ اللَّهِ قَاسِيَةٌ قُلُوبُهُمْ وَ لَكِنَّ لَا يَعْلَمُونَ^۴.** امام صادق

^۱ (۱) النساء ۷۷.

^۲ (۲) مبتغی العلم: طالبه.

^۳ (۳) الورق: الفضة من الدراهم.

^۴ (۴) فيه دلالة على أن كثرة الكلام في الأمور المباحة يوجب قساوة القلب، و اما الكلام في الأمور الباطلة فقليله كالكثير في إيجاب القساوة و النهي عنه (آت).

علیه السلام فرمود: حضرت عیسی علیه السلام میفرمود: بجز ذکر خدا سخن بسیار نگوئید، زیرا کسانی که بجز ذکر خدا سخن بسیار گویند، دلهاشان سخت است و نمیدانند.

۱۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ أَبِي بَجْرَانَ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَا مِنْ يَوْمٍ إِلَّا وَكُلُّ غَضْوٍ مِنْ أَعْضَاءِ الْجَسَدِ يُكْفَرُ اللِّسَانَ يَقُولُ نَشْدُكَ اللَّهُ أَنْ نُعَذَّبَ فِيكَ. امام صادق علیه السلام فرمود: روزی نیست جز آنکه هر عضوی از اعضاء تن در برابر زبان فروتنی کنند و بگویند: ترا بخدا مبادا بسبب تو عذاب بینیم.

۱۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مِهْزَمِ الْأَسَدِيِّ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ع قَالَ: إِنَّ لِسَانَ ابْنِ آدَمَ يُشْرِفُ عَلَى جَمِيعِ جَوَارِحِهِ - كُلِّ صَبَاحٍ فَيَقُولُ كَيْفَ أَصْبَحْتُمْ فَيَقُولُونَ بِخَيْرٍ إِنْ تَرَكْتَنَا وَ يَقُولُونَ اللَّهُ اللَّهُ فِينَا وَ يَنَاشِدُونَهُ وَ يَقُولُونَ إِنَّمَا نُنَابُكَ وَ نُعَاقِبُ بِكَ. علی بن الحسین علیهما السلام فرمود: در هر بامداد زبان آدمیزاد بر تمام اعضایش مشرف شود و گوید: چگونه هستید؟ گویند: اگر تو ما را رها کنی خویم و میگویند: خدا را خدا را نسبت بما بیاد آور و سوگندش دهند و گویند ما بسبب تو ثواب و عقاب بینیم.

۱۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ قَيْسِ أَبِي إِسْمَاعِيلَ وَ ذَكَرَ أَنَّهُ لَا بَأْسَ بِهِ مِنْ أَصْحَابِنَا رَفَعَهُ قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ ص فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَوْصِنِي فَقَالَ احْفَظْ لِسَانَكَ قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَوْصِنِي قَالَ احْفَظْ لِسَانَكَ وَ بِيْحَكَ وَ هَلْ يَكُفُّ النَّاسَ عَلَى مَنَاجِرِهِمْ فِي النَّارِ إِلَّا حَصَائِدُ أَلْسِنَتِهِمْ^۱. مردی خدمت پیغمبر صلی الله علیه و آله آمد و عرضکرد: یا رسول الله! مرا سفارشی کن، فرمود: زبانت را نگهدار. گفت: یا رسول الله! مرا سفارشی کن فرمود: زبانت را نگهدار، گفت: یا رسول الله! مرا سفارشی کن، فرمود: زبانت را نگهدار. وای بر تو! آیا مردم را جز دروشده‌های زبانشان برو در آتش اندازد.

۱۵- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَمَّنْ رَوَاهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ لَمْ يَحْسَبْ كَلَامَهُ مِنْ عَمَلِهِ كَثُرَتْ خَطَايَاهُ وَ حَضَرَ عَذَابُهُ^۲. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که سخنش را از عملش نشمارد، خطاهایش زیاد شود و عذابش فرا رسد.

۱۶- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ التَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص يُعَذَّبُ اللَّهُ اللِّسَانَ بِعَذَابٍ لَا يُعَذَّبُ بِهِ شَيْئاً مِنَ الْجَوَارِحِ فَيَقُولُ أَيُّ رَبِّ عَذَّبْتَنِي بِعَذَابٍ لَمْ تُعَذَّبْ بِهِ شَيْئاً فَيُقَالُ لَهُ خَرَجْتَ مِنْكَ كَلِمَةً فَبَلَغَتْ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَعَارِبَهَا فَسَفِكَ بِهَا الدَّمَ الْحَرَامَ وَ انْتَهَبَ بِهَا الْمَالَ الْحَرَامَ وَ انْتَهَكَ بِهَا الْفَرْجَ الْحَرَامَ وَ عَزَّتِي وَ جَلَالِي لِأَعَذَّبْتَنِكَ بِعَذَابٍ لَا أُعَذَّبُ بِهِ شَيْئاً مِنْ جَوَارِحِكَ. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خدا زبان را عذابی کند که هیچ يك از اعضاء را آن عذاب نکرده

^۱ (۱) يكفر اللسان اي بذل و بضع و التکفير هو أن ينحن الإنسان و يطأطئ رأسه قريبا من الركوع كما يفعل من يريد تعظيم صاحبه. «نشدتك الله» أي: سالتك بالله و أقسمت عليك (آت).

^۲ (۲) يعني ما يقطعون من الكلام الذي لا خير فيه، واحدها حصيدة، تشبها بما يحدد من الزرع و تشبيها للسان و ما يقطعه من القول بحد المنجل الذي يحدد به (ب).

^۳ (۳) اما حضر عذابه لانه أكثر ما يكون بدم على بعض ما قاله و لا ينفعه الدم و لانه قلما يكون كلام لا يكون موردا للاعتراض و لا سيما إذا كثر. و يمكن أن يكون المراد بحضور عذابه حضور أسبابه.

باشد، زبان گوید: پروردگارا مرا عذابی نمودی که چیز دیگر را چنان عذابی نمودی؟ باو گفته شود تو يك جمله گفتی که بمشارق و مغارب زمین رسید و بوسیله آن خون محترم ریخته شد و مال محترم غارت شد و فرج محترم دریده شد، بعزت و جلالم سوگندت را عذابی کنم که هیچ يك از اعضاء دیگر را آن گونه عذاب نکرده باشم.

۱۷- وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِنَّ كَانَ فِي شَيْءٍ شَوْمٌ فَفِي اللِّسَانِ^۱. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اگر در چیزی نحسی باشد در زبانست.

۱۸- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنِ الْوَشَاءِ قَالَ سَمِعْتُ الرَّضَا ع يَقُولُ كَانَ الرَّجُلُ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ إِذَا أَرَادَ الْعِبَادَةَ صَمَتَ قَبْلَ ذَلِكَ عَشْرَ سِنِينَ. امام رضا علیه السلام میفرمود: هر گاه مردی از بنی اسرائیل میخواست عبادت کند، ده سال پیش از آن خاموشی میگزید. (یعنی سخن بیهوده نمیگفت و فکر خود را متوجه علوم و معارف دینی مینمود و سپس بتعلیم و هدایت خلق میپرداخت).

۱۹- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنِ الْعَفَّارِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ إِتْرَاهِيمَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ رَأَى مَوْضِعَ كَلَامِهِ مِنْ عَمَلِهِ قَلَّ كَلَامُهُ إِلَّا فِيمَا يَعْنِيهِ^۲. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر که محل سخنش را از کردارش بیند (یعنی سخنش را از کردارش شمارد و آن را بیشتر از هر کارش داند) سخن گفتنش کم شود، مگر در باره آنچه برایش سودمند باشد.

۲۰- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوَيْبِيِّ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَعِيدِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ يُونُسَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: فِي حِكْمَةِ آلِ دَاوُدَ عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ عَارِفًا بِزَمَانِهِ مُقْبِلًا عَلَى شَأْنِهِ حَافِظًا لِلِّسَانِ. امام صادق علیه السلام فرمود: در حکمت آل داود (کتاب زبور) است که: بر عاقل لازمست که بوضع زمان خود آشنا باشد، سرگرم کار خود بوده، زبانش را حفظ کند.

۲۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ رِطَابٍ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَا يَزَالُ الْعَبْدُ الْمُؤْمِنُ يُكْتَبُ مُحْسِنًا مَا دَامَ سَاكِنًا فَإِذَا تَكَلَّمَ كُتِبَ مُحْسِنًا أَوْ مُسِيئًا. امام صادق علیه السلام فرمود: بنده مؤمن تا زمانی که خاموش باشد. نیکوکار نوشته می شود.

و چون سخن گوید: نیکوکار یا بد کردار نوشته شود.

بَابُ الْمُدَارَاةِ

^۱ (۱) الشوم: الشر، و شيء مشوم أي غير مبارك وكثرة شومه لكثرة المضرات و المفاسد المرتبة عليها لان له تعلقا بكل خير و شر، فميدان شره أوسع من ميدان شر جميع الجوارح، فمن أطلق عنانه في ميدانه أوردته في مهاوى الهلاك و لا شوم أعظم من ذلك.

^۲ (۲) يعنيه أي يهيمه أو يعضده من عنيت به إذا هممت و اشتغلت به. (ج).

باب مدارا و سازگاری

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص ثَلَاثٌ مَنْ لَمْ يَكُنْ فِيهِ لَمْ يَتِمَّ لَهُ عَمَلٌ وَرَعٌ يَحْجُزُهُ عَنْ مَعَاصِي اللَّهِ وَ خُلُقٌ يُدَارِي بِهِ النَّاسَ وَ حِلْمٌ يَرُدُّ بِهِ جَهْلَ الْجَاهِلِ. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: سه چیز است که هر که نداشته باشد، هیچ کارش تمام نیست:

پرهیزگاری که او را از نافرمانی خدا باز دارد، و خلقی که بسبب آن با مردم بسازد و بردباری که نادانی نادان را با آن رد کند.

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ قَالَ سَمِعْتُ جَعْفَرًا ع يَقُولُ جَاءَ جَبْرِئِيلُ ع إِلَى النَّبِيِّ ص فَقَالَ- يَا مُحَمَّدُ رَبُّكَ يُقْرِئُكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ لَكَ دَارِ خَلْقِي. امام صادق علیه السلام میفرمود: جبرئیل علیه السلام نزد پیغمبر صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: ای محمد پروردگارت سلام می‌رساند و میگوید: با مخلوقم مدارا کن.

۳- عَنْهُ عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ حَبِيبِ السَّجِسْتَانِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: فِي التَّوْرَةِ مَكْتُوبٌ فِيمَا نَاجَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ ع يَا مُوسَى أَكْثَمَ مَكْتُومٍ سِرِّي فِي سِرِّيَتِكَ وَ أَظْهَرَ فِي عِلَانِيَتِكَ الْمُدَارَاةَ عَنِّي لِغَدْوِي وَ غَدْوِكَ مِنْ خَلْقِي وَ لَا تَسْتَسِبِّ لِي عِنْدَهُمْ بِإِظْهَارِ مَكْتُومِ سِرِّي فَتَشْرِكَ غَدْوَكَ وَ غَدْوِي فِي سَيِّئِي. امام باقر علیه السلام فرمود: در تورات نوشته است، از جمله مناجات خدای عز و جل با موسی بن عمران علیه السلام این بود که: ای موسی! راز پنهان مرا در باطن خویش پوشیده دار، و در آشکارت سازگاری با دشمن من و دشمن خود را از جانب من اظهار کن و با اظهار راز پنهانم سبب دشنام دادن آنها بمن مشو تا در دشنام دادن من شریک دشمن خود و دشمن من گردی.

۴- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجُبَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَرِيْعٍ عَنْ حَمْرَةَ بْنِ بَرِيْعٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَمْرِي رَبِّي بِمُدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا أَمَرَنِي بِأَدَاءِ الْفَرَائِضِ. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: پروردگارم مرا بسازگاری با مردم امر فرمود. چنان که بانجام واجبات امر فرمود.

۵- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مُدَارَاةُ النَّاسِ نِصْفُ الْإِيمَانِ وَ الرَّفْقُ بِهِمْ نِصْفُ الْعَيْشِ ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع خَالِطُوا الْأَبْرَارَ سِرًّا وَ خَالِطُوا الْفُجَّارَ جَهَارًا وَ لَا تَمِيلُوا عَلَيْهِمْ فَيَظْلِمُوكُمْ فَإِنَّهُ سَيَأْتِي عَلَيْكُمْ زَمَانٌ لَا يَنْجُو فِيهِ مِنْ دَوِي الدِّينِ إِلَّا مَنْ ظَنُّوا أَنَّهُ أَبْلَهُ وَ صَبَرَ نَفْسَهُ عَلَى أَنْ يُقَالَ [لَهُ] إِنَّهُ أَبْلَهُ لَا عَقْلَ لَهُ. امام

^۱ (۱) لما كان أصل الدرء الدفع و هو مأخوذ في المداراة عدت بعن « و لا تستسب لي عندهم» أي لا تطلب سبي فان من لم يفهم السر يسب من تكلم به «فتشرك» أي تكون شريكاً لانك أنت الباعث له عليه (ق) و في بعض النسخ [و لا تسبب].

صادق علیه السلام فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: سازگاری با مردم نصف ایمانست و نرمی با آنها نصف زندگی است.

سپس امام صادق علیه السلام فرمود: با نیکان در پنهان آمیزش کنید و با بدکاران در آشکار، و بر آنها حمله نکنید که بر شما ستم کنند، زیرا زمانی برای شما پیش آید که از دینداران نجات نیابد، جز آنکه را مردم ابلهش دانند و خود او هم آماده باشد و تحمل کند که باو گویند ابله و بیعقل است.

۶- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ ذَكَرَهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ حَدِيثِ بْنِ مَنْصُورٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ إِنَّ قَوْمًا مِنَ النَّاسِ قَلَّتْ مُدَارَاتُهُمْ لِلنَّاسِ فَأَنْبِئُوا مِنْ قُرَيْشٍ^۱ وَ ائِمُّ اللَّهِ مَا كَانَ بِأَحْسَابِهِمْ بِأَسْوَأَ - وَ إِنَّ قَوْمًا مِنْ غَيْرِ قُرَيْشٍ حَسَنَتْ مُدَارَاتُهُمْ فَأَلْحِقُوا بِالْبَيْتِ الرَّفِيعِ قَالَ ثُمَّ قَالَ مَنْ كَفَّ يَدَهُ عَنِ النَّاسِ فَإِنَّمَا يَكْفُ عَنْهُمْ يَدًا وَاحِدَةً وَ يَكْفُونَ عَنْهُ أَيْدِي كَثِيرَةٍ. امام صادق علیه السلام میفرمود: گروهی از قریش با مردم کم سازگاری کردند و از قریش رانده شدند، در صورتی که بخدا سوگند که از نظر خانوادگی عیبی نداشتند. و گروهی از غیر قریش با مردم خوشرفتاری نمودند و بخاندان عالی و بلند پیوستند.

سپس فرمود: هر که دستش را از مردم دریغ دارد، او از آنها يك دست دریغ داشته، ولی مردم از او دستها دریغ دارند.

شرح

- بمضمون جمله اخیر کلامی در خطبه ۲۳ نهج البلاغه از امیر المؤمنین علیه السلام وارد شده که بجویشان و فامیل اختصاص دارد و سید رضی - رحمه الله - در آنجا توضیحی بیان میکند.

بَابُ الرَّفْقِ

باب نرمی و ملاطفت

^۱ (۲) «فانفوا»: کذا في أكثر النسخ وكأته على بناء الافعال مشتقا من النفي بمعنى الانتفاء فان النفي يكون لازما ومتعديا لكن هذا البناء لم يأت في اللغة. أو هو على بناء المفعول من انف من قولهم انفه و يأنفه ضرب انفه فيدل على النفي مع مبالغة فيه و هو اظهر و ابلغ. و قيل كأنه صيغة مجهول من الانفة بمعنى الاستنكاف إذ لم يأت الانفاء بمعنى النفي و هذا لا يستقيم لان الفساد مشترك إذ لم يأت انف بهذا المعنى على بناء المجهول فانه يقال انف منه كفرج أنفا و أنفة أى استنكف و في كثير من النسخ [فالفوا] أى أخرجوا و اطرحوا منهم و في الخصال «نفوا» و هو أظهر (أت) أقول: بل هو من باب الافعال مبنيا للمفعول قطعاً لا غيره و الأصل «انفيوا» جيء بها في قبالة «الفوا» لمشاكله الباب.

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي لَيْلَى عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ قُفْلًا وَ قُفْلَ الْإِيمَانِ الرَّفْقُ^۱. امام باقر علیه السلام فرمود: برای هر چیزی قفلی است (که آن را بدو نگهدارند) و قفل ایمان نرمی و ملاحظت است. (چه آنکه هر کس نرمی را از دست دهد و خشم و قهر و خشونت پیش گیرد، ناچار با عملی دست زند که ایمانش از دست برود).

۲- وَ بِإِسْنَادِهِ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع مَنْ قَسِمَ لَهُ الرَّفْقُ قُسِمَ لَهُ الْإِيمَانُ. امام باقر علیه السلام فرمود: بمر که نرمی نصیب شد، ایمان نصیب شد.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ يَحْيَى الْأَزْرَقِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى رَفِيقٌ يُحِبُّ الرَّفْقَ فَمِنْ رَفَقِهِ بِعِبَادِهِ تَسْلِيلُهُ أَضْعَانَهُمْ^۲ وَ مُضَادَّتَهُمْ^۳ هَوَاهُمْ وَ قُلُوبِهِمْ وَ مِنْ رَفَقِهِ بِهِمْ أَنَّهُ يَدْعُهُمْ عَلَى الْأَمْرِ يُرِيدُ إِزَالَتَهُمْ عَنْهُ رَفْقًا بِهِمْ لِكَيْلَا يُلْقِيَ عَلَيْهِمْ عُرَى الْإِيمَانِ^۴ وَ مَثَافَلَتُهُ جُمْلَةً وَاحِدَةً فَيَضَعُوهَا فَإِذَا أَرَادَ ذَلِكَ نَسَخَ الْأَمْرَ بِالْآخِرِ فَصَارَ مَنسُوحًا. امام صادق علیه السلام فرمود: خدای تبارک و تعالی ملایم است و ملایمت را دوست دارد، از ملایمت او نسبت به بندگان، بیرون ساختن کینه‌ها و مخالفت هوسها و دلهایشانست و نیز از ملایمت او نسبت به بندگان اینست که: امری را که میخواهد مردم را از آن برکنار کند، برای ملایمت با آنها ایشان را با آن امر وامیگذارد (که طبق عادت رفتار کنند و از ابتدا بر آنها سخت نمیگیرد) تا سنگینی امر ایمان یکباره بر آنها نیفتد که ناتوان گردند، و چون اراده برکناری آنها کند، آن امر را بامر دیگری نسخ فرماید تا امر اول منسوخ گردد (چنانچه در صدر اسلام مردم را بقبله بیت المقدس وا گذاشت و چون با حکام اسلام انس و الفت پیدا کردند، آنها را متوجه کعبه فرمود و بیت المقدس منسوخ گردید).

شرح

- مقصود از بیرون ساختن کینه‌ها اینست که: به پیغمبران و اوصیائشان دستور داده، نسبت بکفار و منافقین نرمی و ملایمت نمایند و با احسان و دستگیری و خوشرفتاری دلهایشان را با سلام گرم کنند تا کینه از دلهایشان خارج شود.

^۱ (۱) الرفق لين الجانب و الرقة و ترك العنف و الغلظة في الافعال و الأقوال على الخلق في جميع الأحوال سواء صدر عنهم بالنسبة إليه خلاف الأدب أو لم يصدر، فقيه تشبيه الإيمان بالجواهر النفس الذي يحث بحفظه و القلب بخزانة و الرفق بالقفل لانه يحفظه عن خروجه و طريان المفساد عليه، فان الشيطان سارق الإيمان و مع فتح القفل و ترك الرفق يبعث الإنسان على أمور من الحشونة و الفحش و القهر و الضرب و أنواع الفساد و غيرها من الأمور التي توجب نقص الإيمان أو زواله (آت).

^۲ (۲) التسليل: انتزاع الشيء و إخراجها في رفق و الاضغان: الاحقاد التي في القلوب و العداوة و البغضاء] و المضادة: منع الخصم عن الامر برفق أراد عليه السلام ان الله سبحانه انما كلف عباده بالاولامر و النواهي متدرجا لكيلا ينفروا، مثال ذلك تحريم الخمر في صدر الإسلام فانه نزلت أولا آية أحسوا منها بتحريمها ثم نزلت اخرى أشد من الأولى و اغلظ ثم نزلت باخرى اغلظ و أشد من الأولىين و ذلك ليوطن الناس أنفسهم عليها شيئا فشيئا و يسكنوا إلى تحية فيها و كان التدبير من الله على هذا الوجه اصوب و أقرب لهم إلى الاخذ بها و أقل لفارهم منها. (في)

^۳ (۳) في بعض النسخ] و مضادته].

^۴ (۴) في بعض النسخ] عرى الإسلام].

^۵ (۵) في بعض النسخ] فاذا أراد ذلك الامر نسخ بالآخر].

و ممکن است مقصود این باشد که کینه‌های کفار را در گفتار و رفتارشان بمسلمین نشان میدهد تا مسلمین فریب نخورند و از نیرنگ آنها بر حذر باشند و یا مراد اینست که کینه‌هایی که در دل مردم است بسبب گفتارهای تند و زشت نسبت بآن که از او کینه دارند بتدریج خارج می‌شود و گر نه مردم يك ديگر را میکشند.

و اما راجع به مخالفت هوسها و دلها چند وجه گفته‌اند:

(۱) خدای تعالی بکفار و منافقین آراء و افکار مختلف داد و اگر همگی يك رأی بودند مسلمین را ریشه کن مینمودند.

(۲) خدا میان هوس و عقل هر کس مخالفت انداخت، تا هر که خواهد پیروی عقل کند و راه آخرت گیرد.

(۳) هوسهای برخی از بندگانش را بهوسهای برخی دیگر از میان میبرد، و این معنی نزدیک بمعانی جمله اولست.

۴- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ حُبُوبٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ عَنْ مُعَاذِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص الرَّفْقُ بِمَنْ وَ الْحُرْقُ شَوْمٌ^۱. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: نرمی میمنت دارد و خشونت نحوست.

۵- عَنْهُ عَنِ ابْنِ حُبُوبٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ رَفِيقٌ يُحِبُّ الرَّفْقَ وَ يُعْطِي عَلَى الرَّفْقِ مَا لَا يُعْطِي عَلَى الْعُنْفِ.

۶- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عَمْرٍ عَنِ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِنَّ الرَّفْقَ لَمْ يُوضِعْ عَلَى شَيْءٍ إِلَّا زَانَهُ^۲ وَ لَا نُزِعَ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا شَانَهُ. امام باقر علیه السلام فرمود: خدای عز و جل ملائمت است و ملائمت را دوست دارد و پاداشی که بملائمت میدهد بخشونت و سختگیری نمیدهد.

۷- عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمِقْدَامِ رَفَعَهُ إِلَى النَّبِيِّ ص قَالَ: إِنَّ فِي الرَّفْقِ الزِّيَادَةَ وَ الْبَرَكَاتَةَ وَ مَنْ يُحْرِمِ الرَّفْقَ يُحْرِمِ الْخَيْرَ. پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: در نرمی زیادی و برکت است و هر که از نرمی محروم شد از خیر محروم گشت

^۱ (۱) اليمن بالضم: البركة و الخرق بالضم و بالتحريك: ضد الرفق.

^۲ (۲) زانه من الزينة و شانه من الشين أي العيب.

۸- عَنْهُ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَا زُويَ الرَّفِيقُ عَنْ أَهْلِ بَيْتِ إِلَّا زُويَ عَنْهُمْ الْخَيْرُ. امام صادق عليه السلام فرمود: از هر خاندانی که نرمی دور شد، خیر از آنها دور گشت.

۹- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ الثَّقَفِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْمُعَلَّى عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ زِيَادِ بْنِ أَرْقَمِ الْكُوفِيِّ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: أَيُّمَا أَهْلٍ بَيْتٍ أُعْطُوا حَظَّهُمْ مِنَ الرَّفِيقِ فَقَدْ وَسَّعَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ فِي الرَّزْقِ وَ الرَّفِيقُ فِي تَقْدِيرِ الْمَعِيشَةِ خَيْرٌ مِنَ السَّعَةِ فِي الْمَالِ وَ الرَّفِيقُ لَا يَعْجِزُ عَنْهُ شَيْءٌ وَ التَّبْدِيرُ لَا يَبْقَى مَعَهُ شَيْءٌ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ رَفِيقٌ يُحِبُّ الرَّفِيقَ^۱. امام صادق عليه السلام فرمود: هر خانواده‌ای که بهره خود را از نرمی گرفتند، خدا روزی ایشان را وسعت داد و نرمی در تقدیر معیشت (اقتصاد و میانه روی در خرج) از وسعت مال بهتر است، و با میانه روی درماندگی نباشد و با ولخرجی چیزی باقی نماند، همانا خدای عز و جل نرمی کند و نرمی را دوست دارد.

۱۰- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ رَفَعَهُ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ هِشَامِ بْنِ أَحْمَرَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ ع قَالَ لِي وَ جَرَى بَيْنِي وَ بَيْنَ رَجُلٍ مِنَ الْقَوْمِ كَلَامٌ فَقَالَ لِي ارْفُوقْ بِهِمْ- فَإِنَّ كُفْرَ أَحَدِهِمْ^۲ فِي عَضْبِهِ وَ لَا خَيْرَ فِيمَنْ كَانَ كُفْرُهُ فِي عَضْبِهِ. هشام بن احمد گوید: مرا با مردی از آن قوم سخن در گرفته بود (با یکی از مخالفین نزاع میکردم) حضرت ابو الحسن علیه السلام بمن فرمود: با آنها نرمی کن، زیرا کفر ایشان در خشم آنهاست (چون خشمگین شوند سخن کفر آمیز گویند) و خیر نیست در کسی که کفرش در خشمش باشد.

۱۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى ع قَالَ: الرَّفِيقُ نِصْفُ الْعَيْشِ. موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: نرمی نیمی از زندگی است.

۱۲- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ع إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الرَّفِيقَ وَ يُعِينُ عَلَيْهِ فَإِذَا رَكِبْتُمُ الدَّوَابَّ الْعُجْفَ^۳ فَأَنْزِلُوهَا مَنَازِلَهَا- فَإِنْ كَانَتِ الْأَرْضُ مُجْدِبَةً فَأَنْجُوا عَنْهَا وَ إِنْ كَانَتْ مُخْصِبَةً فَأَنْزِلُوهَا مَنَازِلَهَا. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خدا نرمی را دوست دارد و بآن کمک میکند (چنانچه در حدیث ۱۸۴۱ ذکر شد) پس چون

^۱ (۳) لعل المراد بمجده الأخبار أن الرفيق يصير سببا للتوسع في الرزق و الزيادة فيه و في الرفق الخير و البركة و أن الرفق مع التقدير في المعيشة خير من الخرق في سعة من المال و الرفيق يقدر على كل ما يريد بخلاف الاخرق، و السر فيه أن الناس إذا رأوا من أحد الرفق أحمده و أعانوه و القى الله له في قلوبهم العطف و الود، فلم يدعوه يتعب أو يتعسر عليه أمره(ن).

^۲ (۱) في بعض النسخ [أحدكم].

^۳ (۲) في المغرب العجف بالتحريك: الهزال و الاعجف: المهزول و الأنثى: العجفاء و العجفاء يجمع على عجف كصماء على صم و في المصباح الجذب هو الخلل لفظا و معنى و هو انقطاع المطر و ييس الأرض، يقال جذب البلد بالضم جدوبة فهو جذب و جديب و أرض جدبة و جدوب و اجدبت اجدابا فهي مجدبة. و قال الجوهرى: نجوت نجاء ممدودا اي اسرعت و سبقت و الناجية و النجاة، الناقة السريعة تنجو بمن ركبها و البعير ناج. و الخصب بالكسر: نقيض الجذب.

مرکوبهای لاغر را سوار شدید، آنها را بمنزلگاه مقرر خود فرود آورید (تا علوفه خورند و استراحت کنند) و اگر زمین خشک و بی گیاه باشد، با شتاب بگذرید و اگر پر گیاه باشد، آنها را فرود آرید (پس نرمی و ملاحظت حتی نسبت بچوانات هم خوب و پسندیده است).

۱۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ عَمْرِو بْنِ شَيْبَةَ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لَوْ كَانَ الرَّفْقُ خَلْقًا يُرَى مَا كَانَ مِمَّا خَلَقَ اللَّهُ شَيْءًا أَحْسَنَ مِنْهُ. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اگر نرمی مخلوقی میبود که دیده میشد، در میان مخلوقات خدا از او نیکوتر نبود.

۱۴- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ ثَعْلَبَةَ بْنِ مَيْمُونِ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَحَدِهِمَا ع قَالَ: إِنَّ اللَّهَ رَفِيقٌ يُجِبُّ الرَّفْقَ وَ مِنْ رَفْقِهِ بِكُمْ تَسْلِيلُ أَضْعَانِكُمْ وَ مُضَادَّةٌ قُلُوبِكُمْ وَ إِنَّهُ لَيُرِيدُ تَحْوِيلَ الْعَبْدِ عَنِ الْأَمْرِ فَيَتْرُكُهُ عَلَيْهِ حَتَّى يُجَوِّلَهُ بِالنَّاسِخِ كِرَاهِيَةً تَتَأَقَّلُ الْحَقُّ عَلَيْهِ. امام باقر یا امام صادق علیهما السلام فرمود: خدا ملامت است و ملامت را دوست دارد و از ملامتش نسبت بشما، بیرون بردن کینهها و مخالفت دلهای شماست، و همانا او میخواهد بنده را از امری بگرداند، پس او را بر آن حال میگذارد تا با ناسخی دگرگونش کند، که مبادا حق بر او سنگینی کند (بحدیث ۱۸۴۰ رجوع شود).

۱۵- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَا اصْطَحَبَ اثْنَانِ إِلَّا كَانَ أَحْظَمُهُمَا أَجْرًا وَ أَحَبُّهُمَا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَرْفَقَهُمَا بِصَاحِبِهِ. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هیچ دو نفری با هم رفاقت و همدمی نکنند، جز آنکه نرمیش با رفیقش بیشتر است، نزد خدای عز و جل پاداشش بزرگتر و محبوبیتش بیشتر است.

۱۶- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَسَّانَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ فَضَيْلِ بْنِ عُثْمَانَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ مَنْ كَانَ رَفِيقًا فِي أَمْرِهِ نَالَ مَا يُرِيدُ مِنَ النَّاسِ. امام صادق علیه السلام میفرمود: هر که در کار خود نرمی کند، هر چه از مردم خواهد بدان برسد.

بَابُ التَّوَاضُعِ

باب تواضع

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: أُرْسِلَ النَّجَاشِيُّ إِلَى جَعْفَرِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ^۱ وَ أَصْحَابِهِ فَدَخَلُوا عَلَيْهِ وَ هُوَ فِي بَيْتٍ لَهُ جَالِسٌ عَلَى الثَّرَابِ وَ عَلَيْهِ خُلْقَانُ الثِّيَابِ^۲ قَالَ فَقَالَ جَعْفَرٌ ع فَأَشْفَقْنَا مِنْهُ حِينَ رَأَيْنَاهُ عَلَى تِلْكَ الْحَالِ فَلَمَّا رَأَى مَا بَنَا وَ تَغَيَّرَ وَجْهُنَا قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي نَصَرَ مُحَمَّدًا وَ أَقَرَّ عَيْنَهُ^۳ أَلَا أُبَشِّرُكُمْ فَعُلْتُ بَلَى أَيُّهَا الْمَلِكُ فَقَالَ إِنَّهُ جَاءَنِي السَّاعَةَ مِنْ نَحْوِ أَرْضِكُمْ عَيْنٌ مِنْ عُيُوبِي هُنَاكَ فَأُخْبِرُنِي أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَدْ نَصَرَ نَبِيَّهُ مُحَمَّدًا ص وَ أَهْلَكَ عَدُوَّهُ وَ أُسِرَ فُلَانٌ وَ فُلَانٌ وَ فُلَانٌ التَّقْوَا بِوَادٍ يُقَالُ لَهُ- بَدْرٌ كَثِيرٌ الْأَرَاكِ لِكَأَيِّ أَنْظُرُ إِلَيْهِ^۳ حَيْثُ كُنْتُ أَرْعَى لِسَيِّدِي هُنَاكَ وَ هُوَ رَجُلٌ مِنْ بَنِي ضَمْرَةَ فَقَالَ لَهُ جَعْفَرٌ أَيُّهَا الْمَلِكُ فَمَا لِي أَرَاكَ جَالِسًا عَلَى الثَّرَابِ وَ عَلَيْكَ هَذِهِ الْخُلْقَانُ فَقَالَ لَهُ يَا جَعْفَرُ إِنَّا بَجِدْ فِيمَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى عِيسَى ع أَنَّ مِنْ حَقِّ اللَّهِ عَلَى عِبَادِهِ أَنْ يُجِدُوا لَهُ تَوَاضَعًا عِنْدَ مَا يُحَدِّثُ هُمْ مِنْ نِعْمَةٍ فَلَمَّا أَحَدَثَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِي نِعْمَةً- بِمُحَمَّدٍ ص أَحَدْتُ لِلَّهِ هَذَا التَّوَضُّعَ فَلَمَّا بَلَغَ النَّبِيُّ ص قَالَ لِأَصْحَابِهِ إِنَّ الصَّدَقَةَ تَزِيدُ صَاحِبَهَا كَثْرَةَ فَتَصَدَّقُوا بِرِزْقِكُمْ اللَّهُ وَ إِنَّ التَّوَضُّعَ يَزِيدُ صَاحِبَهُ رِفْعَةً فَتَوَاضَعُوا بِرِزْقِكُمْ اللَّهُ وَ إِنَّ الْعَفْوَ يَزِيدُ صَاحِبَهُ عِزًّا فَاعْفُوا بِعِزِّكُمْ اللَّهُ. امام صادق عليه السلام فرمود: نجاشی دنبال جعفر بن ابی طالب و اصحابش فرستاد. آنها وارد شدند. نجاشی در اتاقی روی خاک نشست و جامه‌های کهنه پوشیده بود، جعفر گوید: چون او را بدان حال دیدم از او بترسیدم (که مبدا دیوانه شده باشد) چون وضع و پدیدگی چهره ما را دید، گفت:

سپاس خدائی را که محمد را یاری کرد و چشمش را روشن نمود. شما را مژده ندهم؟ گفتیم: پادشاهها چرا، گفت: اکنون یکی از کار آگاههای من از سرزمین شما آمد و بمن گزارش داد که خدای عز و جل پیغمبرش محمد صلی الله علیه و آله را یاری فرمود و دشمنش را هلاک کرد و فلانی و فلانی و فلانی اسیر شدند در يك وادی بنام بدر که درخت اراك بسیار دارد. پیغمبر صلی الله علیه و آله با دشمنش برابر شدند، و گویا هم اکنون آن را میبینیم، همان جائی را که برای آقام که مردی از بنی ضمیره بود چوپانی میکردم. جعفر گفت: پادشاهها! چرا روی خاک نشست و جامه‌های کهنه پوشیده‌ئی؟.

گفت: ای جعفر! ما در آنچه خدا بر عیسی علیه السلام نازل کرده این دستور را می بینیم که: حق خدا بر بندگان اینست که: چون نعمتی بآنها روی آورد، برای خدا تواضع کنند. و چون خدای عز و جل بوسیله محمد صلی الله علیه و آله نعمتی بمن داد، من این تواضع را برای خدا کردم. چون این گزارش پیغمبر صلی الله علیه و آله رسید، باصحابش فرمود:

^۱ (۱) النجاشي بفتح النون وتخفيف الجيم وبالشين المعجمة لقب ملك الحبشة والمراد هنا الذي اسلم و آمن بالنبي صلى الله عليه و آله و اسمه اصحمة بن بحر، أسلم قبل الفتح و مات قبله صلى الله عليه النبي صلى الله عليه و آله لما جاء خبر موته. و جعفر بن أبي طالب هو أخو أمير المؤمنين عليه السلام و كان أكبر منه بعشر سنين و هو من كبار الصحابة و من الشهداء الاولين و هو صاحب الحجرين حجره الحبشة و هجرة المدينة و استشهد يوم موته، سنة ثمان و له احدى و أربعون سنة فوجد فيما أقبل من جسده تسعون ضربة ما بين طعنة برمح و ضربة بسيف و قطعت يداه في الحرب فأعطاه الله جناحين يطير بهما في الجنة، فلقب ذا الجناحين(آت).

^۲ (۲) ثوب خلق أي بال يستوى فيه الذكر و المؤنث لانه في الأصل مصدر الاخلاق و هو الاملس و الجمع خلقان.

^۳ (۳) من كلام العين.

همانا صدقه بصاحبش افزونی بخشد، پس صدقه دهید- خدا شما را رحمت کند- و همانا تواضع موجب زیادی رفعت صاحبش شود، پس تواضع کنید تا خدا شما را رفعت دهد، و همانا گذشت عزت صاحبش را زیاد کند، پس درگذرید تا خدا عزیزتان کند.

۲- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ إِنَّ فِي السَّمَاءِ مَلَكَائِينَ مُؤَكَّلِينَ بِالْعِبَادِ فَمَنْ تَوَاضَعَ لِلَّهِ رَفَعَاهُ وَ مَنْ تَكَبَّرَ وَضَعَاهُ. امام صادق علیه السلام میفرمود: همانا دو فرشته در آسمان بر بندگان گماشته شده‌اند، که هر کسی برای خدا تواضع کند، او را بالا برند و هر که تکبر کند پستش کنند.

۳- ابْنُ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: أَفْطَرَ رَسُولُ اللَّهِ ص - عَشِيَّةَ حَمِيسٍ فِي مَسْجِدِ قُبَا فَقَالَ هَلْ مِنْ شَرَابٍ فَأَتَاهُ أُوسُ بْنُ خَوْلِيٍّ الْأَنْصَارِيُّ بِعُسٍّ مَخِيضٍ بِعَسَلٍ^۱ فَلَمَّا وَضَعَهُ عَلَى فِيهِ نَحَّاهُ ثُمَّ قَالَ شَرَابَانِ يُكْتَفَى بِأَحَدِهِمَا مِنْ صَاحِبِهِ لَا أَشْرَبُهُ وَلَا أُحَرِّمُهُ وَ لَكِنْ أَتَوَاضَعُ لِلَّهِ فَإِنَّ مَنْ تَوَاضَعَ لِلَّهِ رَفَعَهُ اللَّهُ وَ مَنْ تَكَبَّرَ خَفَضَهُ اللَّهُ وَ مَنْ افْتَصَدَ فِي مَعِيشَتِهِ رِزْقَهُ اللَّهُ وَ مَنْ بَدَّرَ حَرَمَهُ اللَّهُ وَ مَنْ أَكْثَرَ ذِكْرَ الْمَوْتِ أَحَبَّهُ اللَّهُ. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله یک شب پنجشنبه برای افطار در مسجد قبا بود، و فرمود: آیا آشامیدنی هست؟ اوس بن خولی انصاری قدحی از شیر مسکه برگرفته با غسل

آمیخته خدمتش آورد، چون بدهان گذاشت و چشید، کنارش زد و فرمود: دو نوشابه‌ایست که با یکی از آنها از دیگری بی‌نیازی حاصل می‌شود، من این را نمی‌آشامم و تحریم هم نمیکنم، ولی برای خدا تواضع میکنم زیرا هر که برای خدا تواضع کند، خدایش بلند گرداند و هر که تکبر کند، خدایش پست کند، و هر که در زندگی اقتصاد ورزد، خدا روزیش بخشد، و هر که ولخرجی کند، خدا محرومش سازد، و هر که بسیار بیاد مرگ باشد خدا او را دوست دارد.

۴- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ الْوَشَّاءِ عَنْ دَاوُدَ الْحَمَّارِ^۲ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع مِثْلَهُ وَ قَالَ مَنْ أَكْثَرَ ذِكْرَ اللَّهِ أَظَلَّهُ اللَّهُ فِي جَنَّتِهِ^۳. داود حمار نیز همین گونه از امام صادق علیه السلام نقل کرده و چنین فرموده: هر که از خدا بسیار یاد کند، خدا او را در بهشتش زیر سایه خود گیرد.

^۱ (۱) العس بالضم: القدح مخض اللبن كنصر و ضرب و نفع: أخذ زبده فهو مخيض و مخحوض، و قوله: «بعسل» أي ممزوج بعسل.

^۲ (۲) في بعض النسخ [الجماز].

^۳ (۳) أي آواه تحت قصورها و اشجارها أو وقع عليه ظل رحمته أو أدخله في كنفه و حمايته كما يقال فلان في ظل فلان (آت).

۵- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع يَذْكُرُ أَنَّهُ أَتَى رَسُولَ اللَّهِ ص مَلَكٌ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُخَيِّرُكَ أَنْ تَكُونَ عَبْدًا رَسُولًا مُتَوَاضِعًا أَوْ مَلِكًا رَسُولًا قَالَ فَظَنَرُ إِلَى جَبْرَائِيلَ وَ أَوْمَأَ بِيَدِهِ^۱ أَنْ تَوَاضِعَ فَقَالَ عَبْدًا مُتَوَاضِعًا رَسُولًا فَقَالَ الرَّسُولُ^۲ مَعَ أَنَّهُ لَا يَنْقُصُكَ بِمَّا عِنْدَ رَبِّكَ شَيْئًا قَالَ وَ مَعَهُ مَفَاتِيحُ خَزَائِنِ الْأَرْضِ^۳. امام باقر علیه السلام میفرمود: فرشته‌ئی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و عرضکرد: خدای عز و جل ترا مخیر ساخته که بنده و رسول و متواضع باشی یا پادشاه و رسول، پیغمبر بجزرئیل نگرست، او با دست اشاره کرد که تواضع پیش گیر، پس پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: بنده و متواضع و رسول را اختیار کردم، فرستاده گفت: با این انتخابت از مقامی که نزد پروردگارت داری چیزی کاسته نشود.

امام باقر علیه السلام فرمود: کلیدهای خزانة‌های زمین همراه آن فرشته بود (تا اگر پیغمبر صلی الله علیه و آله پادشاهی را انتخاب کند باو دهد و کلیدهای زمین معنای حقیقی و استعماری را محتمل است و بمعنی استعاری یا ابزاری مانند خاتم سلیمان و امثال آن مراد است و یا علم و قدرتی که بوسیله آن سلطنت آماده گردد).

۶- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مِنَ التَّوَاضِعِ أَنْ تَرْضَى بِالْمَجْلِسِ دُونَ الْمَجْلِسِ وَ أَنْ تُسَلِّمَ عَلَى مَنْ تَلَقَى وَ أَنْ تَتْرَكَ الْمِرَاءَ وَ إِنْ كُنْتَ مُحِقًّا وَ أَنْ لَا تُحِبَّ أَنْ تُحْمَدَ عَلَى التَّقْوَى. امام صادق علیه السلام فرمود: از تواضع است که در نشستن بپائین مجلس راضی باشی و بمر که برخوری سلام کنی و مجادله را ترک کنی، اگر چه حق با تو باشد، و دوست نداشته باشی که ترابتقوی بستایند.

۷- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ يَثُوبَانَ عَمَّنْ رَوَاهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى مُوسَى ع أَنْ يَا مُوسَى أَ تَدْرِي لِمَ اصْطَفَيْتُكَ بِكَلَامِي دُونَ خَلْقِي قَالَ يَا رَبِّ وَ لِمَ ذَلِكَ قَالَ فَأَوْحَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِلَيْهِ أَنْ يَا مُوسَى إِنِّي قَابَلْتُ عِبَادِي ظَهْرًا لِيَبْطِنَ فَلَمْ أَجِدْ فِيهِمْ أَحَدًا أَدَلَّ لِي نَفْسًا مِنْكَ يَا مُوسَى إِنَّكَ إِذَا صَلَّيْتَ وَصَعْتَ حَدَّكَ عَلَى الثَّرَابِ أَوْ قَالَ عَلَى الْأَرْضِ^۴. امام صادق علیه السلام فرمود: خدای عز و جل بموسی علیه السلام وحی فرمود که: ای موسی! آیا میدانی چرا از میان همه مخلوقم ترا برای سخن گفتن با خود برگزیدم؟ عرضکردم: پروردگارا برای چه بود؟

خدای تبارک و تعالی باو وحی کرد که: ای موسی من بندگانم را زیر و رو کردم (بررسی کامل نمودم) در میان آنها کسی را از تو فروتن در برابر خود ندیدم. ای موسی! تو چون نماز میگزاری چهره خویش روی خاک- یا گفت روی زمین- مینهی.

^۱ (۴) كآته يستشيره، و هذه الجملة و ما بعدها معترضة و لهذا لم يقل: «فاوما» بالفاء.

^۲ (۵) «فقال الرسول» يعني الملك.

^۳ (۶) يعني قال أبو جعفر عليه السلام: و كان مع الملك عند تبليغ هذه الرسالة المفاتيح و يحتمل أن يكون ضمير قال راجعا إلى الملك و مفعول القول محذوف و الواو في قوله «و معه» للحال أي قال ذلك و معه المفاتيح. و قيل راجع إلى الرسول أي قال صلى الله عليه و آله: لا اقبل و إن كان معه المفاتيح و لا يخفى ما فيه (آت).

^۴ (۱) التردد من الراوي.

۸- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَرَّ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ص عَلَى الْمُحَدَّمِينَ^۱ وَ هُوَ رَاكِبٌ جِمَارَهُ وَ هُمْ يَتَعَدَّوْنَ^۲ فَدَعَاؤُهُ إِلَى الْعَدَاءِ فَقَالَ أَمَا إِنِّي لَوْ لَا أَبِي صَائِمٌ لَفَعَلْتُ فَلَمَّا صَارَ إِلَى مَنْزِلِهِ أَمَرَ بِطَعَامٍ فَصُنِعَ وَ أَمَرَ أَنْ يَتَنَوَّقُوا فِيهِ^۳ ثُمَّ دَعَاهُمْ فَتَعَدَّوْا عِنْدَهُ وَ تَعَدَّى مَعَهُمْ^۴. امام صادق عليه السلام فرمود: علی بن الحسین صلوات الله علیهما گذرش بر جدامیان افتاد، حضرت سوار الاغش بود و آنها صبحانه می خوردند. امام را به صبحانه دعوت کردند، فرمود: اگر روزه نمیداشتم میبذیرفتم، و چون بمنزلش رفت، دستور فرمود غذائی لذیذ و خوب بسازند، سپس برای صبحانه از آنها دعوت کرد و خود هم با آنها صبحانه خورد.

۹- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ مِنْ التَّوَاضُعِ أَنْ يَجْلِسَ الرَّجُلُ دُونَ شَرَفِهِ. امام صادق عليه السلام فرمود: از تواضع است که مرد در جای نشیند که پائین تر از مقام و شرف او باشد.

۱۰- عَنْهُ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ: نَظَرَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِلَى رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ قَدِ اشْتَرَى لِعِيَالِهِ شَيْئًا وَ هُوَ يَحْمِلُهُ فَلَمَّا رَأَاهُ الرَّجُلُ اسْتَحْيَا مِنْهُ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع اشْتَرَيْتَهُ لِعِيَالِكَ وَ حَمَلْتَهُ إِلَيْهِمْ أَمَا وَ اللَّهُ لَوْ لَا أَهْلُ الْمَدِينَةِ لِأَحَبِّتُ أَنْ أَشْتَرِيَ لِعِيَالِي الشَّيْءَ ثُمَّ أَحْمَلَهُ إِلَيْهِمْ^۵. امام صادق عليه السلام مردی از اهل مدینه را دید که چیزی برای خانواده اش خریده و با خود میبرد چون آن مرد امام را دید خجالت کشید، امام فرمود: این را خودت خریده و برای خانواده ات میبری؟

بخدا سوگند، اگر اهل مدینه نبودند (که سرزنش و خرده گیری کنند) من هم دوست داشتم، برای خانواده ام چیزی بخرم و خودم ببرم.

۱۱- عَنْهُ عَنِ أَبِيهِ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمِقْدَامِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: فِيمَا أُوحِيَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَى دَاوُدَ ع يَا دَاوُدُ كَمَا أَنَّ أَقْرَبَ النَّاسِ. امام صادق عليه السلام فرمود: در آنچه خدای عز و جل بداود وحی فرمود، این بود که: ای داود چنان که نزدیکترین مردم بخدا متواضعانند، دورترین مردم از خدا هم متکبرانند.

^۱ (۲) المخدم بفتح الذال و المخدمون: المبتلى بالجدام و هو داء يحدث من غلبة السوداء فيفسد مزاج الأعضاء.

^۲ (۳) في بعض النسخ [يتغذون] بالذال المعجمة في الجميع.

^۳ (۴) أي يتكلفوا فيه و يعملوه لذیذا حسنا. و في بعض النسخ [يتأنقوا].

^۴ (۵) هذا ليس بصريح في الأكل معهم في إناء واحد فلا ينافي الأمر بالفرار من المخدمون في قولهم: «فر من المخدمون فرارك من الأسد».

^۵ (۶) يدل على استحباب شراء الطعام للاهل و حمله إليهم و انه مع ملامة الناس الترك أولى (آت).

۱۲- عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي بصيرٍ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى ع فِي السَّنَةِ الَّتِي فُضِّصَ فِيهَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع فَعُلْتُ جَعَلْتُ فِدَاكَ مَا لَكَ ذَبَحْتَ كَبْشاً وَ نَحَرَ فُلَاناً بَدَنَةً^۱ فَقَالَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ إِنَّ نُوحاً ع كَانَ فِي السَّفِينَةِ وَ كَانَ فِيهَا مَا شَاءَ اللَّهُ وَ كَانَتْ السَّفِينَةُ مَأْمُورَةً فَطَافَتْ بِالْبَيْتِ وَ هُوَ طَوَافُ النِّسَاءِ وَ خَلَى سَبِيلَهَا نُوحٌ ع فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَى الْجِبَالِ أَيُّ وَاضِعٌ سَفِينَةَ نُوحٍ عَبْدِي عَلَى جَبَلٍ مِنْكُمْ فَتَطَاوَلَتْ وَ شَمَخَتْ^۲ وَ تَوَاضَعَ الْجُودِيُّ وَ هُوَ جَبَلٌ عِنْدَكُمْ فَضَرَبَتْ السَّفِينَةُ بِجُوجُوهَا الْجَبَلَ^۳ قَالَ فَقَالَ نُوحٌ ع عِنْدَ ذَلِكَ يَا مَارِي أَتَقْنِ وَ هُوَ بِالسُّرْيَانِيَّةِ يَا رَبِّ أَصْلِحْ قَالَ فَظَنَنْتُ أَنَّ أَبَا الْحَسَنِ ع عَرَّضَ بِنَفْسِهِ^۴. ابو بصير گوید: در سال وفات امام صادق علیه السلام خدمت موسی بن جعفر علیه السلام رسیدم و عرض کردم قربانت، چرا شما گوسفندی کشتید، در صورتی که فلانی شتر کشت؟ فرمود: ای ابا محمد؟ همانا نوح علیه السلام در کشتی نشست و هر چه خدا خواهد در کشتی بود (انسان و حیوان و متاع بسیاری بود) و کشتی مأموریت داشت و گرد خانه کعبه طواف کرد و همان طواف نساء بود و نوح علیه السلام کشتی را بخود واگذاشته بود خدای عز و جل بکوهها وحی فرمود: که من کشتی بندهام نوح را روی یکی از شما مینهم، کوهها گردن کشیدند و سرافرازی کردند، ولی کوه جودی فروتنی کرد، و آن کوهی است نزد شما، پس کشتی سینه بر آن کوه گذاشت.

آن هنگام نوح علیه السلام بلغت سربانی فرمود: یا ماری اتقن

یعنی پروردگارا اصلاح کن.

راوی گوید: من گمان کردم که موسی بن جعفر علیه السلام بخود کنایه زد (یعنی مقصودش این بود که من هم از کشتن گوسفند قصدم تواضع برای خدا بود. چنانچه پیغمبر صلی الله علیه و آله هم دوغ مخلوط بعسل را برای تواضع نیاشامید، بحديث ۱۸۵۷ رجوع شود).

۱۳- عَنْهُ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِهِ^۵ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أُسْبَاطٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْجُهْمِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَا ع قَالَ قَالَ: التَّوَضُّعُ أَنْ تُعْطِيَ النَّاسَ- مَا تُحِبُّ أَنْ تُعْطَاهُ.

- وَ فِي حَدِيثٍ آخَرَ قَالَ قُلْتُ مَا حَدُّ التَّوَضُّعِ الَّذِي إِذَا فَعَلَهُ الْعَبْدُ كَانَ مُتَوَاضِعاً فَقَالَ التَّوَضُّعُ دَرَجَاتٌ مِنْهَا أَنْ يَعْرِفَ الْمَرْءُ قَدْرَ نَفْسِهِ فَيُنْزِلَهَا مِنْ مَنَزَلَتِهَا بِقَلْبٍ سَلِيمٍ لَا يُجِبُّ أَنْ يَأْتِيَ إِلَى أَحَدٍ إِلَّا مِثْلَ مَا يُؤْتَى إِلَيْهِ إِنْ رَأَى سَيِّئَةً دَرَأَهَا^۶ بِالْحَسَنَةِ كَاظِمٌ الْعَيْظِ عَافٍ

^۱ (۱) البدنة: الناقة أو البقرة و الجمع بدن بضم تن و بدن باسكان الدال.

^۲ (۲) أي ترفعت و علت.

^۳ (۳) الجوجو كهدهد: الصدر.

^۴ (۴) عرض بنفسه یعنی أراد بمذه الحكاية أن يتبين أنه إنما تواضع بذبح الشاة دون أن ينحر البدنة ليحبر الله تواضعه ذلك بالرفعة في قدره في الدنيا و الآخرة (ن).

^۵ (۵) في بعض النسخ [عن عدة من أصحابنا].

عَنِ النَّاسِ وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ.^۲ امام رضا علیه السلام فرمود: تواضع اینست که ب مردم دهی آنچه را میخواهی بتو دهند (با آنها چنان رفتار کنی که میخواهی با تو رفتار کنند).

و در حدیث دیگر گوید: بحضرت عرض کردم: حد تواضع که چون بنده آن را بجا آورد متواضع است چیست؟ فرمود: تواضع را درجاتی است: برخی از آنها اینست که انسان قدر خود را بشناسد و با دلی سالم خود را بجایگاه خویش نشانند، و دوست نداشته باشد که بسوی کسی رود، مگر چنانچه بسویش آیند (با مردم چنان که با او رفتار کنند، رفتار کنند) اگر بدی بیند آن را با نیکی بپوشاند، فروخورنده خشم است، و از مردم میگذرد، خدا هم نیکوکاران را دوست دارد.

بَابُ الْحُبِّ فِي اللَّهِ وَ الْبُغْضِ فِي اللَّهِ

باب دوستی برای خدا و دشمنی برای خدا

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى وَ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ مَجْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبَائِبٍ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ الْحُدَّاءِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ أَحَبَّ لِلَّهِ وَ أَبْغَضَ لِلَّهِ وَ أَعْطَى لِلَّهِ فَهُوَ مِمَّنْ كَمَلَ إِيْمَانُهُ. امام صادق علیه السلام فرمود: هر که برای خدا دوست دارد و برای خدا دشمن دارد و برای خدا عطا کند، از کسان است که ایمانش کامل است.

۲- ابْنُ مَجْبُوبٍ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ سَعِيدِ الْأَعْرَجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مِنْ أَوْثَقِ عُرَى الْإِيْمَانِ أَنْ تُحِبَّ فِي اللَّهِ وَ تُبْغِضَ فِي اللَّهِ وَ تُعْطِيَ فِي اللَّهِ وَ تَمْنَعَ فِي اللَّهِ.^۲ و فرمود: از محکمترین دست آویزهای ایمان اینست که: برای خدا دوست بداری و برای خدا دشمن بداری و برای خدا عطا کنی و برای خدا دریغ داری.

۳- ابْنُ مَجْبُوبٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ التُّعْمَانِ الْأَحْوَلِ صَاحِبِ الطَّاقِ عَنْ سَلَامِ بْنِ الْمُسْتَنَبِرِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص وَدُ الْمُؤْمِنِ لِلْمُؤْمِنِ فِي اللَّهِ مِنْ أَعْظَمِ شُعَبِ الْإِيْمَانِ أَلَا وَ مَنْ أَحَبَّ فِي اللَّهِ وَ أَبْغَضَ فِي اللَّهِ وَ أَعْطَى فِي اللَّهِ وَ مَنَعَ فِي اللَّهِ فَهُوَ مِنْ أَصْفِيَاءِ اللَّهِ. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: دوستی مؤمن با مؤمن برای خدا از بزرگترین شعبه‌های

^۱ (۶) أي دفعها.

^۲ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامية) - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق.

^۳ (۱) في بعض النسخ بصيغة الغائب في الجمیع.

ایمانست، همانا هر که برای خدا دوستی کند و برای خدا دشمنی کند و برای خدا عطا و برای خدا دریغ کند از برگزیدگان خداست.

۴- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَاءِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ إِنَّ الْمُتَحَابِّينَ فِي اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى مَنَابِرٍ مِنْ نُورٍ قَدْ أَضَاءَ نُورٌ وَجُوهِهِمْ وَ نُورٌ أَجْسَادِهِمْ وَ نُورٌ مَنَابِرِهِمْ كُلُّ شَيْءٍ حَتَّى يُعْرِفُوا بِهِ فَيَقَالُ هَؤُلَاءِ الْمُتَحَابُّونَ فِي اللَّهِ. امام صادق عليه السلام میفرمود: کسانی که برای خدا با یک دیگر دوستی میکنند، روز قیامت بر منبرهای نور میباشند، نور چهره و نور تن و نور منبرهایشان همه چیز را روشن کند، بدرجه‌ای که بآن معرفی شوند، و گفته شود: اینان دوستی کنان برای خدایند.

۵- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيرٍ عَنْ فَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ الْحُبِّ وَ الْبُغْضِ أَمْ مِنَ الْإِيمَانِ هُوَ فَقَالَ وَ هَلِ الْإِيمَانُ إِلَّا الْحُبُّ وَ الْبُغْضُ ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ- حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَ زَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَ كَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَ الْفُسُوقَ وَ الْعِصْيَانَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ^۲. فضیل بن یسار گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا حب و بغض از ایمانست؟ فرمود: مگر ایمان چیزی غیر از حب و بغض است؟ سپس این آیه را تلاوت فرمود: «خدا ایمان را محبوب شما کرد و آن را در دل شما بیاراست و کفر و نافرمانی و عصیان را ناپسند شما کرد. آنانند هدایت یافتگان، ۷ سوره ۴۹».

۶- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ يَحْيَى فِيمَا أَعْلَمَ عَنْ عَمْرِو بْنِ مُدْرِكٍ الطَّائِفِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لِأَصْحَابِهِ أَيُّ عُرَى الْإِيمَانِ أَوْثَقُ فَقَالُوا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ أَعْلَمُ وَ قَالَ بَعْضُهُمُ الصَّلَاةُ وَ قَالَ بَعْضُهُمُ الزَّكَاةُ وَ قَالَ بَعْضُهُمُ الصِّيَامُ وَ قَالَ بَعْضُهُمُ الْحُجُّ وَ الْعُمْرَةُ وَ قَالَ بَعْضُهُمُ الْجِهَادُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لِكُلِّ مَا قُلْتُمْ فَضْلٌ وَ لَيْسَ بِهِ^۳ وَ لَكِنْ أَوْثَقُ عُرَى الْإِيمَانِ الْحُبُّ فِي اللَّهِ وَ الْبُغْضُ فِي اللَّهِ وَ تَوَالِي^۴ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَ التَّبَرِّي مِنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ. رسول خدا صلی الله علیه و آله باصحابش فرمود: کدامیک از دستاویزهای ایمان محکم‌تر است؟

گفتند: خدا و رسولش داناترند، و بعضی از آنها گفتند: نماز و برخی گفتند: زکاة و بعضی گفتند: روزه و برخی گفتند: حج و عمره و بعضی گفتند: جهاد، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر يك از اینها را که گفتید فضیلتی است، ولی جواب پرسش من نیست. محکمترین دستاویزهای ایمان دوستی برای خدا و دشمنی

^۱ (۲) وددته من باب تعب ودا بفتح الواو و ضمها: أحببته، و الاسم المودة. و يقال: هذه المسألة كثيرة الشعب أي التفاريع و الشعبة من الشجرة: الغصن المتفرع منها و الجمع الشعب مثل غرف. و الشعبة من الشيء: الطائفة منه و الشعب بالكسر: الطريق.

^۲ (۳) الحجرات: ۷.

^۳ (۱) أي ليس بالاثق.

^۴ (۲) في بعض النسخ [تولى].

برای خدا و پیروی اولیاء خدا و بیزاری از دشمنان خداست.

۷- عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عُمَرَ بْنِ جَبَلَةَ الْأَحْمَسِيِّ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص الْمُتَحَابُّونَ فِي اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى أَرْضِ زَبْرَجَدَةَ خَضْرَاءَ فِي ظِلِّ عَرْشِهِ عَنْ يَمِينِهِ وَ كِلْتَا يَدَيْهِ يَمِينٌ وَ جُوهُهُمْ أَشَدُّ بَيَاضاً وَ أَضْوَأُ مِنَ الشَّمْسِ الطَّالِعَةِ يَعْطِطُهُمْ بِمَنْزِلَتِهِمْ كُلُّ مَلَكٍ مُقَرَّبٍ وَ كُلُّ نَبِيٍّ مُرْسَلٍ يَقُولُ النَّاسُ مَنْ هَؤُلَاءِ فَيَقَالُ هَؤُلَاءِ الْمُتَحَابُّونَ فِي اللَّهِ. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: دوستی کنان برای خدا در روز قیامت روی زمین زبرجدی سبز زیر سایه عرش (سایه رحمت) خدا سمت راستش باشند- و هر دو دست او راست است- چهره آنها بسیار سفید و نورانی تر از خورشید درخشانست، و هر فرشته مقرب و پیغمبر مرسلی بمقام آنها غبطه میبرند، مردم گویند: اینها کیانند؟ بآنها گفته شود: دوستی کنان برای خدایند.

شرح

- پر واضح است که اضافه «دست» بخدایتعالی در قرآن و اخبار بر سبیل مجاز و استعاره میباشد و مراد از آن نعمت یا قدرتست و چون دست چپ از دست راست نقصان و کاهش دارد، و در ذات و صفات خدای تعالی هیچ گونه نقصان و کاهش نیست، از این رو فرمود: هر دو دست او راست است.

۸- عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ الثَّمَالِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ع قَالَ: إِذَا جَمَعَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ الْأَوْلِيَّ وَ الْآخِرِينَ قَامَ مُنَادٍ فَنَادَى يُسْمِعُ النَّاسَ فَيَقُولُ أَيُّنَ الْمُتَحَابُّونَ فِي اللَّهِ قَالَ فَيَقُومُ عُنُقُ مَنْ النَّاسِ فَيَقَالُ لَهُمْ اذْهَبُوا إِلَى الْجَنَّةِ بِعَبْرِ حِسَابٍ قَالَ فَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ فَيَقُولُونَ إِلَى أَيُّنَ فَيَقُولُونَ إِلَى الْجَنَّةِ بِعَبْرِ حِسَابٍ قَالَ فَيَقُولُونَ فَأَيُّ صَرَبٍ أَنْتُمْ مِنَ النَّاسِ فَيَقُولُونَ نَحْنُ الْمُتَحَابُّونَ فِي اللَّهِ قَالَ فَيَقُولُونَ وَ أَيُّ شَيْءٍ كَانَتْ أَعْمَالُكُمْ قَالُوا كُنَّا نُحِبُّ فِي اللَّهِ وَ نُبْعِضُ فِي اللَّهِ قَالَ فَيَقُولُونَ نِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ*. علی بن الحسین علیهما السلام فرمود: چون خدای عز و جل همه مردم را گرد آورد (در روز قیامت) يك جارچی برخیزد و باوازی که مردم بشنوند گوید: دوستی کنان برای خدا کجایند؟ جماعتی از مردم برخیزند، بآنها گفته شود بدون حساب بسوی بهشت روید.

فرشتگان بآنها برخوردارند و گویند: کجا؟ گویند: بسوی بهشت بدون حساب، گویند شما چه صنفی از مردمید؟ گویند: ما دوستی کنان برای خدائیم، گویند: اعمال شما چه بوده؟ گویند: برای خدا دوستی میکردیم و برای خدا دشمنی میورزیدیم گویند: چه خوبست پاداش اهل عمل!

^۱ (۳) في بعض النسخ [أى حزب].

۹- عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَرْقَدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: ثَلَاثٌ مِنْ عِلَامَاتِ الْمُؤْمِنِ عَلِمُهُ بِاللَّهِ وَ مَنْ يُحِبُّ وَ مَنْ يُبْغِضُ^۱. امام صادق عليه السلام فرمود: سه چیز از علامات مؤمن است: شناختن خدا و شناختن دوستان و دشمنان خدا.

۱۰- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ وَ حَفْصِ بْنِ الْبُخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ الرَّجُلَ لَيُحِبُّكُمْ وَ مَا يَعْرِفُ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ فَيُدْخِلُهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ بِحُبِّكُمْ وَ إِنَّ الرَّجُلَ لَيُبْغِضُكُمْ وَ مَا يَعْرِفُ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ فَيُدْخِلُهُ اللَّهُ النَّارَ. امام صادق- عليه السلام فرمود: شخصی شما (شیعه) را دوست دارد و نمیداند شما چه عقیده دارید، خدا او را بسبب دوستیش با شما ببهشت برد، و شخصی شما را دشمن دارد و نمیداند شما چه عقیده دارید، خدا او را بسبب دشمنیش با شما بدوزخ برد.

شرح

- مراد باین اشخاص مستضعفین از شیعه و یا مخالفین است و در این صورت مقصود از

ما انتم علیه

عقاید و معارف شیعه است و ممکن است مقصود از

ما انتم علیه

تقوی و ورع و یا گناهان و معاصی شیعه باشد.

۱۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنِ ابْنِ الْعُرَيْمِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ جَابِرِ الْجُعْفِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّ فِيكَ خَيْرًا فَانظُرْ إِلَى قَلْبِكَ فَإِنْ كَانَ يُحِبُّ أَهْلَ طَاعَةِ اللَّهِ وَ يُبْغِضُ أَهْلَ مَعْصِيَتِهِ فَفِيكَ خَيْرٌ وَ اللَّهُ يُحِبُّكَ وَ إِنْ كَانَ يُبْغِضُ أَهْلَ طَاعَةِ اللَّهِ وَ يُحِبُّ أَهْلَ مَعْصِيَتِهِ فَلَيْسَ فِيكَ خَيْرٌ وَ اللَّهُ يُبْغِضُكَ وَ الْمَرْءُ مَعَ مَنْ أَحَبَّ. امام باقر علیه السلام فرمود: هر گاه خواهی بدانی در تو خیری هست، بدلت نگاه کن، اگر اهل طاعت خدا را دوست و اهل معصیت خدا را دشمن دارد، در تو خیر است و خدا هم ترا دوست دارد، و اگر اهل طاعت خدا را دشمن و اهل معصیت خدا را دوست دارد در تو خیر نیست و خدا دشمنت دارد، و هر کسی همراه دوست خود است.

^۱ (۴) «علمه بالله» أي بذاته و صفاته بقدر وسعه و طاقته «و من يحب و من يبغض» أي من يهيه الله و من يبغضه الله. أو الضمير في الفعلين راجع إلى المؤمن أي علمه بمن يجب أن يهيه و يجب أن يبغضه.

۱۲- عَنْهُ عَنْ أَبِي عَلِيٍّ الْوَاسِطِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبَانَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: لَوْ أَنَّ رَجُلًا أَحَبَّ رَجُلًا لِلَّهِ لَأَثَابَهُ اللَّهُ عَلَى حُبِّهِ إِثَابَهُ وَ إِنْ كَانَ الْمَحْبُوبُ فِي عِلْمِ اللَّهِ مِنْ أَهْلِ النَّارِ وَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا أَبْغَضَ رَجُلًا لِلَّهِ لَأَثَابَهُ اللَّهُ عَلَى بُغْضِهِ إِثَابَهُ وَ إِنْ كَانَ الْمُبْغُضُ فِي عِلْمِ اللَّهِ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ^۱. امام باقر علیه السلام فرمود: اگر مردی، مردی را برای خدا دوست دارد، خدا برای دوستیش او را ثواب دهد، اگر چه آنکه را دوست داشته در علم خدا اهل دوزخ باشد. و اگر مردی مردی را برای خدا دشمن دارد، خدا برای دشمنیش باو ثواب دهد، اگر چه آنکه را دشمن داشته در علم خدا اهل بهشت باشد.

۱۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ التَّضَرِّ بْنِ سُؤَيْدٍ عَنِ يَحْيَى الْحَلْبِيِّ عَنْ بَشِيرِ الْكُنَاسِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَدْ يَكُونُ حُبُّ فِي اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ حُبُّ فِي الدُّنْيَا فَمَا كَانَ فِي اللَّهِ وَ رَسُولِهِ فَثَوَابُهُ عَلَى اللَّهِ وَ مَا كَانَ فِي الدُّنْيَا فَلَيْسَ بِشَيْءٍ. امام صادق علیه السلام فرمود: گاهی دوستی برای خدا و رسولش باشد و گاهی برای دنیا، پس آنچه برای خدا و رسولش باشد، ثوابش بر خداست و آنچه برای دنیا باشد هیچ نیست (ثوابی ندارد).

۱۴- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ الْمُسْلِمِينَ يَلْتَقِيَانِ فَأَفْضَلُهُمَا أَشَدُّهُمَا حُبًّا لِصَاحِبِهِ. امام صادق علیه السلام فرمود: دو مسلمانی که بهم برخورد میکنند، آنکه دیگری را بیشتر دوست دارد از دیگری بهتر است.

۱۵- عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ وَ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَا أَلْتَقَى مُؤْمِنَانِ قَطُّ إِلَّا كَانَ أَفْضَلُهُمَا أَشَدَّهُمَا حُبًّا لِأَخِيهِ. و فرمود: دو مؤمن هرگز با هم برخورد نکنند، جز آنکه برادرش را بیشتر دوست دارد، بهتر است.

۱۶- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِمْرَانَ السَّبْعِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: كُلُّ مَنْ لَمْ يُحِبَّ عَلَى الدِّينِ وَ لَمْ يُبْغِضْ عَلَى الدِّينِ فَلَا دِينَ لَهُ. و فرمود؛ هر که برای دین دوست ندارد و برای دین دشمن ندارد، دین ندارد (پیدااست که شخص متدین حد اقل باید پیغمبر و ائمه (ص) را برای خدا دوست بدارد و گر نه دین نخواهد داشت).

^۱ (۱) هذا إذا لم يكن مقصرا في ذلك و لا مستندا إلى ضلالتة و جهالته كالذين يجنون الضلالة و يزعمون أن ذلك لله فان ذلك لخص تقصيرهم عن تتبع الدلائل و اتكالمهم على متابعة الآباء و تقليد الكبراء و استحسان الاهواء، بل هو كمن أحب منافقا يظهر الايمان و الاعمال الصالحة و في باطنه منافق فاسق فهو يجبه لايمانه و صلاحه لله و هو مثاب بذلك و كذا في الثاني فان أكثر المخالفين يبغضون الشيعة و يزعمون أنه لله و هم مقصرون في ذلك كما عرفت، و أما من رأى شيعة يتقى من المخالفين و يظهر عقائدهم و أعمالهم و لم ير و لا سمع منه ما يدل على تشيعه فان أبغضه و لعنه فهو في ذلك مثاب مأجور و إن كان من أبغضه من أهل الجنة و مثابا عند الله بتقينه (آت).